

جلد ششم دانشنامه جهان اسلام منتشر شد

جلد ششم دانشنامه جهان اسلام در ۸۳۰ صفحه زیر نظر غلامعلی حداد عادل تدوین شده و از صاحبماتنی چون عبدالحسین آذنگ، غلامحسین ابراهیمی دینانی، سید جعفر سجادی و... مقالاتی در آن آمده است. ۲۴

شعر یعنی رستخیز واژه‌ها

بارضا اسماعیلی به بهانه انتشار
مجموعه شعر «بانوی آینه و آب»

۱۸

فروپاشی سلسله ساسانی در گفت و گو با دکتر تورج دریایی

باز خوانی تاریخ

♦ من تمام منابع را دسته بندی
و راجع به کمیت و کیفیتشان بحث کرده ام

در تحقیقات ایران‌شناسی مسأله شکست و سقوط ساسانیان و دگرگونی سرنوشت ایران و آمدن اسلام جایگاه مهمی دارد. اینکه سلسله‌ای با آن عظمت و قدرت چگونه به یکباره فرو پاشید، جدا از بررسی ایدئولوژیک مسلمانان، علل و اسباب چندی دارد که در جای خود قابل بررسی و مطالعه است. دکتر تورج دریایی پژوهشگر تاریخ اواخر ساسانی با زبان اسناد و مدارک تاریخی و نیز سکه‌ها و مهرها از این دوران سخن می‌گوید. وی تضادهای موجود در جامعه ساسانی، پادشاه تغییر دین داده و مسیحی شده، چند دستگی حکومت و قدرت و قتل عام افراد شایسته و صالح را از جمله عوامل انحطاط ساسانیان برمی‌شمارد و تأکید می‌کند که باید به اسناد و مدارک تاریخی یا دیدی علمی و واقع بین نگریست. به سبب انتشار کتاب «سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی و مقاومت‌های داخلی» در صفحه ۱۰ با وی گفت‌وگو کرده ایم.



به پیشواز دومین همایش سوختگان وصل

گفت و گو با سعید حدادیان دبیر همایش ۱۷

ISSN:1029-3345

شماره ۱۶ شهریور ۱۳۸۱
۲۹ جمادی الثانی ۱۴۲۳
۷ سپتامبر ۲۰۰۲
شماره ۱۹۹ پیاپی ۴۶۶
شمارگان ۷۰۰۰۰
صفحه ۱۰۰، تومان ۳۲



دکتر شفیع کدکنی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی در کنار آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی که در آبان ماه برگزار می‌شود، از تلاش‌های علمی و خدمات فرهنگی استاد دکتر محمدرضا شفیع کدکنی قدر دانی می‌کند. کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تدارک جشن نامه‌ای برای ایشان است. ۸

قدر دانی

نشست تخصصی

گرد همایی نویسندگان تاریخ انقلاب اسلامی

♦ اولین نشست تخصصی نویسندگان تاریخ انقلاب اسلامی در فرهنگسرای انقلاب برگزار شد. ۲

دانش آموز سال‌های دور

الفبا یاد بده تا به تو کتاب امانت بدهم

گفت و گو با یعقوب آژند مترجم آثار تاریخی

۱۳



ناشر - مؤلف

بررسی یک پدیده

پدیده ناشر، مؤلف در حیطه ادبیات ایران پدیده تأشایی نیست اگر کسی با دقت پیشگفتارهای مجموعه‌های نخست برخی از شاعران و نویسندگان صاحب‌نام را بخوانیم، می‌بینیم که این پدیده در ایران عمری طولانی دارد و به نوعی هم‌راست نشناختن ما بوده است. برای روشن تر شدن این وضعیت نظر برخی از دست‌اندرکاران حوزه ادبیات و نشر را جویا شده ایم. ۵



بهاره رهنما از کتاب می گوید

رهنما بازیکر فیلم «نان، عشق ... و موتور ۱۰۰۰» است ۱۶

چهره‌ها و کتابها

عباس

زریاب خوبی

۲۳

دانشنامه‌نگاری در ایران و منافع و مصالح علمی- فرهنگی

نوشته عبدالحسین آذرنگ نویسنده و پژوهشگر مسائل کتاب و نشر. ۲



خانه کتاب

ناشران را

فراخواند

۲

گزارش

داستان‌های

ایرانی

زیر سقف
یک دایره المعارف

۸

روزِی، **روزگاری** **غریت**
چِه روزگاری است، من البته کتاب اولم را با پول معلمی درآوردم و خودم هم به کاتفروشی‌ها دادم که پولش هیچگاه برگشت.ولی امروزهیج معلمی نمی‌تواند چنین کندپس انگار نویسنده‌های می‌تواند صاحب کتاب اول باشد که کارش و میراثی داشته باشد ویا اول رفته باشد به کسب حتماً سال‌ها دیگر میبویی بدستی کم‌بفصد، ششصد هزار تومان می‌پداگرده باشد یا بعد بیاید و کتاب اول و حتی دومش را درآورَد. چه بد پشت روزگاری...!

از زمانی که هوشنگ گلشیری این جملات را نوشته، تا به امروز وضعیت این هیلشت روزگارَه تغییر نکرده است، همینست در زمانی که بهرام یضایی در پیشگفتار کتاب نمایش در ایران نوشته، مایل بود چندمثنی به عنوان شاهد به آخر این صفحات ضمیمه کند، ولی اینکه که به روشنی چشم ناشران این کتاب را با سرمایه نداری خودم و باروش افساطی چاپ می‌کنم، چنین مجالی فراهم نمی‌بینم.

تنها کافی است، سری به مابین اصلی شهریزیم تا در گوشه و کنار آن جوانی را ببینیم که بیست‌هفت و کتاب شعر با داستان خود را با کهروی به دست گرفته‌اند تا شاید صاحب دلی پیدا شود و... هر چند به نظر می‌رسد که این موضوع برای برخی از نثران رسیده امر معاش نیز شده است. ناشرانی که تنها چاپ‌هایزیمه مؤلفان کافکار ده‌اند و گویان مدعی‌های گاهی ریزود و شش استی که در نشریات به چشم می‌خورد.

امان بیدیه که در همه جای دنیا همه گونه از آن دیده می‌شود ولی نغمه هم امر مدومی نیست، در ایران چگونه است و کسب طیفانی داشته‌است؟

تکس و دیسک نیکد

محمدعلی سپاهلو شاعر و مترجم، اشاره به این مطلب که پدیدهٔ ناشر ـ مؤلف خاص ما را بیان نیست و در همه جای دنیا موجود دارد، می‌گوید:
این امر که ناشران نسبت به چاپ آثار نویسندگان تازه کار رغبت ندارند، طبیعی است، چرا که چاپ این آثار برای ناشران سود اقتصادی دربر ندارد و در این بین چاپ اثر با سرمایه شخصی مؤلف، تنها گزینه مطلوب برای ناشران و نویسندگان جوان است.

وی می‌افزاید:
نکتهٔ قابل توجه این است که در بعضی از موارد کتاب‌هایی که توسط مؤلف منتشر می‌شوند، آثار درخور توجهی هستند که ناشران به ارزش آنها بی‌توجه‌اند، استقبال عموم از برخی از آثار این چنینی و رسیدن آنها به چاپ پدیدهٔ خودگونهٔ این مدعی است.

سپاهلو که خود نیز چنین تجربه‌ای را در کارنامه‌اش دارد می‌گوید:
من اولین کتابم را با سرمایه شخصی خود منتشر کردم آن زمان ما ۱۵۰ نفر بودیم که با کمک یکدیگر سرمایه‌ی ارای آن انتشار کتاب می‌ماند و فراهم می‌کردیم. در گروه‌گسائی حضور داشتند که بعداً مؤسسهٔ کتاب‌های ناشران ص‌حیامی شدند. کسانی که بهرام یضایی، احمدرضا احمدی، اکبر رادی و... همه ما از این طریق توانستیم کارهایمان را چاپ کنیم.

محمدحسین عابدی پلر دیگری در داین شاعران بیان است، که تألیف و نشر در حال که حیثشان به یکدیگر وابسته است، دو مقالهٔ کاملاً جدا از یکدیگر هستند، می‌گوید:
تألیف دنیای خاص خودی، را در دو نشر هم، دنیای تألیف مهارت، توانایی و خلاقیت و دنیای وامی، ملید، اما مشترک

بررسی پدیده ناشر - مؤلف

زودبندها و گروه گرایی‌ها هستند، می‌توانند خود را نشان دهند و از سد این موانع بگذرند، اما جنبه منفی قصبه در این است که چنین آثاری کمتر مورد ارزیابی و نقد قرار می‌گیرند، یعنی این آثار چه قبل نمی‌کنند.
و چه پس از چاپ، از فیلتر نقد و بررسی عبور نمی‌کنند.
محمدحسین عابدی هم معقداست، اینکه نویسنده، ناشر کار خودش باشد، بی‌نصفه امری نیست، اما نشان می‌دهد که در سیستم مطلق وجود دارد.

این نویسنده اظهار داشت، همه چه مایم که نویسندگان نامدار ما هزینه‌ی خوششان و سختی آثارشان را چاپ کرده‌اند و اگر این کار را نمی‌کردند، جایان در تاریخ ادبیات ماحالی بود.
نسل حاضر را گذشته و کار آنها می‌بهره می‌ماند، اما این وضعیت نجات منعی هم دارد، چرا که نویسندگان ضعیف که بضاعت مالی دارند، براسخ می‌توانند کتاب چاپ کنند و چهره ادبیات امروز را محووش کنند.
حرف‌های ک بسپاری از آثار بارزش در انتظار فرست چاپ می‌شوروشان

را دوست می‌دهند.

محمدعلی سپاهلو
حسن فرهنگي دبیر بخش داستان‌های شب‌های شهرپور که خاص آثار نویسندگان جوان است، نظر دیگری دارد. این نویسنده می‌گوید:
یکی از تبعات این قصبه دامن زدن به بحران ادبیات گریزی، در بین خانواده‌هاست، چرا که وقتی یک نویسنده جوان پس از سال‌ها کار، ابر یا سرمایه شخصی چاپ می‌کند و جایی برای عرضه آن ندارد، مجبور می‌شود این آثار را در کتبخ خانهٔ آبیاری کند. این مسأله تأثیرات منفی روانی در بین خانواده‌ها دارد و اولین جنبهٔ آن نیز دل‌رذی اهلای خانوادهٔ او است.

مدیر خانه داستان ایران می‌افزاید:
بسیاری از مؤلفان نیز که جامعه‌حزری از آثارشان استقبال نمی‌کند، ادبیات را کنار می‌گذارند.

محمدحسین عابدی با طرح این موضوع که آثار خوبی هم وجود دارند که روی دست و دل نویسندهٔ شان ماندهٔ لدو هیچ ناشری حاضر به چاپ آنها نمی‌شود و نویسنده در چنین شرایطی ناچار می‌شود خودش اقدام به چاپ کتاب کند.
عاطف نشان می‌شد، باید پذیریم که این شیوه به هیچ‌وجه مؤثر نبوده و نیست، باید پذیریم که پدیدهٔ ناشر مؤلف، هم به نشر صدمه می‌زند و هم به مؤلف، به نشر صدمه می‌زند، چون دلالاتی را به وجود می‌آورد که ناشر نامشروع ندهاده‌اند و به مؤلف صدمه می‌زند، چون توانایی بازگشت سرمایه خود را ندارد.

عابدی این پرسش‌ها را نیز مطرح می‌کند که شیدنی است، راستی چرا شاعران و نویسندگان باید مسوولیت کارهایی را بر عهده بگیرند که انجام آن بی‌مسئولیت است، چه ناشری است که هزینهٔ چاپ کتابش را بپردازد؟



محمد علی سپاهلو

وی اضافه می‌کند:
بعد از ناشری که می‌خواند فقط سرمایهٔ مؤلف چاپ کتاب کند، نیست و هم تعداد نویسندگان و ناشرانی که حاضرند به‌بهای پرداخت هزینه چاپ صاحب کتاب شوند، دورهٔ دیگر بند برای عرضهٔ آن، در این شرایط ناامنی که عدد زیادی حاضر باشند، هزینه شخصی خود، دست به چاپ مجموعه شعر یا داستانی بزنند، کمتر ناشری حاضر می‌شود.
ریسک کند و روی آثار جوان سرمایه‌گذاری کنید.

ولی این همه ماجرا نیست چرا که **محمدعلی جعفری** مدیر نشر پلانت به‌وجو آمدن پدیدهٔ ناشر مؤلف، را معمول جدت‌طلب می‌داند که یکی از آنها عدم تمایل ناشر به چاپ آثار نویسندهٔ کار جوان است.

وی اشاره می‌کند که عدم چاپ آثار نویسندگان توسط ناشران نیز خودبه‌خود به دلیل استسهای افزایش ناشران و سوء اقتصادی، قابل قبول نبودن آن لحاظ مجرای و قرار نداشتن آثار در چهارچوب کاری یک ناشر، را جملگی در لایلی است.

جعفری به معقداست:
بعضی وقت‌ها هم مؤلف، برای دستیابی به سود بیشتر از هزینهٔ خود اقدام به چاپ و توزیع کتاب می‌کند که در این وضعیت مؤلف از فروش اثر طبیعتاً دارد، البته برخی از مؤلفان نیز تنها به خاطر اینکه دوست دارند کتاب‌های چاپ خود را مایلت و سرمایه‌گذاری و چاپ اثر خود می‌کنند.

عابدی وضعیت چیت‌عالمی دارد و چه تأثیری بر رضایت ادبیات‌مآمی نگارد؟

آشفته بازار

قل قول‌هایی که آمد، تا حدودی می‌تواند موقعیت کنونی را روشن کند، اما این معضل ریشه‌دارتر از این حرف‌هاست.



محمدحسین عابدی

کامران پارسی‌ژاد نویسنده و منتقد با اشاره به وضعیت آشفته بازار و وضعیت ناشران ما می‌نشر می‌گوید:
ناشران ما (چیه خصوصی و چه دولتی) همه نوع دفعه‌ای دارند جز باید پذیریم که این شیوه به هیچ‌وجه مؤثر نبوده و نیست، باید پذیریم که پدیدهٔ ناشر مؤلف، هم به نشر صدمه می‌زند و هم به مؤلف، به نشر صدمه می‌زند، چون دلالاتی را به وجود می‌آورد که ناشر نامشروع ندهاده‌اند و به مؤلف صدمه می‌زند، چون توانایی بازگشت سرمایه خود را ندارد.

عابدی این پرسش‌ها را نیز مطرح می‌کند که شیدنی است، راستی چرا شاعران و نویسندگان باید مسوولیت کارهایی را بر عهده بگیرند که انجام آن بی‌مسئولیت است، چه ناشری است که هزینهٔ چاپ کتابش را بپردازد؟



بیزاد و این چه نویسنده‌ای است که وامی می‌شود هزینه خودش کتاب چاپ کند؟

اماره چاره چیست و در این میان چه باید کرد؟ برخی معتقدند که برگزاری جشنواره‌های ادبی به منظور شناسایی استعدادها و معرفی آنها به جامعهٔ ادبی بین عالی از فایدهٔ نیست و علی‌الخصوص آنکه جامعهٔ ادبی ما از جویزگی که طی این سال‌ها توسط ناشرهای خصوصی راه‌اندازی شده، نتیجه‌های خوبی هم گرفته است.

همایش شب‌های شهرپور که این روزها در آستانهٔ برپایی دومین دورهٔ آن به شکل سراسری هشتم، یکی از جشنواره‌های است که می‌تواند تأثیر مهمی بر این فضا بگذارد.

حسن فرهنگي دبیر بخش داستان این همایش در این باره می‌گوید:
همایش شب‌های شهرپور در بخش داستان یک شعار اساسی دارد و آن شعار مخاطب‌پایی است، ما می‌کشیم تا طریق برپایی این همایش پایی را بین جامعه و آثار نیز نسل جوان ایجاد کنیم.

این نویسنده در باره راهکارهای آینده‌شده در این همایش می‌گوید:
ما پس از اینکه قدرت هنری آثار را ارزی‌ارز نشیای کردیم، به دو طریق از آثار برتری حمایت می‌کنیم، اگر اثری قابل چاپ باشد، جویزی را به نویسندهٔ آن می‌دهیم که معادل هزینهٔ چاپ یک کتاب است و کسانی را هم که آثارشان نشان می‌دهد که در آینده می‌توانند نویسندگان یا شاعران خوبی شوند، از طریق آموزش (به صورت کتابخانه‌ای، خصوصی، رایانه‌ای و...) حمایت می‌کنیم تا دچار توهم نشوند.

محمدحسین عابدی نیز دربارهٔ اینکه چه راهکاری را باید در این عرضهٔ اندیشید، می‌گوید:
اگر ناشری، مسوولیت چاپ کتابی را به عهده بگیرد، تا گزیر است خود، کیفیت، زیبایی، بازارپایی، تبلیغات و در نهایت سود حاصل از چاپ آن کتاب را تضمین کند، این کاری است که ناشران در آن تخصص دارند و باید به آنها واگذار شود، اگر چنین شود دیگر کمتر شاهد کتاب‌هایی خواهیم بود که در گوشهٔ آبیاری خاک می‌خورند و فراموش می‌شوند.

محمدعلی جعفری مدیر نشر پلانت نیز معقداست.
عابدی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هائی از صاحب‌نظران تشکیل شود تا مؤلفانی که ناشری برای چاپ کارهای خود پیدا نمی‌کنند به انجام مراجعه کنند و آن هیأت پارسی کارهای آنان اگر تشخیص داده‌کفری قابل چاپ و انتشار است، نسبت به معرفی آن به ناشران اقدام نمایند و ناشران نیز طبق ضوابطی به چاپ امر قدرت ورنند.

پایبانی که آغاز است

به هر حال، برای هر مشکل‌گر راه‌چاره‌ای وجود دارد به شرط آنکه کسی بخواند این راهکارها را عملی کند.
پنهمه به نظر می‌رسد که محقق شدن چنین آرزویی هم مانند بسیاری از خواسته‌ها و انتظارات فرهنگی همچنان ناممکن جلوه می‌کند.

اما آنچه که مسلم و بدیهی می‌نماید این است که باید برای پدیدهٔ ناشر مؤلف، نهضتی اندیشید.

یادداشت

میراث‌دات‌سپهری

کتاب، مظلوم‌ترین رسانه

ساعت ۹سب است. من با تمام حجله و آنتن‌باز وارد ساختمان مورد نظرم می‌شوم. (مرتب) برای اینکه شب شده. دوست دارم برای خرید لیستی که تهیه کرده‌ام جای جدیدی بروم. دم در تابلوی دست‌نوشته‌ای را اسریرسی می‌خوانم؛(لواح و اقسام و مسایل مردم آزاری رسیده‌ام)هیبت نمی‌دهم ؛ وارد می‌شوم. دیگه واقعاً عجیب شد. سمت راست تا چشمم کنار می‌کنند، فقط باری است و رنگ صورتی (نوتنم باری) و اکثلی‌هایی که محصولات و فرآورده‌های این موجود زیبا را دو چندان نفریب می‌کنند.

فکر کردم شاید ساختمان دو تا در داشته، اشتباه وارد شدم. برمی‌گردم تابلوی سردر را نگاه می‌کنم؛ نه یک دفعه سمت راستم و یزترینی می‌بینم که بر سمت از عروسک‌های خیلی قشنگ و پرجاساس به حیات حیوان‌ات مختلف، نشسته. خوبیده، لیخنزندان؛ گریانه، هیجان‌زده، نوس، جیتی و... من که از نشانها و آنتنشان لذت می‌برم. سمت چپ هم یزترینی هست. خوبه پس! اشتباه نیامدم. دورایه وارد می‌شوم. صدای موزیک بلندتر شده و شدتند تقاضاهست که از جانب چندم‌آم‌شویی و خلاصه هیاهوی برپاست.

نگاهم از برف سمت راست سالن می‌گیرم. سمت چپ پله می‌خورم می‌رود بالا. فورتگاه CD و فیلم و دیگرنمی‌نامد شاید ابراه‌می هست. سمت چپم پای پله‌ها باز هم تا هست. عرس‌های پشمالو و گریه‌های خواب‌آلود و عرس‌فرنگی‌های طنز. در بین این همه جنجال و هیاهو موزی گذاشته‌اند که : نازه فهیدیم...این است بهانه تابلوی سردر. پشت سرم دو تا پله پایین‌تر خیره‌ای است توری ویزترین پر است از پاک کن، تراش، روان‌نویس، خودکار، جامدادی، مداد و... که همه‌اشان آماده‌اند برای خدمت به تراوات‌دهنی گونکاد و نوجوانان و همچنین بزگ‌سالانی که عاشق فرهنگ هستند و از همین رو سنت که مشافه‌گران کارخانه‌های مختلف تولیدی آنها را به غلظت و جدا آورنده‌اند. به دیوار زده‌اند. فرود کاغذ چنگانه. مسم خوشبو رسیده. صعب بدبو رسیده. در اینجا می‌که استفاده به سمت راستم نگاه می‌کنم و نازه محل فروش کتاب را غیر از آن می‌بینم. می‌بینم صدای موزیک خیلی کم شده. فهیدم. برای دو بودن از جنجال‌های خیربادان‌چلوران و باری‌ها و برای اینکه حواس اهل مطالعه پرت نشود؛ این کنج خلوت را گوینده‌اند. از این همه فعالیت به خاطر همین دوسه نفری که در این سالن هستند شرمزده شدم.

روی یک میز بزرگ پر بود از کتاب‌های ماساز،رومانی، ماساژ،صورت، گرمی از خانه تا صحنه، نقلیه درست، داشتن شکم صاف کارشکلنی نیست، پزشکی خودبایتم، ترک سیگار، فرخوری کتیم و چاق نشویم و از این نقلی.

دور تا دور قفسه بود و لایذ کتاب‌های جدید و قدیم خوانندگی که یک بخش بزرگی اختصاص داشت به دواین شعر امروز اعم از احمد شاملو، مهتاب سهرهی، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و... که هر صفحه از آنها زبان‌هایی به قلند گل. سوسن برآورده، نرپای می‌زند. همه داد برسیده‌اند. دست برده‌ام هر چه‌ری جهر نشانسپاس شده‌ایم. همین سن که پوموسول‌ترین مورد ماهداری عاشقانه است. می‌گویند نه، به همین جا که استفاده اید نگاه می‌کنند؛ یادگه که من چنین کردم؛ یک آفتی مسن به دنبال کتابی می‌گشت، یک دختر جوان کتاب چگونه پوست خود را شاداب نگه داریم را توری می‌کرد و من هم که خیران.

مات برگشتم. حتی لامکان دامنم را بالا گرفتم تا اکثلی مالی نشوم. سوار تاکسی شدم و از درون تاکت بود و من این کتابم، کرایه تاکسی دادم. وقتی به خانه رسیدم بروز ندادم که رفته بودم شهر کتاب میدان فرهنگ یوسف آباد. فقط پادم افتاد که روزی، جایی، عزیزتی گفت: «کتاب مظلوم‌ترین رسانه است.

میرداد قاسمفر، شاعر، منتقد

ادبیات عامه‌پسند چیست؟ اصطلاح ادبیات عامه‌پسند به گونه‌ای از نگارش اطلاق می‌شود که چه به لحاظ شکلی و چه محتوایی از شاخصه‌های مشترکی برخوردارند. برخی از آنها می‌تواند موارد زیر باشد.

۱.مهمترین هدف آن جذب آبیوه مخاطبان بدون توجه به عنصر به گزینشگری است.
۲.فارغ بودن از دغدغه‌هایی چون ماندگاری و جاودانگی در عرصه آفرینش ادبی.
۳.سطحی‌نگری و گذراندن شخصیت‌ها،وقایع و درونمایه متن، از آسان‌ترین و سهیل‌ترین گذرگاههای ممکن.
۴. فقدان لایه‌های چندگانه و کم‌مایگی در پرداختن به لحاظ ورود به حوزه‌های ناآشناخته و تلاش برای کشف و شهود این ناآشناختگی.
۵.فراهم آوردن لذت‌های لمظه‌ای و ناپایدار که حاصل آنکای نویسنده بر ظم‌ها و شادی‌های پیش پا افتاده و روزمره و فاقد جامدایه‌های عمیق ادبیات است.

خوب همین طوری می‌توان سطرهای بسیار دیگری در تعریف ادبیات عامه‌پسند به دست داد؛اما فکر کنم همین‌ها برای این گفت‌وگوی کوتاه بسنده کند.

جایگاه ادبیات عامه‌پسند در ادبیات ایران چیست؟ البته در بخش ادبیات جدی ما، جایگاهی نمی‌توان برای آن قائل شد. به عبارتی به دلیل سهل‌انگاری و کم‌بیه‌گی فرط نویسنده‌گان این نوع از متون، حتی انتظار باقی ماندن یکی دو اثر در خاطرهٔ همان خوانندگان اینگونه نوشته‌ها نیز، انتظاری بپهوده است. متأسفانه ادبیات عامه‌پسند که در لحظاتی

وقت و کوه

رضا کتیری

جایگاه ادبیات عامه‌پسند

گفت و گو با مهرداد قاسمفر و رزا جمالی

می‌تواند ای‌اگره خوردن شاخصه‌هایش با بخش‌های عالی‌تری از ادبیات جدی، به مرتبه بالاتری ارتقا‌یابد، در کشور ما با افتقا به متبدل‌ترین شیوه‌های ارتباط گیری، خود را از یک ماندگاری نسبی و کوتاه مدت نیز محروم کرده است. شاید حداکثر کارکردی که بتوان از اینگونه ادبیات انتظار داشت، انتقال بسیار محدود بخشی‌ناپساز از خوانندگان این حوزه به قلمرو ادبیات ماندگار باشد.

خودتان آثار عامه‌پسند را خوانده‌اید؟

بندرت. چرا که جدآریای مطالعه مداوم آثار مورد نیاز هم وقت کم می‌آید چه رسد به اینکه آثار البته در حد یا خیر شدن از برخی آثار و ترمق و نگاه مطالعه آثار کم‌حجم‌تر... و از آنها با خیرم. اگر چه در سال‌های قبل ترگه برخی از شاخص‌ترین آثار این حوزه را مطالعه می‌کردم اما در چند سال اخیر باید بگویم خیر.

مطالعه‌ای در این زمینه ندارم. باهمه این حرف‌ها اضافه کنم که من از آن دسته نویستم که معتقدند نویسندگان و آثار عامه‌پسند را باید از بیخ و بن برافکنند. بر عکس بر این باورم که هنوز اینگونه آثار در مواردی لازم هم هست؛ چرا که با لایه‌خبر بخش‌گسترده‌ای از مردم (این فقط در ایران بلکه در همه دنیا)خوراکی خود را به لحاظ فکری و اوقات فراغت، با آثار عامه‌پسند تأمین می‌کنند. چرا باید بایک کاردو روشنفکری این فشرهای قانع را محروم کرد؟

رزا جمالی، شاعر

ادبیات عامه‌پسند چیست؟ به نظر من درک مخاطب و شعور مخاطب مهم است. پرورش مخاطب در ادبیاتی است که ما خلق می‌کنیم. در ادبیات عامه‌پسند ما با تفکر و تعمق روبرو نیستیم. یعنی به مخاطب چیزی افزوده نمی‌شود. بلکه مخاطب با نوشتاری که صرفاً برای سرگرم کردن نوشته شده، رو در رو می‌شود. معمولاً در ادبیات عامه‌پسند ما فقط با عنصر احساس روبرو می‌شویم. یعنی این نوع از نوشتار صرفاً محصول مخاطب را تحریک می‌کند؛ و دست آخر محصول قابل برداشتی

یادداشت بر کتاب



ناتارام

در آرامش

ناگهان سر به عصبان می‌گذارم و به هر پدیده و موقعیتی می‌نازد. انگار در او اشعارن (شخصیت‌های) زیادی زندگی می‌کنند؛ او محصول عجیبی از جهانی که در آن زندگی می‌کرد، بود.

زبان شعر نرودا، زبانی پیچیده است که در عین منسجم بودن، پراکنده و در هم ریخته است. او در عین حال که دغدغه زبان دارد، هیچ پایبندی به عنصر زبان ندارد. سر او به خاطر دارا بیون عکس و معکوس‌ها و ضدو تقضی‌ها، تغییر ذهنیت و زاویه دید و نگاه نقادانه، دارای زبانی سخت و پیچیده است.

ادبیات عامه‌پسند بیشتر از ادبیات جدی مخاطب دارد؟

می‌بینید. شاعران بزرگی هستند که مخاطبان زیادی (خاص و عام) دارند مثلاً شعر بزرگی مانند سپهری مخاطبان گسترده‌ای دارد. شعرش سال‌هاست که خوانده می‌شود و مخاطبان زیادی دارد. اما در شعر سپهری شعرو بالذدی موج می‌زند. در شعر سپهری ما با زبانی روان و همه فهم روبرو هستیم در عین حال که شعرهایش سطحی و بازارپسند نیست. اما در کنار سپهری بودند شاعرانی که تبلیغات زیادی برایشان می‌شد اما نتوانستند جایگاه سپهری را کسب کنند.

اگر شمارگان کتاب مریم حیدرزاده «هالا می‌رود این به علت خوب بودن شعر او نیست، بلکه شعر او از ذهن راست‌قلب و ناآزموده بعضی از مخاطبان همسو است. ادبیات عامه‌پسند در جهان به یک رشد و تعالی رسیده است. یعنی در ادبیات عامه‌پسند جهان، ما شاهد تفکر و تعمق هستیم. یعنی داستان یا شعر صرفاً برای سرگرمی و فروش نوشته نمی‌شوند، بلکه در کنار جنبه سرگرم‌کننده، به مسائل و پدیده‌های جهان نیز اشاره می‌کنند یا به دردهای اجتماعی و انسانی.

مریم حیدرزاده «امثال او شعرها و داستان‌هایشان در یک دوره کوتاه مخاطب داشت و حضور داشتند. اما سپهری هنوز هم حضور دارد و شعرهایش خوانده می‌شود **تا به حال خودتان ادبیات عامه‌پسند را مطالعه کرده‌اید؟** به‌طور جدی نه؛ ایک کتاب از «فهمی‌رحیمی» در دوران نوجوانی و چند صفحه از کتاب «حیدرزاده،

اقتباسی به من پیامورده؛ آنچه می‌آموزم، موسیقی یا آگاهی بوجه نکت دریا؛ گرداب هستی‌ام / نفس نفس صدای من را جبارت خیره‌کننده / ماهیان و ناوهار؛ این قدر روشن است؛ حتی در مواج‌موج دریا؛ دانشگاه دریا (صفحه ۳۰)

نرودا در عین حال که شعرهای ساده و عامه فهم دارد، شعرهایی پیچیده و تا حدودی نامفهوم نیز دارد. او شاعری است که تبدیل به مرکز جهان شده است و همه حوادث و پدیده‌ها گرد مدار او می‌چرخند.

اصغر مهدی‌زادگان در دومین ترجمه‌ای که از اشعار نرودا را خوب خوانده است، نشان داده است که نرودا انجام داده است. انگار بیشتر مست و سوبه اصل شعر نرودا دارد و او سعی نکرده است که شاید پیچیدگی و سخت‌بودن شعر نرودا باعث شده است که ترجمه‌ای که ارائه داده است تا حدودی نامفهوم و پیچیده باشد.

عالم طباطبایی، یازمی چه کتابی خوانده‌اید؟

من کتاب اولین ائینگیل از خواننده‌ام که آقای به آذین ترجمه کرده‌است. رمان خیلی عالی بود. از نظر آشنایی با داستان‌های بهمانی و اوضاع‌های مردم بلژیک و مردم انجیاب انگیز بود. مثل دون کیشوت سروانتس. برای من خواندن این رمان یک چنین وضعی داشت. به نظر شما رمان طولانی نبود؟

چون فاعلت کرده‌ام به رمان خواننده، به نظرم طولانی نرسید. وقتی رمان را تمام کرده‌ام می‌خواستم ادامه می‌دانشتم.

با کدام شخصیت این رمان احساس نزدیکی و همدردی داشتید؟
با شخصیت الله‌عجلی احساس همدردی می‌کردم. به خاطر آن علاقه خاص و فداکاری و یک رنگ بودن این زن از رفتارش لذت می‌بردم و با او احساس بیگانگی می‌کردم. البته تمام شخصیت‌های این رمان در حدکمال‌است. الله‌علاقه خاصی به اولین ائینگیل و مردم دان‌دزبان ترجمه این اثر هم به نظرم خیلی بود. بسیاری از او گاش که نامش شامسیم به آذین بنحیر زیاد و باپختگی از عهده‌اش بر آمده.

آیا این رمان درسی برای رمان‌نویسان ما دارد؟

به نظرم من بزرگ‌ترین درسی که به نویسندهگان ایرانی می‌تواند بدهد، این است که

چه کتابی خوانده‌اید

خواندن متون کهن



نوبینده

نویسنده هنگام نوشتن تحلیل خودش را آزادبگذارو جرأت نوشتن ذهنیات خودش را داشته باشد. بدون اینکه خودش را درگیر چارچوب‌های از پیش تعیین شده بکند. یعنی آن جسارتی که در نویسندگان ایرانی نمی‌بینیم. در این رمان هست و می‌توان یاد گرفت. این رمان به نوعی بلاسازای آشنایی‌ای از مردم بلژیک است. این هم درسی برای نویسندهگان می‌تواند باشد؟

بلند در صد، به نظر من خواندن ادبیات کهن چه بحث‌های اساسی‌اش و چه بحث‌های سیاسی و تاریخی‌اش، البته تاریخی نیست می‌تواند کمک‌کننده باشد که از این قالب‌هایی که داریم بیرون‌آییم.

آثار کلاسیک و ادبیات عامیانه مامل امر اسرلان و مسکم خیلو و داستان‌های عاقل‌تله از متون کهن موجود است و همچنین آثار نظامی و شاهنامه. تمام این آثار می‌تواند دستمایه نوشتن آثاری مثل اولین ائینگیل باشد. یک بحثی از اینکه در رمان نویسی عقب افتاده‌ایم شاید می‌توانی به همین آثار باشد. ماجرات و جسارت و نزدیک شدن به این آثار را داریم. خودمان را به ظاهر درگیر ادبیاتی کردیم که فکر می‌کنیم مدرن‌است. اغلب آثار اروپایی و غربی را که می‌خوانیم می‌بینیم چقدر آزاد می‌نویسند. در حالی که ما خیلی مقیدیم.

اهالی کتاب

امیرالمیومذرا

اهالی کتاب - اهالی شعر

سنتی جامعه،نظم هندسی وزبان فخم شاعرانه توسط نیما شکسته می‌شود. بسیاری از عوامل، از جمله تغییر یافت اجتماعی،ورود عناصر و تکنولوژی از غرب و نیز ترجمه آثار غربی دست به دست هم می‌دهند تا تحولات ساختاری در همه زمینه‌ها صورت گرفته و تداوم یابد. دهه‌های چهل و پنجاه، دهه‌های رویت شعر است. شاعران بسیاری در تداوم و استمرار کار نیما پیشانی‌اش ارائه داده و شعر وارد عرصه‌های دیگر می‌شود…

و اما بعد از دهه‌های چهل و پنجاه، شعر کم کم



جایگاه خود را از دست داده و هرچه بر تعداد شاعران افزوده می‌شود، تعداد مخاطبان رو به کاستی می‌گردد. کتاب‌های شعر فراوانی چاپ می‌شود، بدون آنکه مورد توجه قرار گرفته و خوانده شوند. با نزدیک شدن زبان شعر به زبان محاوره و گفتار و نیز با توجه به ورود عناصر و مفاهیم معاصر در شعر، انتظاری رفت که شعر نتواند بیش از پیش با اقتضای مختلف جامعه ارتباط برقرار کرده و حضور خود را مسجحل و مسلط تر کند. اما چنین اتفاقی هنوز رخ نداده و کتاب‌های شعر همچنان از جمله کتاب‌های کم‌مخاطب این سال‌ها هستند. باید اذعان کرد، آسیب‌شناسی چنین امری، از مواردی است که بنا به عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چندان مورد عنایت قرار نگرفته است.

برخی از منتقدان و شاعران معاصر یکی از دلایل نبود مخاطب و عدم فروش مجموعه‌های شعر را فاصله‌گیری بیش از حد شعر، و شاعر، از مردم می‌دانند. به نظر این گروه پیچیدگی صنعتی و دشوار بودن امر نوشتن در سال‌های اخیر نسبت شده است که حلقه خوانندگان شعر رفته رفته تنگ‌تر شده و در این میان تنها عده‌ای خاص و اندک - که خود دست‌اندرکار شعرند - توانسته‌اند با شعر ارتباط برقرار کنند (و عموماً

تغذیه این گروه اندک نیز به عهده خود شعر و ادبیا به انقضای در گوشه صحنه اول کتاب بوده است). عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که حرکت شعر در سبتر تاریخ این سه دهه، اصولاً حرکتی رو به رشد و تکامل بوده و این مردم هستند که بنابه شرایط حاکم بر زندگی‌شان از قافله شعر عقب مانده‌اند.

به نظرم می‌رسد عدم توزیع مناسب کتاب، کیفیت پایین کثیری از مجموعه‌های شعر و سبعل شاعران کم تجربه‌ای که کم‌کوچک‌ترین آشنایی با مؤلفه‌ها و

معیارهای زیبایی‌شناسی شعر معاصر نداشته‌اند، در چاپ کتاب، عواملی هستند که در کنار عوامل دیگر دست به دست هم داده‌اند تا چنین فضایی به شعر و کتاب‌های شعر حاکم شود. در کنار همه این مؤلفه‌ها، نباید از نبود یا کمیود منتقد حرفه‌ای در حوزه شعر غافل بود. به که به نظر نگارنده یکی از اساسی‌ترین مسائل در مقاله‌مود نظر است، «انقد در جهان هنر و ادبیات معاصر همچون پلی است که مؤلف و مردم را با هنر بر می‌کند. کیفیت این است که مخاطب بورری طبقه‌شاعر

نیوده و امروزه این طبقه بر عهده منتقد گذاشته می‌شود، به یقین در نیومنتقدان کارآمد، شفاف و فاصله مردم با هنر (شعر) بیشتر و بیشتر خواهد شد. البته آنگونه که از آمار‌ها و گزارش‌ها مجموعه‌های شعر در کشور‌های دیگر بر می‌آید، گویا کمیود مخاطب شعر امری جهانی بوده و خاص کشور ما نیست. اما مسأله این است که نوع ارتباط ما مردم با شعر

ارتباطی دیگر گونه است. شعر هنر ملی ما بوده و در ناخودآگاه مشترک جمعی ما صاحب جایگاهی ویژه است. از سوی دیگر حضور مسلط، بیشتر، نظامی، موسیقی و انواع دیگر هنر‌ها در کشور‌های خارج، شعر را تحت الشعاع قرار می‌دهند. در حالی که چنین امری را نمی‌توان در کشور ما و در رابطه با هنر با هنر عنوان کرده و آن را به عنوان یک عامل مهم بسط و گسترش داد.

ناگفته‌نیاست که آسیب‌شناسی چنین موردی، امری بسیار وسیع و گسترده بوده و نمی‌توان آن را در این مجال اندک و در یک ستون مورد نقد و بررسی قرار داد. غرض فقط آشنایی بوده و بهانه‌ای با این امید که اگر اهالی شعر در این زمینه نقد و نظری دارند، اهالی کتاب را بی‌تصیب نگذارند.

پشت‌صحنه

آلب. آشتا

کفت وگو با احمد رضا طبروی ناشر

ناشر هیچ نقشی در امر ویراستاری ندارد



به نظر جنابعالی آیا در ویرایش نوع برخورد جامعه فرهنگی با آن نسبت به دو دهه اخیر تغییر و تحولی صورت گرفته است؟

لازمه پاسخ دادن به این سؤال این است که بدانیم مثلاً در دهه اول، ویرایش چه حال و هوایی داشته و در دهه دوم چه تحولی در آن رخ داده است و این مقایسه در کتاب ویرایش شده ممکن است. متأسفانه چنین مقایسه‌ای با شرایط امروز غیر مقدور است و پاسخ غیر ممکن.

چرا برخی از مؤلفان و مترجمان از بیرون اثر خود به ویراستار اجتناب کرده و حساسیت از خود نشان می‌دهند؟

خوب هر مؤلف یا مترجم سال‌ها کتاب

خوانده، سال‌ها کتاب نوشته و ای بسا کتاب‌های متعددی منتشر کرده است و به همین اعتبار و تجربه و سوادش، اطلاعاتش از یک آقایین که مدعی ویراستاری - که به اندازه یک دم مؤلف

یا مترجم کتاب نخواهد - بیشتر است. چنین مؤلف یا مترجمی نمی‌آید نوشته‌اش را به دست کسی که در حد شاگرد مؤلف یا مترجم نیست سپارد. ویرایش یعنی درست بودن و رسا بودن جملات یک نوشته. درست بودن از لحاظ دستوری و رسا بودن از لحاظ درک صحیح و شناخت صحیح از مخاطب. چطور یک مؤلف یا مترجم قبول کند که ناندان جمله درست کدام است و لازم باشد نوشته او را یک فارغ التحصیل مثلاً دو سال پیش تصحیح کند؟

به نظر جنابعالی به عنوان ناشری که سال‌هاست در عرصه نشر چاپ کتاب فعالیت می‌کنید، چه موفقه‌ها و عواملی در روند امر ویراستاری به حاشیه‌های دافنده‌اند؟

هر کتاب به یک مقوله خاص می‌پردازد. یک کتاب، تاریخی است؛ یک کتاب ادبیات است؛ یک کتاب رمان و یک کتاب عرفان و یکی جامعه‌شناسی و یک کتاب یک بحث فلسفی است. یک ویراستار در صورتی در ویرایش یک کتاب موفق خواهد بود که با موضوع کتاب آن هم به آشنایی مختصر بلکه عمیق داشته باشد. اگر ویراستاری در زمینه موضوع خاص، تخصصی پیدا کند، آن وقت در ویرایش موفق خواهد بود. در چنین صورتی آیا آن ویراستار که خود را کمتر از مؤلف یا مترجم نمی‌بیند می‌تواند به

ویراستاری قناعت کند؟

چه ویراستارهایی را در چهجند سامانه‌های نظام آموزشی امر ویرایش و تعریف یا ساختمان کردن آن در حوزه چاپ و نشر کتاب پیشنهاد می‌کنید؟

مطلوب‌تر که برای روزنامه‌نگاری و کتابداری

دانشکده تأسیس کرده‌اند خوب امر ویرایش هم یک دانشکده می‌خواهد. منتها در این دانشکده باید کسانی که در امر ویرایش صلاحیت دارند تدریس کنند و بدیهی است که در چنین دانشکده‌ای باید رشته‌های مختلف ویرایش باشد آن وقت ناشر با مؤلف در گفت و گو می‌کند که کتابش را به ویراستار سپارد.

ناشران فعال و جدی کشور چه نقشی می‌توانند در این رابطه ایفا کنند؟

ناشر عمده یک مصرف کننده است. یعنی ویراستار را به خدمت می‌گرداند. اینکه ویراستار تربیت کند، بدین لحاظ چنان‌چه نظر من باشد ناشر هیچ نقشی در امر ویراستاری ندارد. از سویی چون امر ویرایش هزینه‌بر است عمدتاً به ویرایش سیرود کتاب در بالا رفتن قیمت کتاب تأثیر دارد. البته ناشر از چنین وضعیتی کمتر استقبال می‌کند.

۱۳۸۱ شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱

۷

منوچهر آتشی:

«بصیرت سایه‌ها» قابل مقایسه با «پیامبرو دیوانه» است



پانزدهمین نشست کانون ادبیات امروز، با حضور منوچهر آتشی، رضا صفریان، هادی سعیدی کیاسری، سید حسن حسینی، صادق رحمانی، علی عبداللهی، غلامحسین سالمی و تکی

چند از شاعران و صاحبزنان و علاقه‌مندان شعر در فرهنگسرای پلور برگزار شد. در این جلسه کتاب شعر *بصیرت سایه‌ها* سروده و شاعرفریاد نقد و بررسی شد.

این نشست کانون ادبیات امروز، تجلیل از منظومه‌ای بود که توانست در میان ثنوه مجموعه‌های شعر امروز، جایگاهی مناسب یابد.از این رویه تجلیل و ارزیابی منظومه *بصیرت سایه‌ها* برپا داشتند. آتشی در بخشی از سخنانش گفت: «شاعر» در منظومه *بصیرت سایه‌ها* به عرصه فلسفه، علم و هنر هستی از دیدگاه‌های مختلف وارد شده و کوشیده از جمع بسیاری کمیات و کیفیات و نظراتی که انسان در مورد آنها بیان داشته سودجوید و پس از تفکیک و استقرار و تعمیم تجزیه و تحلیل به مطلوب نایل شود که خفین سخنان است، برسد.»

آتشی ضمن صحبت‌هایش منظومه *بصیرت سایه‌ها* را قابل مقایسه با منظومه‌های پیامبر و دیوانهٔ جبران خلیل جبران، «سنگ آفتاب» اکتایو پاز و «سرزمین هرز» تی. اس. الیوت دانست و گفت: «شاعری می‌خواهد بگوید حقیقت شاعرانه وجود دارد ولی این حقیقت به کندند ادراک علمی نمی‌افتد چراکه از حیطة عملکرد آن دور است و یا از جنس آن نیست.»

وی در ادامه گفت: «از نظر شاعر، حقیقت به دو گونه است: حقیقت علمی و عقلی و آن حقیقتی است از نتیجه‌ای که عقل از تحلیل تصورات دربارهٔ «جهان فی نفسه» به دست می‌آورد، حاصل می‌شود. حقیقت شاعرانه و آن عبرت است از درک واقعیت امور، آن طوره که بر برابر انسان جلوه می‌کند.» موسیقی در شعر بلند *بصیرت سایه‌ها*، از جمله موضوعاتی بود که منوچهر آتشی با ظرافت و دقت بیان پرداخت و گفت: «وقتی چگونگی پدید آمدن آن حقیقت شاعرانه را با پیروشم و قبول کردم که می‌تواند در برابر شیء، مطلق آن و حالات آن، قرار می‌گیرد و کیفیتی در ما و در شیء، به وجود می‌آید که تقصیر عمیق ندارد، می‌تواند زبان رای به همراه خود به رقص موزون و هریز کند.اما این مسأله کمی مغفول مانده است.»

آتشی در پایان سخنانش گفت: «تکه پایانی منظومه *بصیرت سایه‌ها* که بهترین پایان‌بندی این شعر است، ما را به یاد پایان‌بندی شعر بزرگ «سنگ آفتاب» اکتایویو پاز می‌اندازد که گویی به مامی گوید، شعر، تازه آغاز شده است.»

سید حسن حسینی یکی دیگر از منتقدانی بود که دربارهٔ کتاب *بصیرت سایه‌ها*، به دلیل شیق وقت به طور اجمال و اختصار سخن گفت. وی گفت: *بصیرت سایه‌ها*، «روسه پرهم‌روزری است که فضل و دانش را به شعر تبدیل می‌کند، بدون اینکه ردیای فضل فروشی در آن باشد. به نظر من این پرورسه را شاعر با موفقیت پشت سر گذاشته است.» حسینی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «اگر ادبیات را تشکیل شده از چهار عنصر اندیشه، خیال، عاطفه و اسلوب بدانیم، در کار صفریان عنصر اندیشه بر دیگر عناصر برتری دارد و این فی نفسه نه حسن است نه عیب، بلکه ویژگی کار اوست و به همین نسبت شاعر از زبان و دغدغه‌های زبانی نیز فاصله گرفته است.»

بیش از یک سال است که دکتر محمد غلام و دکتر حسن ذوالفقاری به اجرای طرحی دست زده‌اند که نام آن *ادبیات‌المعارف* داستان‌های فارسی است این نام که برای داستان‌دوستان نوید سامان یافتن آثار پراکنده از شمس‌در طی اعصار گذشته است به حرکتی اشاره دارد که با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مشاوره و پیشنهادهای اعضای شورای علمی و هیأت مشاوران نظیر دکتر غنی پورنماداریان، دکتر علی محمد حق‌شناس، دکتر محمدعقایی، دکتر حبیب‌الله عباسی و دکتر محمد قوسمی قدمی در راه جمع آوری کلیه داستان‌های فارسی (عم از حکایت، قصه، اسطوره، افسانه و…) است که در قالب چند جلد *ادبیات‌المعارف* و فراهم کردن فهرست و نمایه‌های متعدد راه را برای برخورداری عموم فارسی‌زبانان و علاقه‌مندان و منتقدان از سرمایه‌های فرهنگی خود هموار می‌کند و زمینه مناسب را برای انجام پژوهش‌های بنیادین و کاربردی فراهم می‌آورد.

چارچوب طرح

این دایرة المعارف طی پنج سال آینده و در چند مرحله (فاز) تمامی داستان‌های فارسی پس از اسلام تا سال ۱۳۸۰ را جمع آوری، معرفی، خلاصه و گزارش می‌کند و چارچوب آن آثار مکتوب چاپ‌شده در ایران و خارج از ایران است که با سه نام کلی «آثار داستانی قدیم»، «آثار داستانی جدید» و «شخه‌های خطی آثار داستانی» مداخل نگاری و تنظیم می‌شود. در هر مداخل، پس از معرفی اثر، مرقلاهی چون موضوع، درونمایه، طرح فشرده، شخصیت‌ها، عناصر

داستان

داستان های ایرانی زیر سقف یک دایره المعارف

گلدستان، مثنوی و… است که هر چند داستانی جامع ندارند، تعداد زیادی حکایت، فراخور موضوع مورد بحث، در آنها یافت می‌شود. دو دسته اخیر، حدود چهارصد متن را در بر می‌گیرد. دسته سوم، کلیه متون غیر داستانی مانند مثنی علم، جغرافیایی، تاریخی، قصیری و… را در بر می‌گیرد که در ثانی آنها، حکایاتی وجود دارد و استخراج و جمع آوری همه آنها ضروری است. بررسی هاشان می‌هد که مجموع آثار داستانی چاپ شده موضوع این تحقیق، حدود پانزده درصد از کل آثار داستانی فارسی است و مابقی آن آثار داستانی خطی است که کارشناسان دایره المعارف سرگرم شناسایی و ثبت آمار دقیق آنها هستند.

مرحله نخست در حال اجراست

مرحله نخست پژوهش حاضر که در حال اجراست، شامل ادبیات داستانی کلاسیک است و تا قرن هشتم را در بر می‌گیرد که بخش اعظم آن شناسایی و مداخل نویسی شده‌اند.

مجموع مداخل‌های این مرحله از تحقیق، بالغ بر ده هزار مداخل داستانی (با احتساب مداخل‌های تکراری) می‌شود.

سخن آخر اینکه

ایده‌یاست این تحقیق بتواند کلیه آثار داستانی فارسی را به‌صورت یک‌جا در اختیار علاقمندان حوزه ادبیات داستانی، منتقدان ادبی و اهالی تحقیق قرار دهد و از این دستاورد، زمینه مقایسه ادبیات داستانی سخن را با ادبیات داستانی جدید و این هر دو را با ادبیات سایر فرهنگ‌ها فرام‌آورد

داستان، بن ماهه‌ها و کثیری از اطلاعات پیرامونی، خلاصه هر داستان در کمال ایجاز و با حفظ خط داستان، عناصر ساختاری و مایه‌های اصلی داستان ارائه می‌شود. علاوه بر این، پوست‌های متعددی نظیر فهرست بدین ماهه‌های داستانی، اشخاص و موضوعات داستانی در حد نیاز خواننده را در دستیابی به اطلاعات موجود

● این دایرة المعارف طی پنج سال آینده و در چند مرحله (فاز) تمامی داستان‌های فارسی پس از اسلام تا سال ۱۳۸۰ را جمع آوری، معرفی، خلاصه و گزارش می‌کند و چارچوب آن آثار مکتوب چاپ‌شده در ایران و خارج از ایران است که با سه نام کلی «آثار داستانی قدیم»، «آثار داستانی جدید» و «شخه‌های خطی آثار داستانی» مداخل نگاری و تنظیم می‌شود. در هر مداخل، پس از معرفی اثر، مرقلاهی چون موضوع، درونمایه، طرح فشرده، شخصیت‌ها، عناصر

در این دایرة المعارف باری می‌دهند.

روش تحقیق

در این طرح روش تحقیق، کتابخانه‌ای و مبتنی بر توصیف ساختاری، فنی، محتوایی و سبکی کلیه آثار داستانی فارسی و احوال‌مقایسه و تطبیق آنها با سایر آثار است. متونی که در حوزه این تحقیق جایی می‌گیرند به سه دسته صمد در صدد داستانی، نیمه داستانی و غیر داستانی تقسیم می‌شوند. دسته اول، آثاری چون کلیله و دمنه، خسرو و شیرین، منظر الطیر، مسک جبار و… را در بر می‌گیرد. دسته دوم، شامل متونی نظیر بوستان،

خلاصه

مرحله نهایی را اواخر آذرماه اعلام خواهد کرد و مراسم اهداف جایزه، شب بلبلا، سیام ام آذرماه برگزار خواهد شد.

محمد قاسم زاده نویسنده و دبیر جایزه نیز در خصوص ضرورت برگزاری چنین جوایز ادبی گفت: «جوایز ادبی از جمله عواملی است که باعث رونق ادبیات می‌شود و حضور این نوع جایزه‌ها در تاریخ ادبیات ایران برخلاف کشورهای دیگر سابقه چندانی ندارد.

وی همچنین گفت: جایزه ادبی بلدا تنها مهر تأییدی است بر اثری که در یک مسابقه شرکت کرده است و این مسابقه هیچ بازنده‌ای ندارد و جنبه تشویقی این کار بیشتر از دیگر جنبه‌های آن است.»

قاسم زاده در ادامه گفت: برای جایزه ادبی بلدا از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کمک نخواسته‌ایم و سعی کرده‌ایم با اقدام اطفا‌ی جایزه و نحوه گزینش آثار این حرکت را اعتبار بیشتری ببخشیم. او همچنین درباره نام جایزه چنین توضیح داد: «بلدا نامی است ایرانی که نام شب قصه‌گویی است که این نام با ادبیات داستانی ما پیوندی خاص دارد.

قاسم‌زاده در آخر افزود: چون جایزه‌ای بلدا صرفاً تشویقی است محمود دولت‌آبادی از این زلفات کناره گرفت تا میدان را برای جوائز‌های باز بگذارد.

«نسبت شعر و اسطوره»

در کانون ادبیات امروز هفدهمین نشست هفته کانون ادبیات امروز با شعرخوانی شاعران نامدار و جوان و سخنرانی دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور دربارهٔ نسبت شعر و اسطوره برگزار شد.

در این نشست که در سالن آغلی تاتار فرهنگسرای پلور (سرور) برگزار شد، نمایندگان گرایش‌های مختلف شعر امروز حضور داشتند.

^[1] هفدهمین نشست هفته کانون ادبیات امروز با شعرخوانی شاعران نامدار و جوان و سخنرانی دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور دربارهٔ نسبت شعر و اسطوره برگزار شد

«موسیقیدانان ایرانی» نخستین بخش از یک مجموعه چهار جلدی به قلم پیمان اکبرزاده (متولد ۱۳۵۹ - شروز) است. این کتاب با پیشگفتاری از علیمحمد رسیدی (متقد موسیقی، مدیر فعلی هنرستان و از سرپرسان سابق مجله موزیک ایران) به وسیله انتشارات نوید شروز به چاپ رسیده و در برگزیده شرحی از فعالیت‌های هنری، آثار و دیدگاه‌های تعدادی از رهبران ارکستر و آهنگسازان معاصر ایرانی (تیم داخل و علیرز از کشور) است.

تاریخ و دانش موسیقی در ایران از آنگونه که باید و شاید به صورت مکتوب (پروژه کتاب) در نیامده است؛ به نظر شما دلیل این بی‌توجهی چیست؟
موضوع «مشرعیت» موسیقی است، خداوند، خود، دستار زیبایی است و تنها نیست به آنچه انسان را به انحراف بکشاند نظر خوشی ندارد. در اسلام نیز همواره سخن از به روز بودن و توجه به شرایط زمان و مکان است. آیا عشقی که امروز موسیقی در تلفیق و وجه انسان‌ها در دنیا ایفا می‌کند عشقی که موسیقی در میان اعراب دوره جاهلیت باقی می‌گردد قابل مقایسه است؟ نسبتاً همچنان با وجود تفرقه‌ای که منجر به سرخوشیت موسیقی سالم و جدی صادر شده، هنوز تکلیف این هنر روشن نیست. از سویی در تهران، ارکستر سمفونیک و چند هنرستان و

نگره رسلو نادیان

بیژن نجدی و یوزپلنگانش



چاپ فقط یک مجموعه چهارجگه واقعی خود را در تاریخ داستان نویسی این سامان به اثبات برساند. دوستیانی که مجموعه داستان ابو زیلنگانی که با من دیده‌اند را خوانده‌اند، بخوبی می‌دانند که نجدی فارغ از هر گونه کشی و واکنش و خودش و هنر داستان، سعی داشته که قیل از هر چیز دیگر خودش باشد. یعنی اینکه برگ دیگری بر دفتر ادبیات داستانی استثنایی ما بیفزاید. درسی که این نویسنده و شاعر به آیدنگان خود داد همانا پرهیز از تکرار و دنباله‌روی‌های معمول بود که ظاهر آه‌نوز بسیاری پیام این درس را دریافت نکرده‌اند.

کسانی که انتقاد دیدن حضورى نجدی را داشته‌اند می‌گویند که او از هر گونه بحث و بغض نسبت به دیگران بی‌بزار بود، اگر گشتن این رداقت‌طلب مجازیم که مثلاً سخنراى کوتاه او را قبل از دریافت جایزه ادبی گردون بشنویم یا بخوانیم، درمی‌یابیم او دیگران را به خواندن آثار نویسنده‌ای دعوت می‌کند که سال‌ها از خودش کوچکتر است. همین نکته مؤید این مسأله مهم است که وی نه‌تنها آثار نویسنده‌گان جوانتر را به دیده تحقیر نمی‌نگریست، بلکه نبحر در نوشتن را به هیچ عنوان به سن و سال مربوط نمی‌دانسته و با وقت تمام اندازه اثرزى را صرف خواندن آثار جوانان می‌کرده که برابر با عواش آثار پیشگروگان باشد.

نجدی به ما آموخت چگونه می‌توان کم‌توش و ماندپذیر آنکه لازم باشد کتاب‌های کیلویی تحویل دیدهم و نگران جیب مخاطب باشیم. آموخت که چگونه می‌توان با عورت دنیا را صاحب بود و با دل و جان به دیگران بخشید و همان‌گونه که در وصیت‌نامه مثال‌زدنی اش آمده همه چیز را شش‌دلگ می‌بخشد و فقط یوزپلنگانی را که با او دیده‌اند برای خودش می‌خواهد… ما هر حال نام نجدی بر تارک ادبیات داستانی ماممی ماندگار است و یوزپلنگانش ظاهر آفتاب دارند با تمام نفس یا کلمه کلمه داستان نوشته و نانو شده بدلوند.

داشتگده آیا بودجه دولتی فعالیت می‌کند و از سویی در شهرستان هاستور، به تعلیمی آموزشگاه‌های موسیقی داده می‌شود؟ از سویی در بخش آغصد برانه‌های توتونستان موسیقی از همه نوع به گوش می‌رسد و از سویی نشان دادن تصویر ساز غیر ممکن است! جانب انجاست که منوعیت بخش تصویر ساز و نوازنده تنها برای ایرانیان مقیم ایران است زیرا اینگونه برنامه‌ها به وفور از طریق شبکه‌های بیرون مرزی مان (جام جم و…) در دسترس مخاطبان تراس می‌گرد. در چنین شرایطی که هنوز به عقیده من موسیقی موجودیت رسمی ندارد، صحبت از اینکه چرا دانش و تاریخ موسیقی مکتوب نشده شاید کمی مشکک باشد. جدا از آن مسائل ما برعکس، کشی که در زمینه ادبیات پارسی کار می‌کنند، در زمینه موسیقی آثار مکتوب چندانی از گذشته نداریم و حتی بخشی از همین آثار اندک هم در نهجانات از میان رفته است. البته موسیقی ایران هم همواره یک هنر شفاهی بوده است. (به استثنای یک مقطع تاریخی خاص که موسیقیدانی نظیر عبدالقادر مراه‌ای به ثبت آثار خود با عروف لاجد همت گماشتند یا از اواخر قرن گذشته که خط نت در ایران رواج یافت).

در کتاب اول شما کمتر به موسیقیدانان سنی کشورمان پرداخته شده و اغلب استادان موسیقی کلاسیک سمرق شده‌اند. دلیل این امر چیست؟

این کتاب نخستین جلدی از مجموعه «موسیقیدانان ایرانی» است و به بنیة هنرندان در دیگر رشته‌ها در چهارده‌های بعدی پرداخته خواهد شد. ولی باید توضیح دهم که در دهه‌های اخیر آثار متعددی درباره فعالیت‌های موسیقیدانان معاصر ایران به رشته تحریر درآمده که از میان آنها به عقیده بنده، مجموعه سه جلدی اسرگشت موسیقی ایران، از شادروان حاتقی و «چشم انداز موسیقی ایران از آق‌ای سینا شامخی و امیرحاج کار، من هم بوده‌اند. این آثار با وجود ارزش‌های منحصر به فوقی که دارند، غالباً به مثابه یادداشت سرپیخته و کمبود اطلاعات تازه و مستند و بی‌طرفانه خوبی‌های حس می‌شود. بحث‌هایی از هنرندان

آدم این کتاب‌های جدید را که با من می‌کند دلم می‌گیرد، نه مقدمه‌ای نه، نه مژه‌های، نه توضیحی و نه تعقیبی. زبان شعر امروز هم که زبان از ما بهتران است که البته رسم است اگر سر درنیازوری هم باید سری تکان دهی و باغبی بیندازی تا ثابت کنی خنک نیستی و با ادبیات مدون احکامکی و راز نوشتن یک کلمه و کشیدن خط بر رویش راه نمی‌روی می‌دانی. حقیقتاً اول‌ها کنی می‌گریه که به این امرهای بازی‌های یک نوع بود می‌پردی. ولی است که فقط می‌تواند مانگیر بچه شاعرهای پایتخت باشد. اما دیدم که ای دل غافل عشق پیدچندتر از این حرف‌هاست و عرق جبین ریخته‌ای چون موسی بندری هم از گمکنش در امان نمانده.

همین اول بگیریم که در خرافات نظاره زیاد از مجموعه موسی خوش نیامد چون جنونش کم است و ادا و اصولش زیاد. اما نمی‌دانم اگر این شعر و چند شعر دیگر که در این مجموعه نیامده بودند سرزنشش به کجا ختم می‌شد. آ‌ای لیلای دریا، شراب پاره‌ای که کند و سرفی عوف‌طور در کف دروا که کشوده می‌شوند، برآ برتاب می‌کنند از بخرهای تنگ چه‌رام‌به آن سویی که عیبی‌ای لیلای دریا، شراب پاره‌ای که کند و سرفی عوف‌طور در کف (آواز دار می‌گذرد) آواز سنگ گداها با من. عموش کتر می‌گذرد از سویی سله‌های مرطوب کشنده‌گی همین همین است. آن کلمات شعور و شعور، ریخته بر یک‌د آجا گزشت کود خیابان راجحی جردل و مردی از ایسگاه خویش دور می‌شود، برآ بران عصر چون پیرا ایستاده‌ای؟ بریزان مرطوب پلک پیرا، آنگه داده‌ای؟ بریز عصر خویش بندر و چون پیرا، آنگا بر سنگ تازگی فرصت، شراب رفته‌ای؟ دروا که کشوده می‌شوند؟ از چه‌رام برتاب می‌شوم؟ ب آن جانب که عیبی‌ای لیلای دریا، بر کف حریف تھی، و ماسه‌های بر یک، همین همین است. آن زبانه‌های شعله کلمات، آن شعور و جنون، آجا گزشت کود خیابان و راجحی جردل و مردی دور از ایسگاه‌نوز باران با از دار می‌گذرد و از سرفی منهاب و راز آشوب خاموش بال‌آز جوانی پوست نشی درواها.

کدام خاست که دوست داشته باشی؟ کتان این شعر مل عموش می‌بوده شامی با این بوالهی برتوش کلمه که بود و برآز جلد و سوس و دینا، منحصربه‌فرد چگونه گداگداری از عود بی‌خود می‌شود یا سعی فریبی از اسفل انجالی که سال‌ها پیش آمده و خیلی زود منسوخ شدند و رفتند یا کارشان ریشه به ریشه عموش می‌زند؟ دیگر مدعیان ثبت این گونه از کتاب در شعر و پیرایشان چه کُلی به سرایتان معاصر زده‌اند که موسی تمام مصائب بندری بیوند را فراموش کرده و کنجگزاره سرگ می‌کشد تا میادا از قافله عقب نیفتد.

از همین جایبند به این شاعر گفت: موسی اعزیز دل، در پایتخت هیچ خبری نیست.

کاماول

پژمان اکبرزاده نویسنده کتاب موسیقیدانان ایرانی:

عده‌ای تعریف کردند و عده‌ای انتقاد



که در رشته‌های موسیقی کلاسیک فعال بوده‌اند تا حد زیادی از نظر دور مانده‌اند. اما فکر می‌کنم درست نباشد. هر کسی در هر رشته‌ای (اعم از ایرانی، کلاسیک و…) کار یا ارزشی انجام داده، باید به آن ارج نهاد. برای چاپ این کتاب چه مقدار وقت صرف شده و آیا راهشمالی هم در این باره داشته‌اند؟

تعبیه و تنظیم مطالب مندرج در جلد یک، نزدیک به چهارسال طول کشید. البته به تلاقی چاپ آن با دول سال تأخیر در سال ۱۳۷۹ انجام گرفت. استادان مختلفی از داخل و خارج از کشور راهشمالی‌های بسیار مفیدی کردند ولی نظر به جو موجود در جامعه موسیقی ایران، فکر می‌کنم مایل به ذکر نشان نباشند.

نگاه اهل موسیقی به کتابان چگونه بود؟

مثل همیشه عده‌ای تعریف می‌کنند و عده‌ای انتقادا. برخی از این انتقاده‌ا که از زردی سخن ثبت بوده، نه عرض‌ورزی، در بهتر شدن مطالب جلد‌های سده‌ها مؤثر

از نسل خودمان

شماره ۱۸۰

تکاملی به مجموعه شعر «فصل‌هایی که در غیاب تو صرف می‌شوند، سروده موسی بندری

جمالتی

در غیاب موسی

شماره ۱۸۱

جالت بازی کنی تاجنسکی برسانی و شکمت را از سیر کنی و از طرف دیگر سرمیاه داری که انگار جوان بندری را از اول به عنوان غلام خواجه‌اش آفریده‌اند به دور تو هرگز ترس و وحشت پیشتر از پیش بارش را بینند. آخر خودت گفته‌ای، «لب‌هایی که پراچهی سیز را با خود برده‌اند» در خواب شبیه می‌کشند. پیشتر بی از نقل و گنج‌ها، ره کف دریا پاره می‌برادین هر می هزار سال، «بهرزبوری چون آن نمک کشنده می‌دهد» که از انگشته ماه فروری برود… البته اینجا تکاملی است که در غیاب تو صرف می‌شوند. شاید دلیل خاص عورت زانده نشی با تو، که حسیاً تمام طوطی است. پس باید جانب تصاف را رعایت کرد و را خرابانه، آق‌ای زیباترین! همه را که الکترونیک داشت و گفت سببی ترست. پایان تو را! سبب می‌دیدم که بنده‌اند و رو به شهر شبیه می‌کشند. کوه کم می‌شودون هم هر را دروی باروهی گامی‌کشد. بنیم‌که به دختر نه دریاها فکر می‌کردم. دختر عوزوز به قرطبه ساختن نگاه می‌کند. بعد… بخیره می‌شود به ساعت جهانی که در آن خیلی‌ها شتاب و نخندمی‌روند تا مهر باطل گریه‌هایشان را در سلط ریانه… رنگداری. آق‌ای زاناکر که من هم کلاهی به کندگی کلاه تو دانستم می‌فرستم. بگویم برآ برآ همین دور و است. بودم در آوس، سب‌هایی که در عوایف عمو کم کردم. گفتی «بوسه‌نماید کسی کشی؟» گشتی را بر زنده با این یکی برآ رویی. نیامده باشی همین‌جمله را که از میان بروی. پدیده‌ای یا نه؟ دیگر سوزن سوزن با یادگار جایی بروی. یادگار دستنی که می‌نیامده یا برآزبان اعلان هم اندک بیگانه‌اند. شاید دریاکی جمله طوطی دست آمدن را گرفته و سببی آینه‌جانسان آینه‌که داخل این جمله‌ها نشدند. دریاکی جمله کُلی هم داشته باشی که آمدن یا نیامدنش، در آن جاف‌ها باشد. بچقدر این آمدن بد است! بندتر از نیامدن همین است که چشم همه بر رنده از جاف‌ها و رفته‌ها هم که دیگر… لاید… گریه‌ای می‌خواهد تا برنگردد. این نیامده راند.



توقلم

بوده ولی در کل برخورد ما برآیم امیدوارکننده بوده‌الته از سویی ملاه‌نمان به نهاد فریضا.

ماهانگه که مطمئناً اینگونه فعالیت‌ها در دیگر کشورها، به وسیله یک گروه پژوهش با پشتیبانی مالی یک دانشگاه با سازمان فرهنگی انجام می‌شود ولی در اینجا یک تقر با صرف وقت بیشتر و تحمل مشکلات بیشتر کار را به سرانجام می‌رسانند. تهیه مطالب، مشکلات می‌شمارد. در باره و موضوع چاپ و بخش آن مغفلی است بزرگتر. من اطمینانی کنم که کارم خیلی فرهنگی است ولی کارهای با کیفیت بسیار نازل سریعاً چاپ و در بسیاری از کتابفروشی‌های کشور بخش می‌شوند. این کار که دست کم گوشه نشده، معیارهایی بر آن رعایت شده، دوست و محبت در چند کتابفروشی موسیقی در تهران پیامی نبود.

بر وجود و ناشر یا چاپ کتاب شما چگونه بود؟ آیا در سرمایه‌گذاری برای چاپ این کتاب هیچ‌کس نبودم و طبیعاً ناشر هم اگر فکر می‌کرد که کتاب فروش نخواهد داشت، شخصاً همین‌ها با اقل نمی‌کرد، برخورد ناشر خوب بود و به قول خودشان خوشحال بودند که چنین «چوان‌را منشر می‌کنند ولی در صورت گریه گریه استقبال نسبتاً خوبی از کار به عمل آمده، بنده، حدود یک پنجم جن‌آزایف واقعی‌ام را دریافت کردم؟

و حرف آخر؟

تفقط امدادبر این سخن واداری‌ها و کتاب‌ها و مقاله‌ها روزی دردی را داند. خود کسانی که می‌خواهند برای موسیقی ایران کاری انجام دهند کمک ناچیزی‌کنند. اطلاع از تجربیات نسل‌های قبل چیزی بدنی نیست. لاف بااعت می‌شود همیشه همه چیز از صفر شروع و شروع و شروع و فقط در زمینه هنر، بلکه در همه رشته‌ها جایگاه واقعی خود را به دست آورد. این مملکت پر از آدم‌هایی است که واقعی‌مستند. برای همینشان کاری انجام دهند. کمی میدان دادن به آنها چیزی از کسی کم نمی‌کند.



شماره ۱۸۲

مذوق عرق جبین جامه‌ها گفتن دارد، سبکازی و کسبازی و بی‌عجب گفتن دارد. جسد جوان بندری تو لب‌سالم سرودن می‌خواهد. غلام خواجه‌نوز و پراچهی سیز حایمان کن که لالا‌ها، شهرت می‌می‌کنند. بگو که جرم هفتاد و دو ملت به شهرت چه آفرنگه بازایستد… بگو که آینه‌نگان شهرت با این حرف‌ها فقط بی پایه و اساس و شامه‌های تیربازی شکار استکان از هر راهی چه سرنوشته خواهد شد. بگریه که من جالت نخل است و جایی ای‌کنش. ذریع نژاد و توری توری عموجری نگاه زاره دریا به یادنگی ات ادامه بدی. می‌تازگویی به نشی بندش طرفانی و بی‌طوفان یا یاقی گفتنی، به دل دریا بزنی و

جالت بازی کنی تاجنسکی برسانی و شکمت را از سیر کنی و از طرف دیگر سرمیاه داری که انگار جوان بندری را از اول به عنوان غلام خواجه‌اش آفریده‌اند به دور تو هرگز ترس و وحشت پیشتر از پیش بارش را بینند. آخر خودت گفته‌ای، «لب‌هایی که پراچهی سیز را با خود برده‌اند» در خواب شبیه می‌کشند. پیشتر بی از نقل و گنج‌ها، ره کف دریا پاره می‌برادین هر می هزار سال، «بهرزبوری چون آن نمک کشنده می‌دهد» که از انگشته ماه فروری برود… البته اینجا تکاملی است که در غیاب تو صرف می‌شوند. شاید دلیل خاص عورت زانده نشی با تو، که حسیاً تمام طوطی است. پس باید جانب تصاف را رعایت کرد و را خرابانه، آق‌ای زیباترین! همه را که الکترونیک داشت و گفت سببی ترست. پایان تو را! سبب می‌دیدم که بنده‌اند و رو به شهر شبیه می‌کشند. کوه کم می‌شودون هم هر را دروی باروهی گامی‌کشد. بنیم‌که به دختر نه دریاها فکر می‌کردم. دختر عوزوز به قرطبه ساختن نگاه می‌کند. بعد… بخیره می‌شود به ساعت جهانی که در آن خیلی‌ها شتاب و نخندمی‌روند تا مهر باطل گریه‌هایشان را در سلط ریانه… رنگداری. آق‌ای زاناکر که من هم کلاهی به کندگی کلاه تو دانستم می‌فرستم. بگویم برآ برآ همین دور و است. بودم در آوس، سب‌هایی که در عوایف عمو کم کردم. گفتی «بوسه‌نماید کسی کشی؟» گشتی را بر زنده با این یکی برآ رویی. نیامده باشی همین‌جمله را که از میان بروی. پدیده‌ای یا نه؟ دیگر سوزن سوزن با یادگار جایی بروی. یادگار دستنی که می‌نیامده یا برآزبان اعلان هم اندک بیگانه‌اند. شاید دریاکی جمله طوطی دست آمدن را گرفته و سببی آینه‌جانسان آینه‌که داخل این جمله‌ها نشدند. دریاکی جمله کُلی هم داشته باشی که آمدن یا نیامدنش، در آن جاف‌ها باشد. بچقدر این آمدن بد است! بندتر از نیامدن همین است که چشم همه بر رنده از جاف‌ها و رفته‌ها هم که دیگر… لاید… گریه‌ای می‌خواهد تا برنگردد. این نیامده راند.

کتاب و نویسنده

امیر کاوس بالاژاده

در تحقیقات ایران‌شناسی مسأله شکست و سقوط ساسانیان و دگرگونی سرزشتت ایران و آمدن اسلام جایگاه مهمی دارد اینکه سلسله‌ای با آن عظمت و قدرت چگونه به یکباره فرو پاشیده، جدا از برتری ایدئولوژیک مسلمانان، علل و اسباب چندی دارد که در جای خود قابل بررسی و مطالعه است. دکتر توریج دریایی پژوهشگر تاریخ اواخر ساسانی یا زبان استاد و مدارک تاریخی و نیز سکه‌ها و مهرها از این دوران سخن می گویند. وی نصادهای موجود در جامعه ساسانی، پادشاه تغییر بین داده و مسیحی شده، چند دستگی حکومت و قدرت و قتل عام افراد شایسته و صالح را از جمله عوامل انحطاط ساسانیان برمی شمارد و تاکید می کند که باید به اسناد و مدارک تاریخی که حاصل آن در عهد ساسانی است.

به مناسبت انتشار کتاب سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی و مقاومت‌های داخلی با ایشان به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن در همین شماره است. دکتر توریج دریایی در سال ۱۳۴۶ در تهران متولد شد. دوران دبستان و دبیرستان را در ایران و آمریکا و بریتان گذراند. در دانشگاه UCLA آمریکا در رشته علوم سیاسی لیسانس و از همان دانشگاه در رشته تاریخ فوق لیسانس و دکترا گرفت پس از دریافت مدرک دکتر در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا با عنوان «در بررسی تاریخ جهان باستان پرداختن وی اکنون سرپرست مجله «نامه ایران باستان» است که سالی دو بار توسط «مرکز نشر دانشگاهی» منتشر می شود. از وی مقالات متعددی به زبان انگلیسی در نشریات گوناگون خارجی به چاپ رسیده و کتابی با عنوان «پهنرسان‌های ایرانشهر» که برگردان انگلیسی و فارسی متنی پهلوی به همین نام است، توسط «نشریات بزاده» در سال ۲۰۰۲ در کالیفرنیا انتشار یافته است.

داستان فروپاشی سلسله ساسانی در گفت و گو با دکتر توریج دریایی

بازخوانی یک مرحله از تاریخ ایران



دکتر توریج دریایی، پژوهشگر تاریخ اواخر ساسانی یا زبان استاد و مدارک تاریخی و نیز سکه‌ها و مهرها از این دوران سخن می گویند. وی نصادهای موجود در جامعه ساسانی، پادشاه تغییر بین داده و مسیحی شده، چند دستگی حکومت و قدرت و قتل عام افراد شایسته و صالح را از جمله عوامل انحطاط ساسانیان برمی شمارد و تاکید می کند که باید به اسناد و مدارک تاریخی که حاصل آن در عهد ساسانی است.

چندگانه و چنددسته می‌توان خواند و از دوران بزادخت چهره می‌نماید. او می‌گوید نظمی در حکومت ساسانی ایجاد کند و به نظر می‌رسد اگر کمی بیشتر زنده می‌ماند، موفق به این کار می‌شد. به هر تقدیر در این دوران چون تمام مردان شایسته از میان رفته‌اند، زنی زمام اختیار را در دست می‌گیرد. اما نمی‌تواند به اهدافش جمله عمل بوشاند. از روی سکه‌های توپم چند شاهنشاهی ساسانی را که همزمان با یکدیگر ادعای شاهنشاهی داشتند، تشخیص بدهیم که در نقاط گوناگون سکه می‌زدند. سکه‌هایی از حکومت مختلف به دست آمده که یکدیگر چند دستگی در حکومت ساسانی است. اینها حتی زمان بزکرد و پس از وی هم به ضرب سکه ادامه داده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ممکن است پادشاه در بیستون و شاپور چند استان دیگر سکه می‌زدند. اما مدعیان دیگری در سایر استان‌های نواحی به این امر به نام خود سکه ضرب می‌کردند. این نشانگر شکاف در حکومت ساسانی است. در استان‌های مختلف محلی برای حاکمان و مردم که در استان‌های مختلف می‌زیستند، بسیار مهم از وحدت ملی تلقی می‌شد و شاهنشاهی ساسانی آرام آرام می‌رفت تا فرو پاشد. آخرین دوره هم روزگار بزکرد است که او را پادشاه آواره نامیدیم. زیرا همچون شاهان رومی که در قرن‌های هشتم و نهم میلادی در اروپا می‌زیستند پایتختی نداشتند، زندگانی کرده‌اند. وی پس از شکست‌های پیاپی از استانی به استان دیگر می‌رفت تا کمک بگیرد. اما به خاطر فروپاشی سیستم اداری ساسانیان و اینکه حاکمان محلی بیشتر به فکر اوضاع و احوال داخلی خود بودند تا ملاحظه حاکم ملی، از یاری چندانی برخوردار نشدند. سرانجام توسط کارنگ (استاندار) خراسان می‌قتل رسید. من حدس می‌زنم بزکرد سوم مسیحی بوده است و خاندانش گرایش‌های مسیحی داشته‌اند. و از همین رو فرمانداران محلی به یاری‌اش برخاستند. حتی باو به دشمنی پرداختند. منابعی در دست است که مسیحیت این شاهانه نشان می‌دهد. در مقدمه‌ای با عنوان «خاندان ساسان در تبعید» به این مسأله پرداختیم. فصل آخر کتاب در مورد فوحات اعراب و نیز دربارهٔ اربانی است که با تازیان به تیرود خاستند. یعنی برخی حاکمان محلی بعد از بازگری شهرها، به نام خود سکه‌های مسی زده‌اند. نام دو تن از این حاکمان از روی سکه‌های مسی ایشان مدارا ابو منصور است. این سکه‌های مسی را «متمم اربکانیروز» و «شلال وی» و «کتیر هملی» می‌نامند. این سکه‌ها در مورد دوران آنها نظری داده‌اند. از دیگر آثار خوب میوه.

کتلی دارم به نام «شهرستان‌های ارتش» که به زبان انگلیسی توسط انتشارات مزانه‌ای چاپ رسیده‌است. در این کتاب کوشیدم تمام کارهای ملوگ‌گرا، که توسط اسامیتا، بعد از درگذشت وی منتشر شده است، بنیوم. می‌دانید که مدارک کتاب مهمی، نام «ارانشهر» دارد که از منابع مهم غیرعربی تاریخی است. به علاوه، سایر آثار محققان داخلی و خارجی می‌آید. این زمینه مطالعه کردم و سپس به ترجمه و تصحیح متنی پهلوی حاصر پرداختم. مقالات چندی هم، به زبان انگلیسی در مجلات مختلف ایرانی‌شناسی دارم که چون بسیاری از آنها به ایران نمی‌رسد، دومین بار که اینچاسم آقای «برج فشار» که

البدان باستانی؟» و تاریخ طبری راه همچون نمونه‌هایی از متنی عربی با فارس نامهٔ ابن بلخی استجدیم.ام از مقایسه این سه متن بسادگی می‌توان دریافت که اثر آن در مورد اینکه چگونه شهرهای مختلف فارس فتح شدند و همین طور در چه زمانی و نیز این مسأله که معانی فتح اصلاً یعنی چه، یکلی باهم مغایرت. چون بسیاری از این شهرها فتح می‌شدند. دوباره فاتحان با عقب می‌زدند. و باز فتح می‌شدند. در نتیجه تاریخ قطعی فتح ایالت فارس معلوم نیست و چون این متن‌ها در زمینه تاریخ گذاری دقیق سر در گم بودند، به سکه‌ها روی آوردیم. نخست سکه‌های بزکرد را که در ۵ قطعه فارس اوردشیر خرّه، پشاپور، داراگرد، استخر و به از امیر قباد ضرب شده بود، گرد آوردیم. آخرین سکه‌هایی را که در هر یک از شهرها به نام بزکرد ضرب شده بود، بررسی کردیم و کوشیدیم بفهمیم آخرین سال حکومت بزکرد بر اساس ضرب سکه‌ها یا کدام متن کتبی تطبیق می‌کند و آیا شهر مورد بررسی در همان زمان فتح شده یا نه. از سوی دیگر سکه‌های غرب-ساسانی را که با نام بزکرد، اما با نام اسلامی ضرب کرده شده، بوده، دست آوردیم و سعی کردیم با مقایسه آنها به این نتیجه برسیم که آیا مسلمانان نوشته‌اند شهر و ضرابخانه آن را به تصرف درآورند؟ حاصل این بررسی جالب آن بود که سکه‌ها نشان می‌دهند شهرهای ایالت فارس بین ۴۰۰ سال دیرتر از زمانی که در متن‌های کتبی به ثبت رسیده، فتح شده‌اند.

مسأله جالبی که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد این است که به نظر می‌رسد پس از فوحات اعراب کارگزارانی که در ضرابخانه‌ها راه بوده‌اند، تغییر کرده‌اند، زیرا هزوارش‌هایی را که روی سکه‌ها می‌نویسند، به نوشته فارسی برگردانیده شده‌است. (توضیح مفصاحیه‌کننده: در زبان فارسی میانه، کلماتی هستند که به «ارامی» نوشته می‌شوند، اما فارسی به تلفظ می‌آیند. مثلاً خرّ خط پهلوی می‌نویسند، اما «در» می‌خوانند یا می‌نویسند. «لم» و «مده» یا «مادر» می‌خوانند. تعداد هزارش‌ها بسیار است و اعتقاد آن است که کاتبان آرامی درباری از این شیوه در نگارش بهره می‌جسته‌اند.)

نکته قابل بحث دیگر اینکه پارسی سکه‌ها روشنی کنترل داشته‌اند. چه زمانی برتری خود را از دست داده‌اند. این دست به دست نشاندهند زمان فتح آخر، که من آن را «وقوع کامل می‌ششم» نامیده‌ام. بعد از این هنگام عبارت «سیدالله» از «سمن» از «جم اوزی» که «سنگ کاغذ» می‌شود تاریخ ضرب آنها را می‌توان تعیین کرد. اما پیش از آن از روی سکه‌ها درمی‌یابیم که «مطلبان ضرابخانه‌ها» نظری و کاغذی عربی بوده‌اند.

فصل سوم کتاب دربارهٔ مقاومت‌های محلی و اوضاع و احوال اواخر دوران ساسانی است. این بخش بارگت خسرو پرویز آغاز می‌شود. در ادامه خوانده‌ای می‌برد که هنگام حملهٔ اعراب اوضاع سیاسی ساسانیان چگونه بوده‌است. من فروپاشی این سلسله را به سه دوره تقسیم کرده‌ام: دوره اول، از امرافکنش نامیده‌ام. این دوره از پس مرگ خسرو دوم (پرویز) آغاز می‌شود. زمانی که قبیلهٔ نمامی برافراشت و از یک واحد شرط بندی، به سبب تزلزل که احساس می‌کرده به قتل می‌رساند. دوره دوم را «حکام محلی

کنند و پس از پیروزی از آنها خراج بگیرند. این الگوهای نوشتاری بر اکثر این منابع حاکم است و از این رو من آنها را «متن دست سوم فرض کردم.

فصل بندی کتاب شما به چه ترتیب است ؟
به هر حال، فصل اول کتاب طبقه‌بندی منابع و نوع کمیت و کیفیتشان بحث کردم. فصل دوم دربارهٔ اوضاع و احوال استان فارس است. نخستین کارم این بود که به مهرهای اداری استان تکرم تا درپایم این ناحیه چندبخش بوده و سپس آن قسمت‌ها را با متون جغرافیایی مقایسه کردم. این تقسیم‌بندی‌ها در اواخر دوران ساسانی شکل گرفته و نتیجه اصلاحات خسرو و اوشیروان و پلارش قباد است. اصلاحات یادشده از زمان آمدن مزدک ضروری تشخیص داده شد و در زمان اوشیروان ادامه یافت و به سرانجام رسید.

پس از آن کوشیدم حتی الامکان بفهمم بلافاصله بعد از حملهٔ اعراب چه تغییراتی از اوضاع اداری استان فارس



● دکتر توریج دریایی: ادبیات فاتحانه از الگوهای خاصی پیروی می‌کنند همچون رجزخوانی و حماسه نویسی به نظر می‌آید

پیش آمد و به این نتیجه رسیدم که تغییرات اداری مهمی صورت گرفته و حتی اعراب اوضاع متزلزل دوران ساسانی را سامان بخشیده‌اند. در پایان این بخش، تاریخ ۷۰۰مقام این دست به دست نشاندهند زمان فتح آخر، که من آن را «وقوع کامل می‌ششم» نامیده‌ام. بعد از این هنگام عبارت «سیدالله» از «سمن» از «جم اوزی» که «سنگ کاغذ» می‌شود تاریخ ضرب آنها را می‌توان تعیین کرد. اما پیش از آن از روی سکه‌ها درمی‌یابیم که «مطلبان ضرابخانه‌ها» نظری و کاغذی عربی بوده‌اند.

فصل سوم کتاب، تاریخ فوحات استان فارس را بازمی‌نماید و به شرح این مسأله می‌پردازد که اعراب چگونه توانستند در این ایالت به پیروزی دست یابند. کارم بسادگی در خواهد یافت که در این بخش حاصل کارم کتاب‌های دیگری که دربارهٔ فوحات تازیان به رشته تحریر در آمده متفاوت است. قصد نداشته‌ام به روزشمار وقایع پیروزم بیشتر به تجزیه و تحلیل پرداختم. نخست متون کتبی دست سوم را دسته‌بندی کرده‌ام و از بخش‌هایی از آنها بهره‌جسته‌ام. به عنوان مثال کتاب «فرخ

آقای دکتر از آخرین کتاب خود که به زبان فارسی در ایران منتشر می‌شود می‌گوید.

این کتاب «سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی و مقاومت‌های داخلی» نام دارد که توسط نشر تاریخ ایران» در ابتدای نزدیک به بازار عرضه خواهد شد.

در این کتاب از چه مسائلی سخن گفته‌اید؟

مسئله می‌خواستم بدانم از اوضاع اداری، سیاسی و نا است و اداری دگرگونی به شکل حملهٔ اعراب بوده‌است؟ در این اثر کوشیدم بیشتر با مقایسهٔ متون دست اول، منظور سکه‌ها و مهرها دست ستم تغییر در اوضاع این ایالت صورت گرفته‌است یا نه؟ البته سکه‌ها و مهرها را با متون کتبی تشخیص می‌دادیم. می‌فهمم و خواننده نیز دریابد که متون دست دوم تا چه حد با متون دست اول در تطبیق هستند. در اینجا اطلاعات را با هم به سیستم طبقه‌بندی متون کتبی بیشتر توضیح بدهیم. من متون را به سه دسته تقسیم کرده‌ام و در کتابم حدود بیستجاه صفحه در این زمینه نحوه نگویشتن به متن‌های قرمزهای شش و هفت میلادی توضیح داده‌ام. به نظر من دست اول، سکه‌ها، مهرها، امشای ضرعی و وسایلی که از آنها دروغ می‌گوینگن بهره می‌جسته‌اند و همین طور «اندیشایی» هستند که توسط دانشمندان یا به دست اندامهٔ متون دست دوم از نظر من، موثقی هستند. که تا حدودی مرموزان با واقع جاری توسط شخصی است که در هوسایگی ایران می‌زیسته‌اند، به رشته تحریر در آمده‌اند. مثلاً متون بیروسی، یونانی و ارمنی- این نوشته‌ها توسط هوسایگانی ثبت شده‌اند. که هر عمل باورث ساسانی نیز و کشیکش داشته‌اند و باید یافت بر آنها نگریست. برای من منابع دست سوم، متن‌های عربی پس از آن منابع فارسی و پهلوی هستند.

چرا متن‌های تاریخی عربی را دست سوم گذاشته‌اید، در حالی که برخی محققان دوره ساسانی متون عربی را دست اول می‌دانند؟

این متن‌ها برای من دست سوم هستند. زیرا از اواخر قرن دوم هجری به بعد به کاتبان در آمده‌اند. یعنی دو سده از واقعه پیش آمده گذشته بود که نویسنده‌گان مسلمان با مذهبی متفاوت، در هنگامه‌ای که از اوضاع اواخر دوران ساسانی فاصله بسیار داشته‌ای البته یادگیری یکسوزنگر نیز به گذشته می‌نگریسته‌اند. دست به کار تدوین تاریخ زدند. در این دوران حتی اگر متنی از پهلوی به عربی برگردانه شده، باز نیز نیاز اوضاع اجتماعی، مذهبی زمان خود قرار گرفته‌است. این نکته‌ای است که چند تاریخنگار و کاتبی که روی این دوران پژوهش‌اند، آن را یادگرتی نشان داده‌اند. از جمله این اشخاصی «آلبرت آن (A.Norm)» است که

پس از بررسی متون تاریخی این روزگار دربارهٔ «ادبیات فوحات» به تفصیل سخن رانده و بخوبی آن را نشان داده است که این ادبیات فاتحانه از الگوهای خاصی پیروی می‌کند و همچون رجزخوانی و حماسه‌نویسی به نظر می‌آید. یعنی که نویسنده‌گان به جای اینکه بزرستی بخواهند تاریخ فتح شهری را توصیف کنند، بیشتر با اختراع از این سخن به میان می‌آورند که اعراب چگونه توانستند چنین دولت‌های قدرتمندی را در هم بشکنند و چگونه به یاری خداوند موفق شدند. شهرهای مختلف را تسهولت فتح

۱۳۸۸ شماره ۷۹، شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱

همیشه به من لطف داشته و کمک کرده‌اند. گفتند آقای دریاپی، شما وقتی مقاله یا کتابی را به انگلیسی دربارۀ ایران می‌نویسید، فقط چند متخصص آن را می‌بینند، اما وقتی این نوشته‌ها به زبان فارسی نوشته یا برگردانه شده، همه بسیاری آن را خواهند خواند و بهره خواهند گرفت و اثر گذاریش بیشتر است. ضمن اینکه متن چاپ آن در خارج هم محفوظ خواهد بود. بنابراین بهتر است این مقاله‌ها را به فارسی برگردانید. این مطلب را به جان پلرینتم و مقاله‌ها از طریق دوستان فرهنگستان زبان در اختیار مترجمی به نام محمدکفرت دوجی اقرار گرفت و به فارسی ترجمه شد و به صورت کتابی درآمد که انتشارات تقرسی ۱ آن را منتشر خواهد کرد. مقالات این کتاب به سه دسته تقسیم شده‌اند. بخش اول چهار مقاله دربارۀ سکه‌شناسی دوران ساسانی است. بخش دوم مطالعاتی دربارۀ تاریخ ساسانیان، قسمت سوم دربارۀ باغ‌های مذهبی و مذهب دوران ساسانی و اوایل دوران اسلامی. بخش مقاله‌های زردشتی است. کتاب دیگری که پیشینه‌ای ترجمه آن را هم به انتشارات تقرسی رس داده‌ام، تاریخ تمدن ساسانیان نام دارد. مشکل بزرگی که ما تاریخ ساسانی داریم این است که هنوز منبع اصلی ما در ایران در مورد این دوره کتاب ایران در زمان ساسانیان، پروفسور آرتور کریستنسن است. در اینجا باید گفت که این اثر مهم حدود ۶۵ سال قبل به رشته تحریر درآمده است و هنوز برای ما معتبر است. در حالی که در این سال‌ها مطالب تازه بسیاری به دست آمده‌است. مثلاً، دست آمدن بازیخوانی کتیبه‌ها، تاریخ ساسانی را نا حدودی دیگرگون کرده است. همچنین منابع شفاهی اوضاع قرن سوم میلادی را متفاوت ساخته است. به علاوه، حفاری‌های باستان‌شناسی، ترجمه متن‌های پهلوی، تاریخ‌نگاری و پیشرفت دیدگاه‌های فزایشگران آن‌ها قدم‌های



● دکتر دریاپی:حسد می‌زنم بزرگ‌دسو و مسیحی بوده است و خاندانش نیز به مسیحیت گروش داشتند و از همین رو فرمانداران محلی به یاری‌اش برنخاستند و حتی با او به دشمنی پرداختند

تاریخی به صورت جلدی، بر نواحی تازه‌ای بر این دوران افکند. است. با این حال ما هنوز باید ۱۰۰ سال قبل به مسائل نگرییم و همه با آن بیم دارند که خلق اثر تاریخی مورد حمله پرنیسانان دیگر قرار گیرد. در زمان دانشجویی شنبه یوم پروفسور فیلیپ زینبدر اینشناس برسته فرانسوی حمله دو دهه است که می‌خواهدست به کار تألیف تاریخ ساسانیان برده. اما هنوز که هنوز است، خبری از این کتاب در دست نیست. تا آنجا که می‌دانم اکنون سه نفر هستند. باید دید که در حال نوشتن تاریخ ساسانییم. نمی‌دانم کار آنها در چه مرحله‌ای است و آیا کارشان تمام شده یا نه. یکی از این اشخاص دکتر شامپور شهبازی است. کتابی که وی در دست داشت دارد. تاریخ مفصلی است که به گمانم نگارش آن ۴ یا ۵ سال دیگر به درازا می‌جهد. دیگری دوستانم دکتر هرمج شایگان است که طبق یک برنامه با منتهی شده ۵ساله قرار است تاریخ ساسانیان را در سه جلد برای انتشارات بولی تألیف کند. اما کارش زمان طولانی‌تری می‌برد. در این میان من کارم را به پایان رساندم و امیدوارم بر گردان فارسی آن هرچه زودتر توسط انتشاراتی بشاید باید کتاب دیگری که پاییز ارسال توسط انتشارات مزاداد آمریکا به چاپ خواهد رسید و توسط من در دستر جمع و دست‌انداختن من شده، یادمان دهد. دکتر محمد تقی‌اللهی است که تمام مقالاتش به زبان انگلیسی است.

آیا جهان به سمت آنتی و تقامم حاصل از گفت‌وگوی فرهنگ‌ها به پیش می‌رود یا به سوی تنش‌های خشونت‌آمیز و برخورد فرهنگ‌ها، اخیراً کتاب «حقیقت ممنوع» نوشته دو تن از پژوهشگران و روزنامه‌نگاران فرانسوی که درست سه ماه پس از حادثه یازدهم سپتامبر به چاپ رسیده بود، به فارسی برگردانده شده است. دکتر حماد فولادوند این کتاب را به فارسی ترجمه کرده و نشر عطلی آن را به چاپ رسانده است. در باب این کتاب که در واقع به تبارشناسی طالبانیم می‌پردازد، با وی گفت‌وویی انجام داده‌ام که در وی می‌خوانید:

کتاب «حقیقت ممنوع» از جمله اندک شمار کتاب‌هایی است که در باب طالبان و به طور خاص بن‌لادن به فارسی ترجمه شده و به تبارشناسی این شبکه تروریستی می‌پردازد. کسی دربارهٔ جایگاه این کتاب و نویسنده‌گان آن نگوید. رسید. البته مدتی جلوی انتشار آن گرفته شده بود. چرا؟

به خاطر سندیایی که آورده و نام افرادی که در آن آمده است. «بریزار» یکی از نویسندگان کتاب، از متخصصان تروریسم و روزنامه‌نگار و «گیوم برسکه» استاد دانشگاه بوده و سمنادو چندین شرکت چندملیتی اقتصادی، مشاوریتی را بر عهده دارد. چاپ این کتاب چهل روز پس از یازده سپتامبر در فرانسه بسیار سروصدا به راه انداخت.

یکی آنکه از طریق طالبان شوروی سابق را از یاری درآوردند. در کتاب آمده که وزارت خارجه آمریکا، پذیرخوانده طالبان بوده و «لیلا هلمز» در این میان نقش مناجیح طالبان و آمریکایی‌ها را بازی می‌کرده است.

لیلا هلمز که بوده است؟ وی از وابستگان رییس سابق سیا بود و کسی بوده که لابی پشتیبانی از طالبان را از ۱۰۰۲ سال گذشته در دولت‌های آمریکایی به راه انداخته است. در واقع وجود لیلا هلمز ثابت می‌کند که طالبان پدیده‌ای آمریکایی بوده است و فقط در این یکی- دو سال اخیر آمریکایی‌ها با آنها (طالبان) مشکل پیدا کرده‌اند.

این مشکلات ناشی از چه بوده است؟ تقریباً تا دو سال پیش دولت آمریکا طالبان همراهی می‌کرد ولی پشتیبانی می‌کرد ولی از همان دو سال گذشته که روابط بن‌لادن و طالبان قطع شد، آمریکا دست از این پشتیبانی برداشت. حتی در کتاب سندی وجود دارد مبنی بر همکاری بوش و پسرش با بن‌لادن و بن محفوظ یکی از ژنروتمندان سعودی. در شرکت نفتی کار لایل گروپ، **آیا این شرکت هنوز هم فعالیت دارد؟**

این را درست نمی‌دانم ولی کتاب نشان می‌دهد که تا همین اواخر این شرکت فعالیت داشته است. بی‌شک خانواده بن‌لادن با سیاستمداران نفتی آمریکا و سعودی در ارتباط بوده است.

در بخشی از کتاب که زیر عنوان «منظومه بن‌لادن» است، به نام دوستان تاسیهد شرکت با فعالیت‌های متنوع می‌خوریم که همه در ارتباط با خانواده بن‌لادن بودند. **به واقع اگر اشیاء، تکلیف، کتاب «حقیقت ممنوع»** به تبارشناسی بن‌لادن و طالبانیم می‌پردازد.

همین طور است. تبارشناسی در این معنا از راهی مناسب است. کتاب به‌م‌امی گوید که طالبانیم چگونه شکل گرفته و ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن چه بوده است.

به نظر شما می‌توانم میان پایگاه‌های اقتصادی بن‌لادن و پیروزی بوش در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تستی پاییم؟

به نظرم این نسبت تنگاتنگ است. اصلاً پیروزی بوش پسر که نماینده شرکت‌های نفتی هفت خواهان بوده، در همین رابطه قابل طرح است چرا که با آمدن بوش به صحنه سیاست‌های آمریکا، شرکت‌های نفتی یاد شده مجدداً فعالیت شدند. در واقع مطرح شدن بن‌لادن پس از حادثه یازدهم سپتامبر به عنوان مهم درجه اول این فاجعه و سپس شنشیر افغانستان در همین رابطه قابل بررسی است.

چگونه؟



● دکتر فولادوند: کتاب به ما می‌گوید که طالبانیم چگونه شکل گرفته و ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن چه بوده است

دولت آمریکا از طریق اعلام اینکه بن‌لادن تروریست است، مجوز حمله به افغانستان را یافت. مسلماً آمریکا در این برنامه به دنبال کسب منافع جدید نفتی بوده و دو سوی دیگر قصد دارد تا به لحاظ سیاسی منطقه را کنترل کند. دولت‌های آمریکایی از بیست سال پیش بن‌لادن را می‌شناختند ولی هیچ‌گاه به دستگیری وی بر نیامدند. چرا؟ اختلاف میان عربستان و آمریکا هم از جلی آغاز شد که عربستان به خواست آمریکایی بر تحویل بن‌لادن وقتی نگذاشت.

شما اشاره داشتید که دولت آمریکا پس از حادثه یازدهم سپتامبر به بهانه‌ای به دنبال بن‌لادن برآمد تا به تسخیر افغانستان نیز دست یازد. آیا شما معتقدید که بن‌لادن نمی‌تواند در حادثه یازدهم سپتامبر دست داشته باشد؟ چگونه؟

درست است. من فکر می‌کنم که آمریکا هیچ مدرکی‌دال بر جعلت بن‌لادن در این حادثه ندارد. ولی به هر روی برنامه‌ای کاملاً از پیش سازماندهی شده بود. **آیا ممکن است خود آمریکایی‌ها در این حادثه فعالیت داشته باشند؟** ممکن است. اگر فرضاً بن‌لادن و نیروهای وابسته به وی این حادثه را پدید آورده باشند، می‌توان گفت که آمریکایی‌ها از قبل اطلاع داشته‌اند ولی به دلیل تسخیر افغانستان و دیگری سرکوب فلسطین اجازه دادند که این کار انجام شود.

حتی به قیمت جان چند هزار نفر در برج‌های تجارت جهانی؟

در برج‌های دو قلو چند هزار نفر مردند ولی بهره‌برداري که از این حادثه در رسیدن به هدف‌های استراتژیک یاد شده، کردند، می‌توانست مهم مردند. ببینید، چند هزار نفر در برج‌های تجارت جهانی مردند، ولی هیچ‌کس در این ضمن حواشی به سه‌ساله فلسطین نبود. همه به دنبال بن‌لادن بودند. در این مدت کرانه «آریل شارون» کشتارهای فحیح خود را

آغاز کرد. **به فرض که آمریکایی‌ها از پیش، از وقوع حادثه آگاه بودند. آیا عمن آن را نیز تا این اندازه حدس می‌زدند؟** مسلماً نه. اولی در واقع همان گونه که گفتیم، ریسکی استراتژیکنان مرتکب شدند.

تاریخ آمریکا در دوران جدید شاهد فراز و نشیب‌های متمندی بوده که به نوبه خود بر فراگرد تاریخ جهان نیز تأثیر گذاشته است؛ از جمله بحران‌های سرمایه‌داری در سده نوزدهم، به هر روی شما فکر می‌کنید که حادثه اخیر چه تأثیراتی بر وحدت آمریکا می‌تواند داشته باشد؟

به نظرم با حادثه پایتخت است‌تکبیم پاینده یازدهم سپتامبر، نفوذ آمریکا شکل گرفته است.

آغاز دیدگاه فلسفی و فرهنگی فکر می‌کنید که تأثیرات این حادثه بر تاریخ جهان خواهد بود؟

من در مساجحه‌ای که با لافلاصه پس از حادثه «عقودت تاریخ مطرح ساختیم» این ترکیب از نتیجه است. تروریسم پاینده‌ای حاصل تضادهای بنیادین جامعه است. در جامعه آمریکا از ادویات هستند که حقوق آنها پایمال شده است یا به اشکال مختلف تحقیر شده و به حاشیه رانده شده‌اند. بنابراین ریشه این پدیده را باید در بی‌عدالتی‌ها و دستکاری‌ها و اختلاف‌های طبقاتی جست‌وجو کرد. از این رویداد می‌که عده‌ای بخوانند اسلحه بفرستند و سرمایه‌داری را در شکل کنونی‌اش کنترش دهند و این مسئله به ضرر دیگران تمام شود، تروریسم ادامه خواهد داشت. این مسئله، عقودت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه کنونی را نشان می‌دهد. اما در دیدن تصویر فروریختن تجارت برج‌های جهانی به یاد فیلم «گو دایلا» می‌افتد. در واقع انسان کنونی آن اندازه آلودگی ایجاد کرده که زمینه ظهور آنها فراهم خواهد کرد؟

گو دویلا را فراهم ساخته است. گو دویلا می‌که در انسان پنهان شده و یکباره به علل یاد شده تبدیل به گو دویلا ی بزرگی می‌شود. در شگ ازار و ستم و انسان‌های دیگر سب و واکنش‌های حیوانی انسان‌های دیگر می‌شود.

فکر می‌کنم که ما با حادثه یازدهم سپتامبر وارد پارادیم جدیدی در سطح جهان می‌شویم که می‌توان تحقق فرضیات هانتینگتون را مبنی بر برخورد تمدن‌ها در آن یافت و در نهایت این پارادیم در برابر پارادیم گفت‌وگوی تمدن‌ها قد علم خواهد کرد. فکر می‌کنید که کدام‌یک از آنها فلیه خواهد کرد؟ بی‌شک طبق نظر شما پارادیم گفت‌وگوی تمدن‌ها در برابر پارادیم ایجاد شده پس از حادثه یازدهم سپتامبر قرار می‌گیرد. پارادیم یازدهم سپتامبر، جنگ و خونریزی و خشونت می‌آورد. برعکس پارادیم گفت‌وگوی تمدن‌ها که صلح، آشتی و تقامم گفته، «نگر از آرتور بود» ولی برکنند شده‌جان‌نهدن‌های آن اگر نتوانند هانتینگتون به نظرم اکنون تحقیق یافته است. در همین رابطه ممکن است که سیاست‌های بوش و جناح‌های طرفدار جنگ‌فروری اسرائیل در دولت بوش به تأثیرات منفی ولی تفریحی که بر علیه اسرائیل و آمریکا در جهان امروز داشته‌اند شده، از میان بجا خواهد رفت. می‌بینیم که این مسئله تأثیر خودش را با لافلاصه کرده‌است. برای نمونه در فرانسه انگلستان، آلمان، هلند و بر کل اروپا نوعی گرایش به راست افراطی پدیدار شده است.

به چه دلیل؟

به دلیل مخالفتی که راست‌های افراطی به‌طور ایثنولوژیک با صهیونیست‌ها دارند. در واقع رای‌کم زومین به این دلیل بوده که وی بر سیاست‌های کنونی اسرائیل صحنه می‌گذاشت. بنابراین اگر فرضاً امروز هتئری در اروپا پیداشود، افکار عمومی او را بر ضد آمریکا و اسرائیل خواهد پذیرفت.

یک کتاب یک گفت وگو

گفت وگو با دکتر حماد فولادوند مترجم کتاب «حقیقت ممنوع»

۱۱ سپتامبر و حقیقت ممنوع

کتاب‌شناسی

کیمیا امیری

علی باقرزاده کتابفروش انتشارات توس: توقع مادی از این حرفه ندارم!

انتشارات توس را بسیاری می‌شناسند، چراکه از جمله ناشران یا ساقه و پخشکسوت ایران است. کتابفروشی انتشارات توس در پیش خیابان انقلاب و دانشگاه روزگاری پانوی مسیری از اهل فرهنگ و قلم بود علی باقرزاده از همان دیوستان با کتابفروشی پدرش به شکل جدی‌تری آشنا شد. امروز وی علیرغم آنکه مهندس الکترونیک خوانده است، اما چادیه کار نشر و کتابفروشی سبب شده است تا وی در کنار پدر و به عنوان بازوی محکم و مورد اعتماد وی، کار کتابفروشی و نشر را تداوم دهد. گفتگوی زیر را می‌خوانید.

چند سال است که به حرفه کتابفروشی وارد شده‌اید؟ از اول دیوستان در کنار پدرم در کتابفروشی بودم، ولی به طویر ثابت حدود چهار سال است که در کتابفروشی مشغول به کار هستم.

ساخت کتابفروشی شما چند متر است؟ حدود ۲۵ متر.

در این متراز چند جلد کتاب جای می‌گیرد؟ حدود ۸۰۰۰ عنوان و ۱۵۰۰۰ هزار جلد کتاب.

روزی چند نسخه کتاب می‌فروشید؟ حدود ۱۵۰ نسخه.

در کنار کتابفروشی، لوازم التحریر، CD و نوار هم می‌فروشید؟ نه.

چرا؟ فکر می‌کنم باید نیرویمن را رووی یک کار متمرکز کنیم.

چه کتاب‌های عرضه می‌کنید؟ زمینه اصلی کار ما، علوم انسانی است که شامل ادبیات، رمان و تاریخ و عرفان است.

مشتری ثابت هم دارید؟ مشتری ثابت داریم.

از چه قشری هستند؟ از دانشجویی ادبیات و اسناد ادبیات گرفته تا علاقه‌مندان به ادبیات. همین جایله‌اندازه کم به اغلب مشتریانمان ثابت هستند و به علت واقع شدن کتابفروشی در خیابان فرعی، تقریباً مشتری گذری نداریم. چند مدت است که با استفاده از کامپیوتر اسامی آنهایی که کتاب می‌خرند و دوره‌هایی که قبلاً گرفته‌اند ثبت می‌کنیم تا برای هر مشتری پرونده‌ای داشته باشیم. موفقیت کتابفروشی شما نسبت به کتابفروشی‌های اطراف چگونه است؟

باید نسبت تخصصی کار کردن یک حسن دارد و یک عیب. شاید اگر ما کتاب‌های کمک‌درس عرضه نمی‌کردیم فروش بیشتری داشتیم. کتابفروشی ما در مقایسه با کتابفروشی‌های دیگری که دراسته انقلاب هستند، مشتری کمتری دارد ولی در کل ما راضی هستیم.

حرفه خود را از نظر اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با توجه به اینکه از ساعت ۸ صبح تا ۱۵ شب کار می‌کنیم، فکر می‌کنم اگر برای یک کار دیگر سرمایه‌گذاری می‌کردیم شاید سود بیشتری داشت. ولی از نظر اقتصادی بد نیست. البته من توقع مادی چندانی از این حرفه ندارم و تنها عاقلی برای ماندن در این حرفه، عشق و علاقه به کتاب و کتابفروشی است.

کتاب‌های پشت وپنجره را هر چند وقت یک بار تعویض می‌دید؟

بستگی دارد؛ اگر بخوامیم بهترین را در گزینیم کنیم و برای مشتری جلب توجه کند، در هفته یک بار و با آمدن کتاب‌های جدید، همان موقع کتاب پشت وپنجره قرار می‌گیرد.

تخفیف هم می‌دید؟

بله، به مشتریان ثابت تا ۱۰ درصد تخفیف می‌دهیم. خاطره خاصی ندارم ولی همین که مشتری در مورد کتاب ما مین مشورت می‌کند و پس از مطالعه، دوباره به برام بسیار جالب است.

انتشارات آستان قدس رضوی به عنوان یک ناشر بزرگ سهم بزرگی در ورود کتاب به بازارهای داخلی کتاب دارد. گذشته این نشر نشان می‌دهد که برخی از شاخص‌ترین کتاب‌های حوزه تاریخ ایران و اسلام از سوی این نشر به چاپ رسیده است. این انتشارات امروز سه حوزه آثار مذهبی، کودک و نوجوان و روان‌شناسی را سرلوحه کار نشر خود قرار داده است. با محمودرضا برازش مدیر این انتشارات درباره تفاوت یک ناشر دولتی، سرمایه‌دار و خصوصی صحبت کرده‌ایم.

انتشارات آستان قدس، به عنوان یک ناشر بزرگ در چند زمینه فعالیت دارد و با توجه به رونده صعودی تعداد عناوین کتاب در سال‌های اخیر، آستان قدس چه اندازه در این افزایش کمی دلیل بوده است؟

من از بهمن ۷۶مسئولیت نشر را عهده‌دار شدم که البته توأم بود با تحولاتی جدید در عرصه فعالیت این دفتر. ما در آستان قدس چندنویفه داریم. ونویفه اول ما تولید و توزیع کتاب است. انتشارات آستان قدس علاوه بر تولید کتاب، فروشگاه‌هایی در سراسر کشور دارد و این دفتر تقریباً در همه شهرهای بزرگ کشور دفتر نمایندگی دارد. پس سه ونویفه تولید، توزیع و فروشگاه‌های کتاب در حیطه وظایف انتشارات هستند. اما تعداد عناوین منتشر شده توسط نشر ما یک سر صعودی را نشان می‌دهد. نشانگان کتاب از ۱۳۸ هزار به بیش از یک میلیون رسیده و ریزه انتشارات ما بر اساس عنوان در میان ناشران از ریزه ۲۵ تا چهارم رسیده است.

این افزایش کمی چقدر با گذشتن کیفی توأم بوده است، با توجه به این مطلب که امروز تعداد کتاب‌های منتشر شده به آن واکنه پشت سر می‌ماند. که هیچ زمینه‌ای برای نیاز در مخاطب پدید نمی‌آید.

ما سه محور اصلی را در نشر دنبال می‌کنیم. با توجه به اینکه سالانه بیش از ده میلیون زائر به مشهد سفر می‌کنند، نیاز زائران در اولویت اول کار نشر قرار گرفته است. مورد دوم، نشر به کتاب‌های کودک و نوجوان محدود است و در محور سوم با توجه به سابقه انتشارات آستان قدس در انتشار کتاب‌های روان‌شناسی و اجتماعی این زمینه را دنبال می‌کنند. رشد خوبی هم در بخش‌های مختلف داشته‌ایم. به طوری که در فروشگاه‌های خودمان که اغلب در اطراف حرم واقع شده، ابتدا ۶۰ مشتری داشتیم. نیاز مخاطبان خودمان را تأمین می‌کنیم. در بخش کودک و نوجوان نیز اسامیل در تولیدیگاه کتاب به عنوان بهترین ناشر کتاب کودک و نوجوان معرفی شدیم و در سال گذشته نیز ۱۳ جایزه از مراکز مختلف دریافت کرده‌ایم.

گویا انتشارات آستان قدس در فعالیت‌های دیگری از جمله برگزاری نمایشگاه‌های اسامی کتاب هم شرکت دارد، آیا این تلاش را در حیطه فعالیت‌های ویژه دفتر نشر شما می‌توان مبرور کرد؟

بله، ما در بحث‌هایی که مربوط به ارتقای نشر در استان است فعالیت داشته‌ایم. بیشتر همش در برگزاری سه نمایشگاه کتاب در مشهد، داشته‌ایم و امروز با رسمت گرفتن عملکرد تعاونی ناشران این مسؤلیت به تعاونی سپرده شده است. در بخش کودک و نوجوان نیز با کتون سه نمایشگاه تصویرگری کتاب کودک برگزار کرده‌ایم. در بحث اهدای کتاب طی قراردادهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طرح مشترک اهدای کتاب به مبلغ ۵۵۰ میلیون تومان را در دست انجام داریم که بخشی از فعالیت‌ها به عهده ما بوده است و به عنوان بزرگترین ناشر استان، تعاونی ناشران همکاری داشته و داریم.

بوده این انتشارات از کجا تأمین می‌شود؟ آیا با بودجه امکانات خاصی دریافت می‌کنید؟

آستان قدس یکسری امکانات ویژه و در اختیار انتشارات قرار داده و ما کمک‌های مختلفی برای ارتقای کار خود داشته‌ایم. به عنوان مثال اطراف

حرم، محل‌هایی به صورت رایگان در اختیار ما قرار گرفته و سرمایه نیز از سوی آستان قدس تأمین می‌شود اما انتظاری که مجموعه از ما دارد تحقق اهداف فرهنگی با سرمایه موجود است البته انتظار کسب درآمد از انتشارات ندارد، بلکه آستان قدس مایل است دفتر انتشارات با یک حالت خودگردان و با اهداف فرهنگی مدیریت شود. در بحث سرمایه جاری نیز در بخش‌های مختلف کمک‌هایی به ما می‌کند.

در وقت شما به عنوان یک ناشری که خیلی هدفه سرمایه‌گذاری و اقتصادی بودن کارتان را نادیده چگونبه عنوان‌تان با ناشران خصوصی قیاس می‌کنید؟ ما در بخش دولتی اگر بخوامیم از سرمایه دولتی استفاده کنیم باید محدودیت‌های آنان را هم بپذیریم. در بخش دولتی در کنار ارائه امکانات پای‌کسری موانع دست و پاگیر هم به میان کشیده می‌شود، اما



● محمود رضا برازش: اگر دولت کنار بکشد نشر سالم می شود

بخش خصوصی این هر دو را هم ندارد پس قیاس این دو خیلی قیاس مناسی نیست چون شرایط یکسان نیست.

منظورم از قیاس، تنها تأکید بر حمایت‌های متعددی بود که از یک ناشر بر پایه و صاحب‌مکنی مثل نشر آستان قدس صورت می‌گیرد که نشر خصوصی به عنوان هیچ‌کس این حمایت را ندارد. از طرفی همین ناشران بزرگ حتی اگر بگردد سرمایه داشته باشند، که البته اغلب هم ندارند، ناشران کوچک را می‌بلند که عملاً امکان کار را از آنها می‌گیرند، هر چند ناشر کوچک در تلاش برای برکتش سرمایه اغلب موفق‌تر بوده است.

مشکل ما در کشور وجود ناشران خرده ریز و کمبود ناشران تخصصی است نه ناشران بزرگ. اتفاقاً ما کمبود ناشران بزرگ داریم، تنها دو ناشر بالای ۱۰۰ عنوان چاپ اول در سال گذشته داشته‌ایم، البته این آمار بدون توجه به آثار کتاب‌های منتشر است. اگر مثلاً انتشارات آکتفورد ۴۰ هزار عنوان کتاب دارد دفتر نشر ما به عهده‌ای دو رقمی در نشر سبندۀ کرده‌اند. پس مشکل ما کمبود ناشر بزرگ است. ناشر بزرگ است که می‌تواند آگهی تبلیغاتی، سایت اینترنتی، فروشگاه‌های متعدد و شبکه‌های توزیع درست داشته باشد. چرا فکر می‌کنید صرف بعد از ۴۰ سال فرهنگ معین باید با همان حرف‌وف چاپ شود تنها به این دلیل که هیچ ناشر توان سرمایه‌گذاری مجدد در روی آن را ندارد.

صرف تولید تنها نمی‌تواند معاصر ما را از بابت نشر جمع کند. با توجه به میزان جمعیت و سرانه کتابخوان اتفاقاً تولید کتاب در کشور رانگه کم نیست. آنچه مهم است، این است که ما از مصرف غافل مانده‌ایم و ناشر دولتی

نشانهای نشر زهرا انباج محمدی

گفت وگو با محمودرضا برازش مدیر انتشارات آستان قدس رضوی

ما شبکه اطلاع رسانی درست کرده ایم

حرم، محل‌ها یی به صورت رایگان در اختیار ما قرار گرفته و سرمایه نیز از سوی آستان قدس تأمین می‌شود اما انتظاری که مجموعه از ما دارد تحقق اهداف فرهنگی با سرمایه موجود است البته انتظار کسب درآمد از انتشارات ندارد، بلکه آستان قدس مایل است دفتر انتشارات با یک حالت خودگردان و با اهداف فرهنگی مدیریت شود. در بحث سرمایه جاری نیز در بخش‌های مختلف کمک‌هایی به ما می‌کند.

در وقت شما به عنوان یک ناشری که خیلی هدفه سرمایه‌گذاری و اقتصادی بودن کارتان را نادیده چگونبه عنوان‌تان با ناشران خصوصی قیاس می‌کنید؟ ما در بخش دولتی اگر بخوامیم از سرمایه دولتی استفاده کنیم باید محدودیت‌های آنان را هم بپذیریم. در بخش دولتی در کنار ارائه امکانات پای‌کسری موانع دست و پاگیر هم به میان کشیده می‌شود، اما

انتشارات آستان قدس که به اصلاً به دولت کتاب نمی‌فروشد، اما مطماً اگر نمایشگاهی بوده کتاب حمایت را ارائه داده‌ایم و آنها کتاب کرده‌اند اما ما یکسری مخاطب ویژه داریم که سفارشات ویژه حرم امام‌زادع) است. ما این دسته را با حالت خاص تأمین می‌کنیم به عنوان مثال انواع قرآن‌ها در میان این مخاطب خریدار دارد. این فلسفه عمومی این بخش از نشر ما است، اگر هر ناشری در بخش نشر فلسفه‌ای داشته باشد، موفقیت او تا حدی تعیین شده است.

اگر انتشارات آستان قدس رایسته به آستان قدس نبود و اگر شما فاقد این سرمایه نبودید، چه برنامه‌ای برای نشر خود دیدال می‌کردید؟ در حقیقت هر شغلی سرمایه خودش را می‌خواهد. بخشی از سرمایه نشر مالمی و بخشی فکری است. در بخش فکری اگر پول داشته باشیم می‌توانیم، مترجم، تصویرگر و... نداشته باشیم همه چیز هدفه است. ما در بخش دوم، ناشر باید دست‌نویس مؤلف یا متن خود را به صورت کتابی چاپ و بعد مخاطب پای کند و سپس فروشد. اگر چه چرخه نشر از تألیف و ترجمه تا ارائه به مخاطب یک چرخه طولانی مدت است، حال آنکه ملاحظه‌مین دوره در مورد مولف‌های کونه مدت است و در نتیجه بازگشت سرمایه در دومی سریعتر، پس یک ناشر باید توان این سرمایه‌گذاری را در بلندمدت داشته باشد. در نهایت هر ناشری که سرمایه‌اش بیشتر است بهتر و بیشتر هم می‌تواند فعالیت عمیق بکند و تنها بعضی ناشران ما شامه نیز در دوره بازگشت سرمایه را می‌توانند کوتاه کنند و اتفاقاً این زمان درباره نشر خصوصی بسیار بلندمدت‌تر است اما نشر آستان قدس سعی کرده تا این دوره را نیز ناشر کند و درباره این سؤال که اگر پول داشته‌ایم چه راهی وارد می‌شدیم، باید بگویم که در اصل نشر حلقه ارتباط میان مردم و نویسنده است و اگر مردم و سلیقه آنها را شناسد می‌تواند کتاب را انتخاب و آن را سفارش دهد تا از بابت خرید آن هم خیالش جمع باشد.

نشر سالم می‌شود. در آن صورت ما مطمع ناشرانی را خواهیم داشت که دقیق‌تر کتاب چاپ می‌کنند، به نظر من در شرایط کنونی افزایش باید حلقه تعاونی باشد که ارشاد ایجاد می‌کند کارهای خرد ریز و تکراری و مشابه زیاد داریم، تعداد کارهای عمیق کم شده است و متأسفانه خیلی از ناشران را کاغذفروش شده‌اند. اختصاص از ۷۵۰۰۰ نامی برای خیلی از کتابها مصفاغه نیست چون اغلب دفتر ارزش هستند. ناشر بزرگ اگر کتاب درست نداشته باشد، بعد از مدتی سرمایه‌اش را از دست می‌دهد.

به پایان می‌رسد و طبیعاً هر ناشری که سرمایه بیشتری دارد می‌تواند تولید بیشتری داشته باشد. اتفاقاً کمک دولت در بخش فروش و تبلیغ کتاب متمرکز شود، موفقیت بیشتری نصیب ناشر می‌شود.

گفت و گو با یعقوب آژند مترجم آثار تاریخی

القبا یاد بده، در عوض به تو کتاب امانت می‌دهم

هم فکر می‌کنید رفتار معلم در حلقهٔ ندنی

دلش آرزوی به کتاب مؤثر است؟

بله، حصد درصدا به عنوان مثال بدم می‌آید که درس ریاضی‌ام بد نبود تا دورهٔ دبستان همیشه

نمره خوبی از این درس می‌گرفتم تا اینکه در دوره دبیرستان معلم بسیاری بادی تعصب ما شد، او بر می‌جوان بود که حتی بلد نبود درس بدهد.وین بچه‌ها تعیضات زیادی قائل می‌شد و همین رفتارهایش مرا از درس ریاضی منجر کرد.

کتاب‌های غیر دروسی آنان را چگونه تهیه می‌کردید؟

کنش‌پرواست دستفروشی که کنار خیابان می‌ایستادند و کتاب می‌فروختند.من که عاشق کتاب بودم، با آنها آشنا می‌شدم و با پول توجیبی‌ام کتاب می‌خریدم.

چه کتاب‌هایی می‌خریدید؟

از کتاب‌های داستانی موش و گربه گرفته تا شعر و شاهنامه و کلیات سعدی.

علاوه بر خرید کتاب، کتاب امانت می‌گرفید؟



● **یعقوب آژند، بهترین کتابی که در من تأثیر گذاشت، کتاب اول ابتدایی بود که القبا را از آن آموختم و زمینه‌ساز مطالعات بعدی من شد**

بله.

از چه کتابی؟

در آن زمان یکی از دستفروش‌ها که «حیدر» نام داشت کتاب امانت می‌داد، او پسری داشت که با وجودی که ۱۰ساله بود سواد خواندن و نوشتن نداشت تا اینکه روزی حیدر به حلقه من به کتاب پی برد و من به گفت توبه پسر القبا یاد بده و من در عوض به تو کتاب امانت می‌دهم، من هم قبول کردم به او القبا یاد دادم و حیدر به من کتاب را بگام امانت می‌داد. علاوه بر آن به کنش‌پروشی هم سر می‌زد، بدم می‌آید. ساعت کنش‌پروشی شخصی می‌جوسی بود، آدم گزینشی بود که سالار سن داشت، با وجودی که کار می‌کرد، کتاب هم می‌خواند و تا اینکه فیلیپش را گرفت و مهندس الکترونیک شد و به قدری اعتماد به نفس داشت که مشکل گزینشی‌اش را با ورزش حل کرد.

درین اعضای خانواده‌تان چه کسی اهل مطالعه بود؟

(می‌خندد، فقط من، از واقع کسی اهل مطالعه نبودم، اما پاپا و مادام و با وجود آنکه می‌سواد بودند، همیشه روزگانشان را به مطالعه و درس خواندن شوقی می‌کردند. بامی می‌خواندیم اگر چه چهله می‌کرد که پدر بزرگم یکی از میرزا نویس دوره قاجار بود و خط خوبی داشت، ما ۸ خواهر و برادر هستیم که در آن زمان فقط من به کتاب علاقه‌مند بودم و برادرانم فقط در حد دیلم پیش رفتند و خواهرانم را به دلیل تعصبات خاص آن زمان به مدرسه نفرستادند و آنها نتوانستند درس بخوانند.

وختی می‌خواستید کتاب بخريد با امانت بگيريد از کسي مشورت می‌گرفيد؟

نه.

چون اطرافیانم بیشتر توصیه می‌کردند که

وقتان را صرف خواندن کتاب‌های غیردسی نکند ولی من با این وجود هر روز به خواندن کتاب علاقه‌مندتر می‌شدم.

در دوره دبیرستان کتابخانه داشتید؟

بله، کتابخانه تقریباً مجهزی بود که محله و آن روزنامه و کتاب‌های خوبی داشت و من همیشه به محدود بود که البته نسبی می‌گرم، فقط کتاب‌های در زمینهٔ علوم علم در کلاس مطالعه می‌کردم.

کتابدار کتابخانه مدرسه آنان را یادمان می‌آید؟

بله، وقتی که فردی خوش اخلاق باشد هیچ وقت از ذهن آدم بیرون نمی‌رود. خوشبختانه در آن زمان کتابدار مهربان و فعالی داشتیم که همیشه مرا در خواندن بیشتر کتاب شوقی می‌کرد.

بیشتر چه کتاب‌هایی امانت می‌گرفید؟

نام کتاب‌ها را به یاد ندارم ولی بیشتر در زمینه ابیات، داستان و تاریخ، کتاب امانت می‌گرفتم.

بین دوستان و همکلاسی‌هایان کتاب داد و بدل می‌کردید؟

بله، من در دوست داشتم به نام امیر واکبر که به همدیگر کتاب امانت می‌دادیم و این کار باعث شده بود کتاب‌های زیادی با موضوعات متنوع را بخوانیم.

آقای آژند، از بین کتاب‌هایی که خواندید، کدام کتاب برایان جذاب‌تر بود و از آن بیشترین تأثیر را گرفتید؟

من کتاب‌های زیادی را خواندم و الان حضور ذهن ندارم نام کتابی را بگویم ولی می‌توانم بگویم که من از هر کتابی که خواندم، تأثیر گرفته‌ام. این نکته را هم اشاره کنم که بهترین کتابی که در من تأثیر گذاشت، کتاب اول ابتدایی بود که القبا را از آن آموختم و زمینه‌ساز مطالعات بعدی من شد.

بله، درس‌اش تمام خیلی خوب بود و همیشه در مورد فضل بهار، رسالت، رماتیگ می‌نوشتم و مطالعه زیاد من باعث شد تا در نوشتن موقف باشم.

در تهیه روزنامه دیواری هم فعالیت می‌کردید؟

روزنامه دیواری تهیه می‌کردم و کارهای حفاظتی و نقاشی‌اش را خودم انجام می‌دادم.

علاوه بر داستان، رمان و مان هم می‌خواندید؟

بله، خیلی زیاد، رمان‌های خارجی و ایرانی زیادی می‌خواندم.

یکی از رمان‌هایی که خواندید را نام می‌برید؟

بله، یکی از رمان‌هایی که در اولیای دبیرستان خواندم و برایم جالب بود، رمان پرنیان یا ترجمه حسینی مستغان بود. در آن زمان من می‌رمانی را می‌خواندم ولی بعدها که وارد عرصهٔ دانشگاه شدم بیشتر رمان‌هایی با مای خواندم که در آن ابتدایی‌ها بود و برخی را در سالن روبرویات و محافل‌های دی ایجاد می‌کرد.

بیشتر ترجیح می‌دادید کتاب بخوانید یا روزش کنید؟

کتاب که همیشه در دستم بود ولی در روزش هم موقف بودم و حتی در دستم نوبال و بستکال هم به مرحلهٔ قهرمانی رسیدم.

خاطره‌ای از ایام دانش آموزی‌تان دارید؟

بله، بامی می‌آید کلاس چهارم در دبیرستان میرسر بودم، در آن زمان رشتهٔ ادبی و انگلیس‌آموز بودم ولی درس ریاضی هم می‌خواندیم اگر چه چهله می‌کرد، درس ریاضی را جدی نمی‌گرفتند، هر روزی معلم چهایی که درس ریاضی را بلد نبودند می‌خواست تهیه کنند و از من که مبصر بودم خواست تا جواب بیاورم. آن زمان فضل بهار بود من رقم و یک جواب خیلی ناگرمی آژند، تعداد دانش آموزانی که فرایند تهیهٔ شوندهٔ ۸ نفر بود، معلم و معلم وقتی پاک باز کرد فریاد زد و گفت این نیکه چه چوبه‌ای برو یک جواب بگویم، من سریع رقم بیروم و گفتم یک جواب بسیار بسیار گفتند ما به دوش گرفتیم و آوردیم وقتی معلم جواب گفتن را دیدم زدی خنده و همین کار من باعث شد تا از تبه کردن چهله‌ها منصرف شوم.

راسته کتابفروشی‌ها



بوی مهر (۲)

نصرالله حدادی

معلم به کلاس آمد و پرسید: «چه من داریم؟» گفته شد: انشا. همه باید انشای می‌نوشتند، حتی یک کلمه، بسیاری چند سطر تا نیم صفحه‌ای را نوشتند، بی‌تاب بودم تا مرا صدا کند، نوبت به من رسید. دفتر چه انشای را داشتیم رو رو به دانش آموزان و پشت به معلم شروع به خواندن کردم. معلم ابیات در پشت میز خود، دست‌ها را به زیر چانه زده بود و گوش می‌داد. او را آههٔ شوق شروع کردم و افتقاد از معلم آهیدیم می‌کنند که به زیر قطار خواهد فرستاد. ضمن آنکه کفتم در برخی از ساعات درس اجرت می‌زده و بعداً همدیگر می‌بندیم که معتاد بودی. او معلم عربی بد کفتم و نوشتن او با آههٔ لجهٔ بادی که دارد، نمی‌تواند کلمات را درست ادا کند و از آن انتظار دارم، او می‌گوید: «الف ما انگویم «الف با لکه بگویم: «الف» نوبت به معلم ابیات رسید. به همان گونه که راه می‌رفت، سخن خواندن راه رفتن او را تقلید کردم و با نا آگاهی اینکه او کلاه قد و فرسه است و دانشکمش در کلاس را باز می‌کنند، کفتم: معلم ابیات ما مخرج «ر» ندارد و با آههٔ لجهٔ شیرین آذری صحبت می‌کنند. بسیاری از کلماتی را که از من کار می‌برد، به گاز بردم و کلاس او را سرجاب خودم و تا آید کردم قصد مداحته و تملق را نداشته و ندارم. و چون موضوع انشا از معلمان خود انتقاد کنید، «است جرات نوشتن باهام، دانش آموزان به رقم تقلید من «صم و یکم» نشسته بودند.

از معلمان دیگر نیز کفتم و ضمن تمجید از معلم «ایان انگلیسی» نوشتن ما از ابیات خودمان درست «سر در نمی‌آوریم» چگونه می‌توانیم «گرامر» بیاموزیم؟ از معلم «خط و نقطه» کفتم و اظهار داشتیم: «کتاب نقاشی از رنگ» را اگر ترس به ما فرخه است «خط و نقطه» را دروغی نثار د و سرانجام از ناظم بدبختان و مدیر همیشه آخو صحت کردم و کفتم: یک بار که در دفتر معلم باز بود و آقای مدیر داشت می‌خندید، تعجب کردم، چون فکر می‌کردم او خندیدن بلد نیست و سرانجام از محیط خسته شدم، مدرسهٔ کفتم و از کلاسی‌های بی‌روح که سال‌ها سال رنگ نخوردند، پدر و مدر، کفتم و درست و حسابی بازدارم از بیخاری قطاری نقی او بودم و می‌دانم، و از فراش مدرسه که دلم بهم نمی‌زد!

کلاس را سنگینی عمیق فرا گرفته بود. برای لحظهٔ اندک سکوت کلاسی وحشت کردم. جرات نداشتیم پشت سر نگاه کنیم. لحظات کشنده‌ای بود. عادت بود، وقتی دانش آموز درس سر می‌دهد ابیانه، من می‌نوشتم، اما نمی‌توانم چرا اجرت بگیرم. همان طور اسخ و سساق، استاده بودم. صدا از اجری واکنشی بلند. هر تابه بر من یک سال می‌گذاشت. قصد کردم «سر خود» به نیکت بازگردم، اما اگر جرات یا نهایت ترس و تقصیر و عقب رفتنم، من جرات کرده بودم و در حضور معلم او را بدستور گرفته بودم، چه‌رم معلم در حالی که از فقر می‌جوشن لبهٔ سحر و جادو، بنیادهٔ قدری خود را جمع کردم و آه آههٔ انشای «چک و لنگه» را بنیادهٔ قدری خود را جمع کردم و آه آههٔ انشای شدم. دفترچه را به روی سرم گرفتم و سرم و ادرهٔ قهٔ نهان کردم. معلم به آرامی به من نزدیک شد، اینگونه همسنگی برنگی تر بودی ایانش بود، یا نه آههٔ لجهٔ آذری گفتند: «یک الله (یا که الله، برگ الله، اینها را تو از کوجا گفتی) یاد گرفته‌ای؟» بنام به این گفت (فقط) آنچه تو صحبت حسابی داری، برگ الله، برگ کلاه، این مثال‌ها را کوجا گفتی) می‌پنداری؟

کتاب که همیشه در دستم بود ولی در روزش هم موقف بودم و حتی در دستم نوبال و بستکال هم به مرحلهٔ قهرمانی رسیدم.

بله، بامی می‌آید کلاس چهارم در دبیرستان میرسر بودم، در آن زمان رشتهٔ ادبی و انگلیس‌آموز بودم ولی درس ریاضی هم می‌خواندیم اگر چه چهله می‌کرد، درس ریاضی را جدی نمی‌گرفتند، هر روزی معلم چهایی که درس ریاضی را بلد نبودند می‌خواست تهیه کنند و از من که مبصر بودم خواست تا جواب بیاورم. آن زمان فضل بهار بود من رقم و یک جواب خیلی ناگرمی آژند، تعداد دانش آموزانی که فرایند تهیهٔ شوندهٔ ۸ نفر بود، معلم و معلم وقتی پاک باز کرد فریاد زد و گفت این نیکه چه چوبه‌ای برو یک جواب بگویم، من سریع رقم بیروم و گفتم یک جواب بسیار بسیار گفتند ما به دوش گرفتیم و آوردیم وقتی معلم جواب گفتن را دیدم زدی خنده و همین کار من باعث شد تا از تبه کردن چهله‌ها منصرف شوم.

۱۳۸۱ شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱

توشه زیر حاصل گفت‌وگو است که به دلیل محدودیت فضای سؤالات آن حذف و با ادنی تخلص و لوایحی بازناس پوشش کتاب و کتابخانه‌ای که در زمینه‌های کتاب و کتابخانه‌ای معاصر و تحقیق و پیمایش دوره مسافت‌های این بخش در شهر کرد (بر ماه ۱۳۸۸) بر عهده دانش و فننه‌های خود و چگونگی آغاز به کار این بخش و مشکلات فرود و نبود امکانات و تجهیزات کتابخانه‌ای چه در بعد سخت‌افزار و چه در بعد نرم‌افزاری، سخن می‌گوید.

آغاز راه

از سال ۱۳۷۲ کار مطالعه و تحقیق به شکل کنونی پایه‌گذاری شد که در همان زمان شروع به کار پناه‌امور تربیتی، بحث کتاب را به عنوان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های این بخش مد نظر قرار داد. در دوره‌های نخست تنها مسافت‌های کتابخانه‌ای برگزار می‌شد، به این ترتیب که هر بار دو کتاب را به دانش‌آموزان مقطع متوسطه تحصیلی معرفی می‌کردند و بچه‌ها کتاب‌ها را می‌خواندند و در مسافت‌های شرکت می‌کردند. اما از سال ۱۳۷۳ مسؤالات احسان کردند که صرف معرفی و مطالعه یکی دو کتاب نیز نواند، چگونگی اهداف آنها باشد و به همراه پیش از این درگیر خواندن کتاب شوند. به همین علت، طرح مطالعه و تحقیقات دانش آموزی مطرح شد.

هدف اصلی از طرح این قضیه این بود که دانش‌آموزان ضمن تحقیق با کتاب‌های مفید در یک حوزه مشخص آشنا شوند و بدان ترتیب در همین سال ۱۳۷۲ مسافت‌های مطالعه و تحقیق شروع کردند. در این مسافت‌های تحقیقی دانش‌آموزان در سوره کتابخانه‌ای بررسی می‌شد و دانش‌آموزان برای نگارش مقاله با تحقیق مجبور بودند به کتابخانه مدارس و کتابخانه‌های محلی مراجعه کنند. این‌ها به ترتیب موضوعی را به دلخواه خود یا به توصیه اداره یا مدرسه انتخاب و روی آن موضوع مطالعه و تحقیق می‌کردند. البته کارهای تحقیقی زیر نظر مربی، معلم یا کتابدار انجام می‌گرفت. در سال‌های اولیه مسافت‌های دانش‌آموزان فقط ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، شرکت می‌کردند. حتی برخی از دانش‌آموزان بچه‌ها شکل گروهی در کارهای تحقیقی شرکت می‌کردند و با مرله مطالعه پیش می‌رفتند. بعد از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی از مقطع متوسطه و استان بعد دانش‌آموزان متوسطه‌ای بودند. به روشنی‌شدن به شکل کشور و شیوه‌های ارزشمند.

همین کار (چند عده اجرای مسافت‌ها از مرحله ابتدایی) به آموزش پژوهش و دانش‌آموزان ضربه بزرگی وارد ساخت چون وقتی دانش‌آموزان در همان مرحله ابتدایی با کار تحقیق آشنا نشدند در مسافت‌های متوسطه پیشتر دست به گریبان می‌شد.

محدودیت امکانات تحقیق

در این سال‌هایی که مسؤالات بخش مطالعه و تحقیق را بر عهده دانش‌مور می‌چوم که دانش‌آموزان با توجه به امکانات کمی که داشتند، با داده و رنگه کارهای تحقیقی خود را انجام دادند. با توجه به اینکه در برهه‌های مسافت‌های بخش مطالعه و تحقیق از محدود مسافتی است که دانش‌آموزان از درون مدرسه و با همت خویشان انجام می‌دهند، بدون آنکه آموزش خاصی بینند، با وجودی که برای شرکت در مسافت‌ها هیچ اثر اخیری وجود ندارد، در نتیجه با ملل و رغبت کارهای تحقیقی و مطالعه‌ای انجام می‌دهند.

همین نبود و فقدان آشنایی دانش‌آموزان با تحقیق و چگونگی پوشش مسائل آن دانش تا به شکل طرح تجربی باسند که در آن روش‌های علمی کارهای تحقیقی را به دانش‌آموزان یاد داد.

به همین جهت پیشنهاد می‌دهم طرح درست تحت عنوان «این مطالعه و پژوهش در دوره دبیرستان ارائه شود حتی کتاب در این زمینه تألیف و برای مصلمان کل کشور، دانش‌آموزان دبیرستانی و پژوهشگران کلاس‌های متوسطه‌ای آموزش می‌شد. این پیشنهاد را به کارهای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم دبیرستان واحد درسی روش مطالعه و تحقیق در نظر گرفته و تدبیر شود. اگر چه این واحد و انتخاب آن به صورت اختیاری است و هیچ تنوع برای اجبار و تحمیلی در آن وجود ندارد.

روش‌های تحقیق دانش‌آموزی یا دانشگاهی!

مایله توجه دانش‌پاشینم که مطالعه و تحقیق در آموزش و پرورش یک فرایند و حرکت و تازه است و برای تکمیل و نهاده‌ی شدن در زمان زیاد دارد. لذا بسیاری از دانش‌آموزی که در مسافت‌های شرکت کرده‌اند، به دلیل آنکه هنوز واحد درسی این مطالعه و پژوهش را نگذاشته‌اند یا کلسی‌های فراروی در کار ندارند و به همین سبب درسی از آنها نیز نظر عملیاتی کار می‌کند که دانش‌آموزان را با توجه به روش‌های تحقیقی که خود در دانش‌آموزی‌نهاد راهنمایی می‌کنند و به همین علت تحقیقات دانش‌آموزی بیشتر به صورت دانشگاهی انجام می‌دهند. اما در صورت عدم و ضافه‌ای این اراده‌ی هم هست و ما توانستیم یک پارچوب مشخصی برای تحقیقات دانش‌آموزان با زبان دانش‌آموزی بنا کنیم. البته در صدد هستیم که این کار را صورت دهم و چارچوب‌های اولیه آن در حال تهیه است. تعدادی از دانش‌آموزان در کارهای تحقیقی خود به سراغ تحقیقات میدانی روندند که معیار سیاست‌ها و اهداف ما بود. هدف ما کتابخانه‌ی است و بنابراین تحقیقات می‌باشند در حوزه کتابخانه‌ی و فرهنگ باشد. ما باید بتوانیم دانش‌آموزان را اهداف همی که در حوزه فرهنگ و ادب کشور تحقیقات کتابخانه‌ای انجام دهند. در حال حاضر گسسته‌های مطالعات و تحقیقات



● لایلمیری: مطالعه و تحقیق در آموزش و پرورش یک فرایند و حرکت و تازه است و برای تکمیل و نهاده‌ی شدن به زمان نیاز دارد

دانش‌آموزی را تشکیل داده‌ایم تا در آن چارچوب تحقیق برای دانش‌آموزان مشخص کنیم و نیز تعیین کنیم که ما از آنها چه می‌خواهیم؟ حوزه تحقیقات آنها باید در چه جلوه‌اندازه‌ای باشد. به گمان من در تعیین سیاست‌ها و اهداف، ما باید به سبب حرکت کنیم که دانش‌آموزان بتوانند مقاله‌های تحقیقی ارائه دهند و مقاله‌ها در مجله مدرسه خوانند و حتی در درس آشنایان باشد. این نوع هدف گذاری باعث می‌شود که جلوه‌ها به کلی خوانند و چگونگی پیش‌روی کنند و چگونه ارائه دهند. چون مهمترین اصل در تحقیق رعایت امانت در تحقیق است که این امر باید به دوستی به دانش‌آموزان آموزش داده شود. آنها درایند که اگر مطلبی را از جایی می‌نویسند، باید ذکر منبع کنند و این‌گونه نیست که اگر منبع را ذکر نکنند، خود کاری انجام ندهند.

کتابداری در مدارس

یکی از مشکلاتی که دانش‌آموزان با آن روبه‌رو هستند، فقدان آشنایی آنها با کتاب و تهیه منبع و ارجاع دادن به منبع است. این مشکل پس‌شده تا باینه کتابدار در مدارس حس شود. هرگز نمی‌تواند محدود ۵۰ کتاب در سطح مدارس کشور را به کار گرفته‌مکن است بسیاری از آنها نیز تخصصی‌اند، کتابداری نباید، اما دوره‌های ضمن خدمت دیده‌اند و حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ ساعت برای آنها دوره آموزش کتابداری در نظر گرفته شده است. اگرچه نمی‌توان عنوان قضیه شد که در حوزه کتابداری هم دچار مشکلاتی هستیم. ولی اگر می‌خواستیم معتدلاً بنماییم تا کارهای ما مشخص شوند، در انجام کارهای تحقیقی خیلی عقب و دور می‌ماندیم. بنابراین ما مجبور هستیم یک کلسی از کارها را به صورت ملوی با هم شروع کنیم و به پیش بریزیم. ما به معاونت برنامهریزی و نیروی انسانی پیشنهاد می‌دهم که برای مطالعه هم دوره آموزش روش تحقیق کتابدار به همین جهت است که اگر مدرسه‌ای کتابدار هم نداشته، معلم ادبیات آن مدرسه می‌تواند تحقیقات بچه‌ها را هدایت کند و برسی تربیتی هم می‌تواند در دوره‌های آموزش ابتدایی

روش تحقیق را نگردد و تحقیقات دانش‌آموزان را در همان حوزه دانش‌آموزی هدایت کند و بچه‌ها را به سمت کتابخانه سوق دهد.

از کمبود کتابخانه تا اخلاق تحقیق
تا آنجایی که من غرور و شخصیت کردم دانش‌آموزان در حد نرول و امکانات خویشا تحقیقات انجام می‌دهند. باید در نظر گرفت که یک دانش‌آموز چقدر می‌تواند در رابطه با تحقیقات منبع شناسی کند و تا چه حد این منبع را در اختیار دارد. ما در سطح شهر خدمت دچار کمبود منابع آموزشی هستیم و کتاب‌های متنوع و مرجم مناسب زیاد نیست. اگر چه کتابخانه‌های مجبوری هم هست (و این تازه در تهران است و نه در شهرستان‌ها) در بخش مدارس بچه‌ها دچار کمبود مواد خواندنی هستند و در محیط خارج از مدرسه نیز امکانات در دسترس نیست. واقعاً چند کتابخانه‌های عمومی در سطح شهر وجود دارد که دانش‌آموزان بتوانند به اجاره‌ی همیه و راحتی تحقیق کنند. البته نود کتابخانه به تعداد مناسب یک میلیون کتوری است. همچنان که در دانشگاه‌های ما منابع خواندنی کمی در اختیار است؟ البته نیز چند دانشگاه معتبر فردی که خواهد در حوزه‌های تحقیق کند، برای دسترسی به کتابخانه واقعاً دچار مشکل می‌شود. از کتابخانه ملری گرفته که هر کسی راه را نمی‌دند تا کتابخانه دانشگاه تهران که حیضاً باید دانشجو باشد تا بتواند از کتابخانه استفاده کند. این همه دانش‌آموزان باید پیاموند که از حداقل امکانات، حداقل استفاده را بکنند و مهمتر از همه درایند که از اخلاق کار تحقیق، شناسکی، نظیوری و جست‌وجوگری سخن است.

ارزیابی بیستمین دوره مسابقات مطالعه و تحقیق در شهر کرد

پس از گذر این مقالهٔ تفصیلاتی دربار چگونگی بخش تحقیق به ارزیابی خود ما بخش مطالعه و تحقیق بیستمین دوره مسافت‌های دانش‌آموزی شهر کرد می‌پردازیم. در حدود ۲ سال است که بااین چشم‌انداز و اهداف مسافت‌های دانش‌آموزان ۱۳۷۷ که اولین مه‌ایش پژوهشگران جوان در تهران برگزار شد و نیز دومین مه‌ایش که در یزدو یا شد، کارها را به صورت جدی و تعقیب می‌کنم و مرقدهم تحقیق دانش‌آموزان استان نسبت به سال گذشته رشد خوبی داشته است.

تکنه‌ای که باید در دامل پرازنه به آن اشاره کنم به کتاب نقاش مهر، بازم می‌گردد که از سال ۱۳۷۶ و با توجه به صحبت‌های رییس جمهور در دستور کار قرار گرفت. در این طرح مسافله‌ای به عنوان پرشن مهر برگزار و پس از آن دستور العمل مسافت‌ها وضعی و هرگز تحت عنوان کتابی به نام نقاش مهر به مدارس ابلاغ شد. این دستورعمل برای همه به صورت مجزوه به مدارس فرستاده می‌شود و در آن در خصوص شیوه‌های داوری و فرم‌های داوری و سخن رفته و اینکه دانش‌آموزان باید در حوزه کتابخانه‌ای تحقیق کنند. بازگرمیم به خصوص اصلی عنوانم که داوری کارها باید هر ساله کلیه آثار یکی از آنکه برای داوری فرستاده شود خوانده و سپس برای کارهای ام فرستاده می‌شود و پس از آن از مازای می‌مجددی روی کارهای ام کنیم و بنده به عنوان مسؤزل مسافله مطالعه و تحقیق کشور موظفم که ۲۰۰ کار تحقیقی که برای ام فرستاده شده و با عنوان و یک ارزیابی کل کار داشته باشم. در مسافت‌ها هم در جلسات خدایه حضور داریم و اگر هم فردی برخی از جلسات که در دو سال آموزش دو حضور پیداکنیم قلم‌های گرفته شده در جلسات ام می‌نویسیم و بریزیم می‌کنیم. اگرچه تا به حال به دلیل شرایطی و موضوعی در ارزیابی مشکلاتی نداشته‌ایم. اما در خصوص ارزیابی ضعیف کارهای تحقیقی دختران و پسران باید بگویم که ۵۰۰۰۰ درصد کارهای تحقیقی نسبت به سال‌های گذشته رشد داشته است و تعداد دختران شرکت‌کننده نسبت به پسران شرکت‌کننده در تعداد مسافت‌های علمی امروزه، یادون جهت صرفی دانش‌آموزان گزیدند. اما اگرچه تعداد دانش‌آموزان دختر بیشتر بود، اما در کل کار پسرانه نسبت به دخترها قوی‌تر بود و پسران هنگام دفاع از کار تحقیقی خود مستدل و منطقی و پیروزمی‌گردند و از طرفی تووع موضوع در بین دانش‌آموزان پسران بیشتر بود. دختران بیشتر تحت تأثیر مسائل اجتماعی قرار می‌گیرند. موضوعات دختران هم در همان زمینه هاست، مثلاً در سال‌های که به عنوان گفت‌وگویی تمدن‌ها معرفی شد، بیشتر دانش‌آموزان در آن زمینه تحقیق کرده بودند. بنابراین «در صدد تحقیقات با توجه به مسائل جامعه است و این حالت در دانش‌آموز دختر بیشتر دیده می‌شود. البته دنده فکرمی‌کنم که دخترها در انجام

لایلمیری کار شناس پژوهش کتاب و کتابخوانی آموزش و پرورش و مسؤ ول بیستمین دوره مسابقات مطالعه و تحقیق (شهر کرد)

امکانات پژوهشی دانش‌آموزان محدود است

تحقیقاتشان با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند.

موضوعات تحقیق به انتخاب یا اجبار
ما هیچ اجبار و تحمیلی در انتخاب موضوع دانش‌آموزان نداریم، اگرچه موضوعی که ما پیشنهاد کردیم این بود که درایزه صرفت علمی انجام گیرد. دانش‌آموزان این‌گونه از تحقیقات آنگونه‌ای موضوعی حجه اجباری نداشتند، برخی از تحقیقات برگزیده در این زمینه ارائه شده بود. همچنان که برخی از دانش‌آموزان در خصوص مشکلاتشان با مشاوران دانش‌آموزی، گفت‌گوه کرده بود.

پیش از آنکه قصد کارها را بی‌نظم با مسائل دانش‌آموزی بود.

بخشی از موضوعات هم که به دانش‌آموزان مرتبط نبود، به این

معنی نبود که خود دانش‌آموز روی آن کار نکرده باشد بلکه دانش‌آموز وارد حوزه‌ها و موضوعاتی شده بود که در حد و اندازه‌اش نبود. لذا هدف شده از یک‌گراں گفت‌وگو، کتاب ما این مساله را باید در نظر داشته باشیم که یک دانش‌آموز واقعاً و واقعی ارزشمند است. حتی اگر تحقیق‌ها در کار وجود داشته باشند.

نقاط ضعف

در سال گذشته با پیوستن مشاورانی که در آموزش و پرورش ایجاد شد، در بسیاری از استان‌ها همان‌هایی که عنوان بخش کتاب و کتابخانه‌ی بودند، همان‌طور مسؤالیته‌ی برگزاری مسافله را هم عهده‌دار بودند. به دلیل نبود یک‌گراں کتاب و کتابخانه‌ی در سطح استان‌ها ما با مشکل مواجه شدیم. در تهران و برخی استان‌های بزرگ این مشکل وجود داشت، بدین نحو که در سال‌های قبل هر منطقه مسؤالی داشت و می‌دانست که مسافله را باید به چه نحوی برگزار کند، اما امسال تمام مسبت کار در مراکز استان‌ها هم عهده بود و یکی از علت‌هایی که امسال دانش‌آموزان در مرحله کشوری دچار مشکل بودند، به همان ضعیف مشاورانی برمی‌گردد که در مراکز استان‌ها پیش آمد.

چاپ آثار برگزیده

از جمله اتفاقاتی که به معنی نبود، عدم چاپ آثار برگزیده است. در حالی که ما از جمله کارهایی که برای آثار برگزیده انجام داده‌ایم، چاپ آنها بود. یعنی از سال ۱۳۷۶ آثار برگزیده به صورت یک‌جکده آنها تحت عنوان کتاب پژوهش دانشجو چاپ شده است. شماره ۱ این مجموعه تاکنون منتشر شده و علاوه بر آن برنامه‌های حمایت از دانش‌آموزان پژوهشگر را نیز در دستور کارمان قرار داده‌ایم. جز برگزاری مسافت‌های مطالعه و پژوهش در مدرسه، ما همچنین مطالعه و تحقیق را در سطح مناطق و استان‌ها پیش می‌گیریم و دانش‌آموزان علاوه بر این مسافت‌ها در این اجتمه‌ها تالم نام و در این زمینه آموزش می‌بینند. تحت نظر مصلمان کارهای تحقیقی انجام می‌دهند. معرفی زیاد کارها هزینه‌های غیره است. دانش‌آموزان تحقیقی و علمی کتاب‌های خود را به این مساله اختصاص دادیم. استان‌ها مالی آنان را پرداخت کنند. بدین نسبت ما اجازه داریم که از دانش‌آموزان برگزیده حمایت کنند و بخشی از هزینه مالی آنان را پرداخت کنند. بدین نسبت ما اجازه داریم که از سال گذشته طرح تکمیل یکی دو مقاله در تحقیقات برگزیده‌ای به این بخش می‌رسد. یوزده تحقیقی که در حوزه کار کتابخانه‌ای است از حمایت و چاپ کنیم و حتی یکی از کارهای تحقیقی علاوه بر چاپ شد و در شمار ۵۰۰۰ نسخه با حمایت کتابداران کتاب منتشر شد. برای گروه تحقیق هم می‌توانیم در نظر گرفته شد. البته علاوه بر آن بقیه آثار هم یک‌جکده‌ی چاپ می‌شود. اما تحقیقات برگزیده‌ی اوایلین چاپ و یوزده بار منتشر می‌شود و خوشبختانه مسؤالات واقعاً تکمیل لازم و کافی را به عمل آورند.

امسال هم مثل سال‌های گذشته که این مسافت‌ها را برگزار می‌کردیم، از ابتدای مهرهه ابلاغ اخباری را فرستادیم تا از بسیاری از دانش‌آموزان به سخن این کارها انجام می‌دهند. با پایان این نکته اشاره کنم که خوشبختانه تعداد دانش‌آموزان که امسال است که آموزش عالی ابتدایی به کارهای تحقیقی داده است و دانشگاه‌ها و دانش‌آموزان کتابخانه‌ی ما را می‌گیرند و به دانشگاه ارائه می‌دهند و امیزاری آنها محسوب می‌شود. ما باید مسؤالات آموزش عالی به یک نتیجه‌ای برسیم که دانش‌آموزان ما که در بخش کشوری داشته باشند، در چنین وضعیتی دانش‌آموزان به این سمت و روش‌های تحقیق می‌شوند. شاید بسیاری از مشکلات جامعه ما در حوزه کتابخانه‌ی کل شود و به لحاظ آموزشی و تربیتی رشد مضاعف داشته بشییم.

یادداشت

سید علی کاشفی خوانساری

راهی برای مشارکت



اینکه در انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بنسټر لازم برای مشارکت عملی اعضا نشکارت عملی اعضا فراهم نیست، حرفی آشنا و تکراری است.بعید است کسی این موضوع را التکار کند که تا به حال ناخوشه جریان به شکلی پیش رفته که تنها وظیفهٔ اعضا، شرکت سالیانه در مجامع عمومی و رأی دادن به نامزد‌های محترم جهت انتخاب ایشان بوده و پس از آن نه رأی دهندگان و نه منتخباختن کاری به هم نداشته‌اند.

یکی از دغدغه‌های اصلی اعضای انجمن جدید هیأت مدیرهٔ رفیع این مشکل بوده و سعی شده، راه‌های نوگراگویی برای آن پیش‌بینی شود. فعالیت گروه کمیته‌های پنجگانه و تکلیف ساختن آنان به پاری جستن از اعضا، یکی از راه‌ها بوده است.

طرح جدید دیگری که به تصویب رسیده و آن شامله می‌تواند دلیل شدن جدی اکثر اعضا را به دنبال داشته باشد. طرح تشکیل گروه‌های موضوعی در انجمن است. بر اساس این مصوبه هر جمع حداقل پنج نفره از اعضا که بنخواهند در موضوعی که با سازمانه انجمن مغایرت نداشته باشد فعالیت کنند تشکیل می‌شوند. مثل فعالیت‌های سیاسی،خلاف شرح و خلاف قانون اساسی (است) می‌توانند رسماً با ثبت و اعلان گروه خود به فعالیت رسمی در انجمن بپردازند، از امکانات موجود بهره بگیرند، برای امکانات بیشتر تلاش کنند، طرح‌ها و ایده‌های خود را ارائه دهند و پیش‌بینی برند، بایانه‌های خود را به هیأت مدیره پیشنهاد دهند و در حوزه تخصصی کار خود هیأت مدیره را از راه‌مندی‌ها و انتقادها بهره‌مند سازند.

بگذارید برای روشن شدن مثالی بزنم. گروه‌های زیر را تصور کنید؛ مترجمان کتاب‌های علمی، ریاضتارشان، نویسندگان قصه‌های علمی، تخیلی، شاعران شعر گروه‌های منتقدان، روزنامه‌نگاران و با ناشر، رهبرستانی، کارآمده، اهل سنت، آفری زبان …و حتی گروه‌های دیگر مثل علاقه‌مندان به فوتبال، گل کوچیک، گوهتوری، دعای نوسل، سینما، موسیقی، تفسیر حافظ و… و یا افرادی که مایل هستند برای کمک به کتابخانه‌های روستایی، بچه‌های خیابانی، بیماران خاص یا زلزله‌زدگان فعالیت کنند یا به پاری نویسندگان جوان و یا پیشکوست‌یشتابند و یا برای امور رفاهی اهل قلم فعالیت کنند یا راهی برای چاپ آثارشان در داخل یا خارج بیابند … و همه و همه می‌توانند به‌طور رسمی در انجمن به فعالیت بپردازند. اعضا را از جلسات و برنامه‌های خود با خبر کنند و طرح‌ها و ایده‌های پیشنهادی خود را برای طرح در مجامع یا نهادهای فرهنگی کشور به هیأت مدیره ارائه دهند.

مسلماً این طرح ایده‌آل نیست، اما اگر دچار رودربایستی و تعارف و کم‌کاری نشود و گروه‌های مختلفی توسط اعضای مختلف با یکدیگر، راهی است برای مشارکت یافتن سالیق و دیدگاه‌های متفاوت، راهی است برای ظهور یافتن کوچک‌ترین اقلیت‌ها و راهی است برای خودمان.

نقد

حرف‌های یک روح

جلیله جان‌فریان

اصلاً در قالب و چارچوب داستان کوتاه یا بلند کودک و نوجوان نمی‌گنجد و چه‌جا بایدآوردی هم درود. عنوان داستان دوم فشنگترین ماهی فرمولست، به عنوان داستان اول که حرف‌های یک روح نام دارد از جلیلیت و بار هنری بیشتری برخوردار است عنوان داستان اول تمام‌مضمون داستان‌های رومی‌دهدو هیچ‌کایه و استعراهای در آن وجود ندارد ولی در داستان دوم ماهی که نامذروح پاک جای گرفته و به آن معنا و مفهومی پیش از معنی مجرد به آن می‌دهد. ضمن اینکه انگیزه داشتن موضوع داستان را در خواننده، بیشتر می‌کند. و علاوه داستان دربارهٔ خاریده کوچیک‌مردی است که به هفت‌تنشخص از کشتی‌گردی کانون به شغل فانیان موان محذری روزه و این مسأله باعث اختلافات با همسر و خانواده همسرش شده و سرانجام درگیری به نتیجه می‌رسد که پدری‌رگه به وسیله پسر مرد و توهن خودش به نوهی دستگیری دانش از درحین را تکاب مجرم برنامه‌ریزی می‌کند مرد به یک سال زندان محکوم می‌شود و داستان زمان بازگشت مرد و همراش پسر کوچیک خاریده را به نمایش می‌گذارد که از برخورد پدرش با او بی‌گراگ است و سرانجام پدر، باهم و محبت پسر را پذیرا می‌شود به نظر می‌رسد



روایت داستانی را کمی پیچیده تر جلوه می‌دهد، اشاره به سازه و سیمپلهای ملموس و زیبا مثل ماهی، مستحضر در اثر دانش گوی داستان، روح و فرود عنصر انتظار روی هم رفته داستان دوم را قابل فرود و ژرف‌اندیش از داستان اول می‌کند. اگرچه نباید از نظر دور داشت که اشتکالاتی نیز در این داستان مشاهده می‌شود.

تهانتخاب شخصی به نام مجید پسر دوازده ساله ماهی بازگویی حوادث، این داستان در عرصهٔ ادبیات کودک و نوجوان قرار نمی‌دهد. زیرا در نمایهٔ این ماهی‌ساعت معضل اعتیاد و فانیان مواد مخدر است. اگرچه تر کش‌های مرگبار آن به خانوادهٔ شخص معذاب آسیب‌های بی‌مران‌ناپذیری وارد می‌کند. لکن مسألهٔ اساسی و اصلی کودک در سن و سال مجید نیست بلکه مسألهٔ مسألهٔ نویسندهٔ داستان است. جلیله‌چیز نقش تینیک یک کودک به زبان کودک را داراست و به احساسات مغایرت و روح لطف یک کودک، به عبرت دیگر ما کودک نمایی راه جلی مجید می‌بینم که نوع مریسک گردانی او را نویسنده به دست دارد.

در مجموع اگرچه وادع اشتراکات کودک و نوجوان این دو داستان را چاپ کرده ولی نه به‌طور عقلی و نه ظاهری این دو داستان در قالب و چارچوب داستان کودک نوجوان نمی‌گنجد.

کشایش فرهنگسرای دختران

فرهنگسرای دختران‌نشته شهر شهروماه در نخستین جشن دختران، کشایش یافت. این جشن به مناسبت کشایش فرهنگسرای دختران در منطقه ۹ شهرداری تهران و افتتاح نیامیگانهٔ اخصاصی کتاب و بازارچه آثار هنری دختران و با حضور نویسندگان کتاب اگیرنده، دختران و با همت انتشارات سروش، سازمان ملل جوانان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران در مرکز آفرینش‌های هنری برگزار شد.



درباره برگزاری این جشن گفت: «همه کارها ده روزه انجام شد، از سفرارش کارهای تبلیغاتی و چاپی گرفته تا محتوای برنامه‌ها و بستن کارها و حتی جمع شدن پنج سازمان کنار هم و توافقات بین آنها.سازنده در پاسخ به این سؤال که آیا بازم چنین مراسمی برگزار خواهد شد، گفت: «خوشبختانه تنها با خریدن دو نگاه‌زنده مدیریت سروش به تعریف روابط عمومی می‌توانیم برنامه‌های زندگی‌مانند جشن دختران برگزار کنیم و در واقع تغییر تعریف روابط عمومی و نگاه مدیریت و همچنین فعال سازی ترویجی انسانی غیر اداری، به ما اجازه برگزاری چنین برنامه‌هایی را داده است.»

جهت الله نصیری مدیر فرهنگی منطقه ۹ شهرداری تهران نیز هدف از برپایی این جشن را گوید: «ماشته ایم میزاد باسعادت حضورت زهره(ا.س)» ایجاد زمینه لازم جهت بهره‌گیری از تجارب صاحبان نظران و هنرمندان و نیز آشنایی با نویسندگان عنوان کرد. گفتی است در این جشن نویسندگان به همراه دخترانشان حضور داشتند و در غرفه‌های مخصوص خودشان با حاضران گفت‌وگو کردند.

گزارش

نغمه خلیل‌بیگی

نگاه ماتبعیض رامی سازد

نخست فرهنگی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان با موضوع جنسیت در ادبیات کودک و نوجوان، با حضور دو نماینده از مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا (آموزش‌های برابر) شادی صدر به عنوان حقوق‌دان و تسی چند از نویسندگان کودک و نوجوان در محل انجمن برگزار شد.

در ابتدا مصوبه انصاریان مسؤزل جلسه ، هدف از نشست انجمن را اینگونه عنوان کرد، اما بنظر ما بایدبه تبعیض جنسی آشنا هستیم؟ فکر می‌کنیم بایدبه‌ای قرون وسطایی است یا شکل عوض کرده ولی همچنان وجود دارد؟ هدف انجمن این است که ما به عنوان نویسنده و روشنفکر رفتار خودمان را بسنجیم؟

عذلیلی از مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا در شرح خدمات مؤسسه بیان داشت: ما از سال ۱۳۷۰ کار خودمان را آغاز کردیم و برنامه زیر آموزش پیش‌دبستانی هستیم. در ابتدا هدف اصلی ما این کتاب‌های مرجع برای مهدکودک‌ها بود، اما در طی کار هدف‌ها گسترده‌تر شدند تا جایی‌که اکنون گروه‌ها و انجمن‌هایی در شهرستان‌های مختلف داریم؟

وی افزود: اجاب کتاب و نشریه نامه مرئی، بررسی یک هفته‌ای راه نامه کودک و نوجوان است که ۲، مجلات کودکان و نوجوانان، نشست با نویسندگان کودکان و نوجوانان و کارگردانان از عهده فعالیت‌های مؤسسه بوده است.

بازگویی دیگر نماینده مؤسسه آموزش‌های برابر افزود: «ما حق نداریم فرصت‌ها را از یک گروه یا انسان‌ها به‌صرف دیگران بگیریم. هدف ما این است که بگیریم دختر‌ها یا پسر‌ها برابرند چون مسلم است که بین دو جنس تفاوت وجود دارد ولی تفاوت نباید به امتیاز دادن یک گروه و دیگری شود.»

شادی صدر مدیر سخنران جلسه تفاوت جنس و جنسیت را مطرح کرد و گفت: «طبیعی است که ما دو جنس متفاوتیم. اما تفاوت‌های مرد و زن باعث نمی‌شود که در رفتار تبعیض آمیز بین بریزیم بلکه در تمرور زمان و عوامل اجتماعی و فرهنگی که اتفاق می‌افتد، ما دختر یا پسر می‌شویم.»

وی افزود: «ما چارچوب‌ها و کلیشه‌هایی برای زن و مرد داریم. تعریف‌هایی برای دختر و پسر ایده‌آل. اینگونه تربیت‌ها سبب بروز استعدادهایی می‌شود که در مورد دخترها اتفاق نمی‌افتد.»

در ادامه بحث سید علی کاشفی خوانساری نویسنده و منتقد در پاسخ گفت: «ما توجه به نگاه تاریخی و سیستماتیک تلقی‌ای از زن و مرد وجود داشته که امروز به آن نظام کلیشه می‌گویند. به دلیل تغییر مناسبات جهان و تغییر تمدن و فرهنگ بعد است که عیناً همان نظام و سیستم امروز توانمند به روند خود ادامه دهد. نکته قابل توجه این است که کسانی که در این اصول بازگویی می‌کنند باید متوجه باشند که نظام موجود را نمی‌می‌کنند ولی وظیفه دارند نظام کلمل و کاری را تعریف کنند. تنها تعریف نظام قبلی کافی نیست.»

کاره‌مادی عقیده داشت: «البدیشندان جامعه ما در پیدا کردن راهکار‌های رفع جنسیت باید به فرمول‌هایی برسد که زن و مرد در جایگاه واقعی خودشان قرار گیرند.»

جواد محقق، نویسنده، نیز عقیده داشت: «ما باید کلمه تبعیض را معنا کنیم. آیا هر تفاوتی تبعیض است؟ نوع نگاه ما است که تبعیض را به وجود می‌آورد.»

نشست جنسیت در ادبیات کودک و نوجوان با وجود تعداد بسیار کم حاضران و نظرات مختلف، پس از دو ساعت پایان یافت.

شماره ۷۹، شماره ۱۶ شهریور ۱۳۸۱ ۱۵

نقد
سید علیرضا میرعلی نژاد

هدف‌ها و نقش روشنگرانه تحقیق

هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، نگارش و تحقیق، محمد حسین خسرویانه، تهران، نشر پیام امروز، ۱۳۸۱، ۳۳۳ صفحه، مصور.

از مؤلف کتاب،

آقای خسرویانه، پیش از این مقالات مجتذانه‌ای درباره قیام افسران خراسان، در نشریه نگاه نوه خوانده بودم و با اینکه موضوع آن مقالات و کتاب حاضر در حوزه‌هاغه و تخصص نبود، روش تحقیق و نوع نگارش واقع‌گرا و عریان‌انگیزه‌بخش بود. همین حالا هم معتقدم که کتاب‌هایی از این دست، تنهاویژه متخصصان نیست بلکه به قول معروف «واجب القرائت» برای تمام علاقمندان حوزه تاریخ معاصر و وقایع جذاب و پراشوب آن است.

درباره موضوعی که مورد تحقیق و نگارش آقای خسرویانه در این کتاب بوده‌است، بیشتر مقالات و کتبر کتابی چاپ شده‌است. بخشی از تحقیقات مربوط به زن ایرانی در سده معاصر، در مراکز دانشگاهی خارج از کشور انجام گرفته که طبیعتاً دسترس به آنها برای مخاطبان پرشمار این آثار در ایران امکان‌پذیر نیست، اگرچه بسیاری از مطالب آنها از خود تاکنون، با به صورت نقل قول مستقیم و گاه به صورت غیر مستقیم بارانه مرجم و ماخذ در کتب و مقالات فارسی داخل ایران استفاده شده‌اند، بااین حال، به نظر کار چنان وسیع است که برای سال‌های سال، زمینه انگیزه لازم برای تحقیق را در اختیار پژوهشگران فی‌صالحیت قرار دهد.

به نوشته کتاب (ص ۹) آنچه در این اثر مورد بررسی قرار گرفته، ابعاد گوناگون مبارزه و هدف‌های سلطنت رسیدن رضاشاه... در این دوره، زنان میان‌های مختلف اجتماعی فراگیری رایج افکندند و فردی و اجتماعی‌اشان بنیاد آوردند که تا به امروز مداوم یافته و تکمیل شده‌است. خطوط کلی که فعالان حقوق زنان در دوره بیست ساله بین انقلاب مشروطه تا اوایل سلطنت رضاشاه دنبال می کردند، علی‌رغم ناپاره‌ای موفقیت‌های به دست آمده همچنان فعالیت دارد، به رغم اهمیت اساسی این دوره بیست ساله در تاریخ معاصر ایران و به طریق اولی در جنبش زنان ایرانی (مجادگو گوناگون فعالیت زنان و سیر تحولی آن نامشخص است.

با وجود گله و شکایت بحق نویسنده از کمبود و نقص آرا شیوها و اسناد و مدارک، و فور مراجع در این کتاب چشمگیر است و نشان از زحمت پیکر و تلاش آشکار ایشان دارد. کتاب در پنج فصل، یک اپی گفتار، و یک فهرست دوازده قسمتی اختصاصاً نوشته شده و با عنایت به روش درست پژوهش و پرهیز از آنچه که بین اهل قلم به آن اصطلاحاً «آب و انشای اضافی» می‌گویند، متنی قابل اعتماد و متج معرره عکس‌های زیبا و گویا ارائه کرده است. اگرچه نقص جبران‌پذیر کتاب (در چاپ‌های بعدی آن شاه‌الله)بیز به چشم می‌آید و آن فقدان نمایه دقیق و مفصل برای راهنمایی پژوهشگران است. کتاب با کیفیت مرغوب چاپ شده و برگ ممتازی است برای ناشران آن آقای ع. حق‌پر روستا و ج. مرادی) در نشر پیام امروز که در نشر این آثار معتبر کن‌گوا هستند. به امید موفقیت در انتشار کتاب‌هایی این چنین که نقشی روشنگرانه در مسیر تحقیق دارند.

گفت‌وگو و یاد
ارتکب آریا

گفت‌وگو با بهاره رهنما در یک فضای خاص صورت گرفته است. دو کلاس زبان دخترش «به‌با» واقع در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در میان همیمه و فریاد کودکان زیر هفت‌ساله، گفت‌وگوی رودرویی انجام شد. دختر یک لحظه از مادرش جدا نمی‌شد و ما هم روی صندلی بچه‌ها و در کنار آنها صحبت کردیم. این فضای خاص، محتوای خاصی را طلب می‌کرد. در این گفت‌وگو با رهنما به گونه دیگری مواجه می‌شویم. از بهاره رهنما هم اکنون فیلم بان، عشق و موتور ۸۰۰۰ روی رویه است که تاکنون به عنوان پر فروش‌ترین فیلم سال معرفی شده است.

با دنیای کتاب چگونه ارتباط برقرار می‌کنید؟ در یکی، دو سال اخیر درگیر کتاب‌هایی هستم

● رهنما: یکی از تمرینات بازیگری‌ام خواندن رمان است چون می‌توانم جای همه شخصیت‌ها بازی کنم

که برای ادامه تحصیل ضروری است. به نظرم یک مقدار تک بعدی هستند ولی مجبور بودم آنها را مطالعه کنم. از یک طرف مجبور بودم برای گرفتن پروانه وکالت، کتاب‌های حقوقی بخوانم و از سوی دیگر برای شرکت در کنکور کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی باید درس‌های مربوط به تاریخ هنر را می‌خواندم، که البته برایم خیلی جالب بود. مثلاً کتاب تاریخ نمایش در ایران نوشته آقای یضایی به نظرم کتاب خیلی ارزشمندی بود. به همین دلیل الان نمی‌توانم بگویم که از یکی دو سال پیش آدم فعالی هستم! ولی با این وجود سطح مطالعه‌ام بالای حد متوسط است.

در چه رشته‌هایی تحصیل کرده‌اید؟

من لیسانس ادبیات فارسی و حقوق دارم. اخیراً هم در کنکور کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی شرکت کردم که فکر کنم قبول شوم و چندی پیش هم برای



گرفتن پروانه وکالت امتحان دادم. چرا رشته حقوق را انتخاب کردید؟ برای اینکه از یک جایی به بعد بازیگری و کار هنری من را رها شده است و دوست دارم به غیر از علاقه‌ام به یک حرفه‌ای دیگر که به همان اندازه‌ام در آن فعالیت، منش و استقلال داشته باشم. مشغول شوم. از سوی دیگر برایم بازیگری فضای خریبی دارد و گاهی اوقات فکر می‌کنم شاید از یک جایی دیگر نخواهم کار کنم. تا بر این رشته حقوق را انتخاب کرده هر چند که در آینده با سیستمی بی‌ربط به نظر می‌رسد ولی به توبه خود کار بخدایم است.

بیشتر کدام یکی از مسائل حقوقی را دنبال می‌کنید؟ اخیراً برای اینکه امتحان بمرانه وکالت را دادم، بیشتر مسایل حقوقی ایران را مطالعه کرده‌ام. البته بیشتر مسایل حقوقی ایران را مطالعه کرده‌ام. البته

شما آقای جعفر مدرس صادقی را می‌شناسید؟
بله اصلاً من با ایشان کار می‌کنم.
در چه زمینه‌ای با ایشان همکاری داشتی؟
در زمینه داستان‌نویسی، یعنی ایشان محبت می‌کردند و داستان‌هایی را می‌خواندند.

پس نویسنده هم هستید؟

می‌خندد) نه زیاد، هنوز تازه کاریم.

فصل‌نویاری نوشته‌هایان را به چاپ برسانید؟
چرا. خیلی دوست دارم ولی یک مشکلی وجود دارد. دلم نمی‌خواهد کار نوشتن در سایه بازیگری قرار بگیرد. حتی من یک دوره کلاس فیلمنامه‌نویسی را گذارنده‌ام. یعنی چیزی معادل کارشناسی ارشد ولی برای ارائه فیلمنامه‌هایی مشکل دارم. چون بازیگری در ایران کار پر سایه‌ای است و هر فعالیت هنری غیر از بازیگری داشته باشم، تحت تأثیر بازیگری قرار می‌گیرد. حتی همسر آقای یضایی سابق بازیگری با اینکه ایشان فیلمنامه‌نویس هستند ولی بیشتر اوقات او را به عنوان آقای رهنما می‌شناسند. بنابراین اگر روزی بخوام نوشته‌هایم را چاپ کنم، مایلم با اسم دیگری این کار را انجام دهم. چون آتماً قضاة اهمیت مسائلش در حد شغل‌های دیگر است ولی به چشم افراد، غریبه به نظر می‌آید.

در مورد آقای مدرس صادقی باید بگویم که ایشان لیسانس ادبیات فارسی و حقوق دارند. فکر می‌کنم در زمینه کتاب‌های حقوقی هم از ایشان کمک بخواهی کار جالبی خواهد شد.

بله. به نظرم حرف جالبی زده‌اید. چون دوست دارم دوباره با ایشان کار کنم.
چقدر رمان مطالعه می‌کنید؟
«رمان» خیلی دوست دارم. شاید باورتان نشود، یکی از تمرینات بازیگری‌ام خواندن رمان است. چون می‌توانم جای همه شخصیت‌ها بازی کنم. مهم مردان، چون دیگر جنبش مطرح نیست بلکه مهم اندیشه است. من این عادت را از بچگی داشتم.

فکر کن از معدود زن‌هایی باشد که خواندن را جای شخصیت مردان می‌گذاردید؟

می‌خندد) درست است. نمی‌دانم که گفتن آن

گفت‌وگو با بهاره رهنما بازیگر «شان، عشق ... و موتور ۸۰۰۰»

کتاب، عشق و... دنیای عجیب و غریب

در مصاحبه خوب باشد یا نه. مثلاً در «بیار هستی» (میلان کوندرا) شخصیت آن دکتر را دوست دارم و به نظر خیلی هنجارگریز و عجیب و غریب است یا تکسین شرکت نفت اغلب کتاب‌های اسماعیل فصیح و یا شخصیت زن کتاب «شاه کایده» آقای مدرس صادقی.

به کارهای طنز علاقه‌مند هستید؟

خیلی زیاد. پیش از بازی در شان، عشق...، موتور ۱۰۰۰ آقای ناسم جلی کتاب کارلوتا را عشق زن را به من داد و با خوانم و این کتاب در بازی خیلی به من کمک کرد.

پس کتاب‌های ابراهیم نوری را خوانده‌ای؟
بله. منتها رمان طنز به عنوان یک اثری که قابل ارجاع باشد. در ادبیات فارسی معاصر ما کم است. به هر حال طنز یکی از ژانرهای مورد علاقه‌ام است.

بالاخره نویسنده‌ای را دنبال می‌کنید یا نه؟
خیلی دوست دارم ولی می‌دانید که دنیای برتشی است مخصوصاً که من یک فرزند دارم. بعضی اوقات فکر می‌کنم اگر بخوام همه کارهای مورد علاقه‌ام را انجام بدهم خدا باید چند تا عمر به من بدهد! ولی نوشتن و مخصوصاً شعر گفتن به من آرامش می‌دهد.

پس شعر هم می‌گویید؟

بله. برای خودم خواندن و نوشتن عادت است که از نوجوانی با من هست. مخصوصاً در خانواده‌ای زندگی می‌کنم که اهل کتاب هستند مخصوصاً پدرم. از طرف دیگر هم خواهر و برادرانم از من بزرگ‌تر هستند و آنها خیلی به من کمک کردند و با شاد دایم‌ام و به همین دلیل مثلاً آثار ابراهیم نوری را با همی در دوران نوجوانی خوانده‌ام. ولی منتها اولاً حق را ظاهراً و می‌شنند اصلاً باور نمی‌کنم. چنانچه دانشمغولی‌هایی داشته باشم. به نظر شما این طور نیست؟ خوشبختانه به خاطر حوازم یاد گرفته‌ام که از روی ظاهر نیست به آدم‌ها قضاوت کنتم!

آیا به خاطر علاقه‌ات به شاملو اسم دخترت را «به‌با» گذاشتی؟

من شاملو را خیلی دوست دارم. به طوری که پیش از به‌با، قرار بود اسمش را «آیداه» بگذارم. چون به نظرم «آیداه» به نوعی لیلی زلمه ماست و یک معشوقی است که در شرح معاصر ما زیباتر از تصویر نشده است. ولی بعد از آن به یاد به‌با افتادم. چون هم می‌توانم حرف فارسی است و هم پریا در شعر شاملو به معنای پری‌های که از آب بیرون آمده‌اند.

راستی کتاب جنس صعیف را خوانده‌اید؟
بله. آن کتاب خیلی جالب است. من این کتاب را در سن پانین خوانده‌ام ولی خیلی چیزهایی را نفهمیدم و فقط خط فکری گرفته‌ام ولی الان که راجع به آن فکر می‌کنم می‌بینم که چه کار عجیب و غریبی بوده البته من نمی‌دانم خاتم فلاچی زنده است یا نه؟ چرا زنده است و جدیداً آبی نوشته که بحث انگیز بود.

البته من این کتاب را نتخوانده‌ام.
هنوز ترجمه نشده! با توجه به علاقه‌ات به فلاچی، روزنامه نگاری روزنامه نگاران ایرانی چیست؟
روزنامه نگاری خیلی شغل جالبی است و من به آن هم خیلی علاقه‌مند شدم.

شما از معدود بازیگرانی در ایران هستید که به روزنامه نگاران علاقه‌مند هستید! سؤال آخرم به کتاب *موزده علاقه‌تان بر می‌گردد.*

کتاب مجیدیم. شاهزده کجولوه است.
ترجمه آقای قاضی با شاملو و با جدیداً آقای نجفی (ابوالحسن)!
نمی‌دانم آن نسخه قدیمی را دارم. من لاندتم که شاملو هم کتاب را ترجمه کرده است. دوست دارم ترجمه ایشان را حتماً بخوانم!



یادداشت

حمید باباوند

سیاست های دور و نزدیک



حدود یک سال قبل بود که بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس نشر خبری را بر سر هم که به جای ترسید فریاد بود و پاسخ عزیزان بنیاد در برابر پرسش کنندگان از وضعیت عزیزان جمله بوده یکی از بزرگان انبیا را به سیاست گذاری در امور فرهنگی قنای مقدمان توصیه کرده اند.

در همان وقت پارها در گفت و گوهای دوستانه با عزیزان بنیاد این پرسش مطرح شد که آیا توصیه آن بزرگ به معنی ویران یک حجره به مفیداست؟
و آیا در کار نشر بدون حضور موثر و فعال می توان سیاست گذاری کرد؟
معمولاً دوستان پاسخی برای این قبیل پرسش ها ندارند.

گمراهی یک سال بعد از این ماجرا، بنیاد نشریه ظرفیت باپداری اباد منتشر کرده است.خیلی دوست داشتم بدانم که این نشریه یا کدام سیاست از سیاست های بنیادین تعلق دارد.

آنچه به نظرم می رسد این است که مسئولان بنیاد دچار نوعی چندگانگی در تصمیم هایشان شده اند. اول این که حمایت از چاپ کتاب های بسیار ضعیف و کتاب های نه چندان نوبی مسئولان بنیاد را به تبدیل نظر در تصمیماتشان واداشته است.
دیگری این که عزیزان هنوز نقاط ضعف را شناسایی نکرده اند و همچنان با آزمون و خطا راه پائی مانده را طی می کنند.

سوم این که انتشار دو جنگ باپداری کاری تحمیلی است و عزیزان بنیاد بی حرکت زاده رانسانی سیاست های جدید نمی دانند.

تصورات دیگری هم می توان داشت اما نتیجه چندان غلطی نخواهد داشت. بنیاد برای واختم به سیاست گذاری در بخش فرهنگ کارهای مفید و ماندگار، انتشاراتی اش را تعطیل کرده است و عوضی به کارهای بسیار روزگنگار و ناپایدار رو آورده است.
انتشار نشریه در ذات خود امری سستبیده و مبارک است، اما چنان با سیاست های جدید مورد ادعای عزیزان بنیاد منسجحت نگردد.

کتاب‌کتاب

چکمه سیاه

مجید ملکان، مرکز استاد انقلاب اسلامی، ۲۰۰۰، نسخه، ۱۱۶ صفحه، ۲۵۰ تومان
این کتاب هجدهمین کتاب از مجموعه دانشتت های انقلاب اسلامی برای جوانان است که حضور سازمان اطلاعات آمریکا در ایران را از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۵۷ مورد بررسی قرار داده است.حجم کم، قطع کوچک و قلم روانی که در خدمت اطلاعات مفید این مجموعه درآمده، اثری قابل خواندن را برای جوانان فراهم کرده است.

مسافر صبح

به کوشش: شوری شمر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، ناشر: نخلستان، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۲۰ صفحه، ۴۸۰ تومان

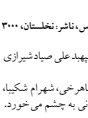
در این مجموعه ۵۵ شعر از ۳۶ شاعر و شاعر و درباره شهید علی صیاد شیرازی آمده است.

در میان شاعران این مجموعه نام آروسی چون محمود شاهرخی، شهرام شکیبا، عبدالجبار کاکایی، مصطفی محمدتنتی خراسانی و مشفق کاشانی به چشم می خورد.

پرواز در مه

سیدحسین هاشمی، ناشر: نثار، ۲۰۰۰، نسخه، ۶۶ صفحه، ۳۰۰، ریال
این کتاب مجموعه ۵ داستان به نام های سقوط، بمباران، نسل آخر، فرود در آتش و تعاونی است.

سه داستان این مجموعه با موضوعاتی از خلبانان شکل گرفته است، یک داستان درباره منافقان و دیگری نیز درباره اسارت است.



به همت دفتر ادبیات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران، دومین همایش سوختگان وصل در راه است. این همایش به لحاظ ابعاد برگزاری آن فاصله زیادی با همایش پیشین دارد. دبیری این همایش همچون سال های گذشته بر عهده مسئول دفتر ادبیات و هنر نهاد صید حدادیان است.

اولین همایش سوختگان وصل یا یاد شهدای شیمیایی برگزار شد و دومین همایش یاد آور خاطرات شهدای متخصص خواهد بود. اگر همایش سال گذشته تنها پذیرای شاعران بود، امسال نویسندگان و عکاسان هم به جمع میهمانان این همایش خواهند پیوست. آقای حدادیان در ابتدا بفرمایید کدام انگیزه باعث گذرش کار به چهار بخش شعر، خاطره، داستان و عکس شد؟ از ابتدای کار بنای ما بر گذرش کمی و کیفی این همایش بود اما امکانات اجازه نمی داد که در ابتدای راه حرکنشان را به گونه ای دیگر آغاز کنیم. از طرف دیگر مایه‌ی زی‌ساخت های دیگری را نیز آماده می کردیم تا بتوانیم حرکنشان را به رشته های مختلف هنری نسری بدهیم. خدارا شکر از ابتدای سال ۸۱ موفق شدیم که کارگاه نویسندگی را نیز علاوه بر کارگاه شعری که از سال پیش آغاز شده بوده راه اندازی کنیم. خود این افراد نیروی بالقوه‌ای هستند برای همایش ما چه در کار اجرایی و چه در کار تولیدی.

در بخش عکس هم پس از آغاز همکاری برخی عکاسان با دفتر احساس کردیم که دل استعداد و نیرو در میان عکاسان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای برای چنین همایشی وجود دارد.

پس با این حساب ما باید آماده باشیم که سال آینده این همایش داشته‌ای بیشتری را در بر بگیرد؟ امیدواریم که این اتفاق بیفتد. چون یکی از مشکلات سر راه این کار انتخاب موضوعاتی است که نسل سوم بتواند با آن ارتباط برقرار کند. شاید لازم باشد که همین این مطلب را بگویم که پیشتر، شرکت کنندگان ما در همایش پیشین، جوانانی بودند که جنگ، در جبهه تجربه نکرده بودند. موضوع جایزانه شیمیایی برای آنان قابل درک بود و جاناکتر از آرام بومی توانستند با مراسم به

وقت ویژه

ج ۲

گفت و گو با سعید حدادیان دبیر همایش

به پیشواز دومین همایش سوختگان وصل



یکی از میزبانان های محل نگهداری این عزیزان، فضای موضوع قرار بگیرد. شهدای تخصصی هم همین طرز ریز اعلامه بر بر نامه های مختلف نظریاتی شایع دیگر شهدا که هر از چندی صورت می گیر دبرای رسیدن به این فضا کفایت می کند.

به هر صورت ما در این موضوع سال آینده و امکانات ماقابلیت گذرش بیشتر را داشته‌ایم. همایش فاصدک‌های سوخته با همایش ننگ‌داشت جایزانه شیمیایی چه تفاوت‌هایی دارد؟ اول از همه اینکه تبلیغات مافزایش پیدا کرده است.

دیگر این که بچه‌های آمادگی بیشتری دارند. سوم اینکه فرصت بیشتری برای اجرای همایش امسال داشته‌ایم. چهارم اینکه آثار بیشتری به دست ما رسیده است. همایش ننگ‌داشت جایزانه شیمیایی همایش خوبی بود. به قضاوت غالب شرکت کنندگان و نظران فکر می کنم درباره فاصدک‌های سوخته هم باید پس از اجرای همایش قضاوت قطعی را انجام دهیم.

خیلی خودمانی بگویم بد عنصر صداقت و تواضع اگر دست به دست بدهند نتیجه آن جدلیت خواهد بود و ما اگر در این کار مقدس خلوص نیت را قویت کنیم به یقین حاصل بیشتر از مجموعه استعداد و توانایی ما خواهیم بود.

گذرش کار با این شکل و در این ابعاد آیا با مشکلاتی همراه نبوده است؟
به خوب نکته‌ای اشاره کردید. البته بعضی از درد دل‌هایی از طرح در مقطوعات چندان مناسب نیست. اما همین قدر بگویم که کل بودجه دفتر ادبیات و هنر در سال بین یک تا دو میلیون تومان است که حتی تکلیف حقوق اساتید و شیرینی جلسات را هم نمی دهد. البته بلاش مناقصه بودجه‌های لازم را از نهاد دیگر مراکز فرهنگی فراهم می کنیم.

آثار برگزیده به چه شکلی منتشر خواهند شد؟

بر گزار می شود. البته تا گفته نگاد در بخش عکس نمایشگاهی در همان ایام ترتیب داده خواهد شد. به امید خدا آثار برگزیده بخش شعر، عکس و خاطره و

یادداشت

طهرضا ایرانشهر

رنج و امید انسان فراسوی مرزهاست

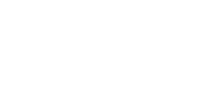
یک نویسنده پرداخت؟ کدام حیار قادر است میزان خلوص و صداقت یک نویسنده را بسنجد؟ آیا جزو اثری که آفریده است راهی برای شناخت آنچه

می گوید وجود دارد؟ پس چرا به جای آنکه به نقد و سنجش کار نویسنده بپردازید، زندگی نامه و پیشینه اش را نقد می کنید؟ اگر کسی می گوید او ضا

ریسی؟ بهترین رمان جنگی معاصر را آفریده است شما باید بد نشان دادن کاری بهتر از آن خلافتش را ثابت کنید. اینکه نویسنده پیشتر کجا کار می کرده است و بد کجا رفته هیچ ربطی به ادبیات ندارد و مگر نویسنده ملک شخصی این یا آن سازمان است؟ و به راستی چه حسرتی می خواهد که چنین استانداردها، ارزش و علائقت او را مهر و شماره زد؟

نمی دانم چرا هنوز مثل کوری در شهر بنیابان گمان می کنم حرمت انسان امری مقدس است. استفاده از واژگانی چون «چریدن» و «برواز شدن» و به قلاب انداختن» درباره یک نویسنده هنوز برایم حریت آور است. زیرا فراموش نگردم که هزمد باقتل یک انسان است و درباغ آنجا که قلم را همچون چاقویی به کار می برند.

نخلستان شماره ۷۹، ششپه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱



داستان در سه کتاب مجزاشتر خواهد شد.

کتاب اولین همایش سوختگان وصل یا **خابری چند ماهه منتشر شد** آیا این سه کتاب هم، چنین وضعیتی پیدا خواهند کرد؟

مناقضه مشکلات مختلفی باعث این تأخیر شد که به‌لحاظ ما درباره کتاب های فاصدک‌های سوخته سعی و تلاطمان بر این است که هر سه کتاب را همزمان با نشست های همایش منتشر کنیم.

در پایان اگر حرف خاصی بقی مانده است، آماده شنیدن هستیم
حرف خاصی که نه اما اولین همایش با استقبال چشمگیر قشر جوان مواجه شد. انتشار بسیار خوبی به دستمان رسید. کتاب همایش هم وجود دارد. اهل نظر می توانند روی آن قضاوت کنند. اما متأسفانه رسانه‌ها پیشتر مناسبی را که بتواند همه این ویژگی‌ها را به علاوه سندان غلب در همایش منتقل کند، ندارند.

امیدوارم فاصدک‌های سوخته از این منظر هم موفق‌تر از گذشته باشد. البته این موفقیت تنها توفیقی است در راه برزگداشت عزیزانی که حق‌های زیادی در گردن ما دارند.

زندگی

و آنان که سزکند و باور ندارند و لبه آیین الهی نمی‌گردند، [به تو] می‌گویند: «تو فرستاده لی خدا[یستی]». بگو: «بیان من و شما برای اثبات راستی و درستی ادهای من کافی است که خداوند گواه باشد و آن که دانش کتاب [آسمانی] نزد اوست

قرآن کریم، سوره رعد (۳۳) آیه ۳۳ فرستاده تو ترجمان خودتوست، و نوشته‌ات رساترین سخنگوی تو. امام علی (ع) فرموده میزان الحکمه، حدیث ۵۳۱۵ به نقل از نهج البلاغه، حکمت ۳۸

دانشگاه

تاریخ‌نویسی و داستان‌نگاری مذهبی، نکته‌ها و چالش‌ها-۱۲

داستان تخیلی دینی

سید علی محمد رفیعی

در داستان تخیلی دینی از شخصیت‌های واقعی تاریخ دین استفاده نمی‌شود یا اگر بشود، خواننده چنین نمی‌پندارد که داستانی واقعی را می‌خواند. هدف داستان‌نویسی تخیلی دینی، انتقال پیام و روح دین و مفاهیم دینی به خواننده است حتی اگر هیچ یک از آموزه‌ها و نام‌ها یا شخصیت‌های دینی در طول داستان، حضوری از خود نشان ندهند.

زیوسنده داستان تخیلی دینی در هر زمینه‌ای که کار می‌کند باید در همان زمینه حاوی اطلاعاتی کامل و جامع از همان چیزهایی باشد که دانشن آثار برای تاریخ‌نگاران دینی یا فردودین شناس ضروری است. این اطلاعات را می‌تواند از تاریخ‌نگاران یا دین‌شناسان بگیرد یا خود به پژوهش دست بزند. در هر صورت این بدیهی است که معلم چیزی باید خوددینش و پیش از آن، تعلیم‌نامه به اضماع و زوایای درس آگاه باشد.

اهمیت این شرط از آن روست که انتقال روح و پیام دین و مفاهیم دینی مستلزم آگاهی از روح و پیام دین و مفاهیم دینی است و این نیز مستلزم آشنایی از آموزه‌های دینی و تاریخ دین است. اگر هر کدام از این اطلاعات و آگاهی‌های دینی و تاریخی درست نباشند، نتیجه و رسداری درست در اختیار شخص استنتاجگر نخواهد نهاد.

باری پیش از این و در آغاز این سلسله مقالات از اهمیت این شیوه نگارش سخن، به میان آمد و گفتیم که داستان‌نویسی تخیلی دینی تا چه حد می‌تواند بی‌بغیر مستقیم برای دین باشد و تا چه اندازه این توانایی را دارد که روح دین و دیدگری‌ای و گرایش به مفاهیم و آموزه‌های دینی را در خواننده تحویت کندو ایمان دینی و باور مذهبی را در چشم و دل او برآورد.

خبر

درگذشت مؤلف و شارح پرکار

آیت‌الله سید محمدجواد ذهنی نهرانی، از استادان حوزه علمیه قم پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت.

او مؤلف و شارح کتاب‌هایی بسیار در رشته‌های مختلف علوم اسلامی است و دانش‌جویان و طلاب علوم دینی، او را بیشتر با شرح فارسی کتاب‌های درسی سطح همچون الفروحه البییه و کتاب‌های اصول می‌شناسند که از کتب درسی در فقه و اصول فقه ائمه، اولی تألیف زین‌الدین بن علی معروف به شهیدثانی و دومی تألیف مرعی نامبر او اویل قرن سیزدهم قمری، اخوند ملا محمد کاظم خراسانی.

پیر خادم قرآن مخدوم ملایک شد

پیشترین هدیه او کتاب بود

حاج مهدی شکوه‌نده از پیشکوتان آموزش و تفسیر قرآن در اصفهان درگذشت. وی که دو فرزند و دو داماد خود را در جبهه‌های جنگ تحمیلی از دست داده بود، در جلسات قرآن خود علاوه بر تفسیر و تلاوت، اخلاق و اصول مقابله را به جوانان و دیگر گروه‌های جامعه می‌آموخت.

او در ترویج درس قرآن در استان اصفهان سهم بسزایی دار و کلیخانه تخصصی کتب علوم قرآنی وی هزاران مجله آثار ارزنده را در خویش جا داده است.

وی همیشه چندین کتاب مفید و سازنده به همراه داشت و دربر خود با جوانان، بهترین هدیه او کتاب بود.

حاج مهدی شکوه‌نده در پی سالها تلاش در عرصه‌های قرآنی، به عنوان خادم برگزیده قرآن شناخته شد.

تذکره ۱۳۸۸، شماره ۷۹، شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱

تذکره و کور

بارضاسماعیلی به بهانه انتشار مجموعه شعر «بانوی آیینه و آب»

شعر یعنی رستخیز واژه‌ها



یکی از اعانی دلنده ابادی شعر، نظری روستایی دارم. کاهی که اندوه بر عالم خیمه می‌زند، زیر سایه‌سار حیات کشد و با دوه و نظری می‌ششم و شش و با بائی لک دینی، غریبه، می‌بازم. کاهی بی‌جا حیره در ده، در کفک منوی می‌خوانم و زمانی به جرعه‌ای قرآن، نشنگی روح را فرمی‌نشانم. رضاسماعیلی متولد ۱۳۲۹ تهران دارای لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبائی است. مجرم سرخ شش‌پا نامه، آینه و سنگ و گزیده ادبیات معاصر (مجله ۴) اولین قطعه‌های شعری است که تاکنون از او چاپ و منتشر شده است. «بی‌نامه و» «گزیده ادبیات معاصر» به چاپ دوم نیز رسیده‌اند.

مجموعه شعر «عق، لقمه، نعل، حادوی اشعار شاعران معاصر» با موضوع دفاع مقدس است که اسماعیلی با همکاری دفتر سگوری گردآوری کرده است. هفتمین آئینه و آب، نام سیدضیاءالدین قزوینی است که از شهروزار چاپش آن شعر گزیده این کتاب به بر دارنده اشعار قاضی شاعران معاصر است که امسال همزمان با ایام ولادت آن حضرت از سوی مؤسسه فرهنگی حضرت فاطمه زهرا(س) چاپ و منتشر شد. اسماعیلی در حوزه نشر دو کتاب با عنوان «صد کلام، صد خاطره» و «تا سپیدم» را کار کرده است که اولی به روزنامه صد کلام و صد خاطره و نام خمینی را، او دومی ۱۳ داستان کوتاه از نویسندگان غیر حرفه‌ای و دانشجویست که درباره سیره عملی امام علی(ع) نوشته شده است.

چه تعریفی از شعر در ذهن دارید؟

رازه تعریفی جامع و مانع از شعر، کار دشواری است. چرا که شعر مرودی این جهانی نیست و پیش از آن که بازمی‌نست نشانه باشد، آسان‌نشان ندارد. شیوه آینه روح شاعر و ایام حضرت کریم است.

لازم‌ترین شعر فرآهنگی می‌گوید: «خستین بیت یک شعر الهی است از جانب خداو من معتقدم که تمام ادبیات دیگر یک شعر با الهی است از جانب او، چرا که در ابتدا کلمه، او در کلمه نژد خدا بود و کلمه خدا بود.

باین حال من تعریف دکتر شفیعی کدکنی را پیش از سایر تعریف قبول دارم. معتقدم که شعر گر بخوردگی عاطفه و تخلیل است که در زبانی آشکن شکل گرفته باشد و این هم تعریف دیگری از شعر؛

شعری که ایفک اتفاق ساده نیست

شعر در قالب گاهن، نغمه زندگی است

شعری که کنار مهر بیبایی‌ها

شعری که خوب من لایله کنار عشق زینست

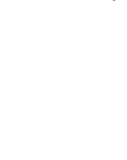
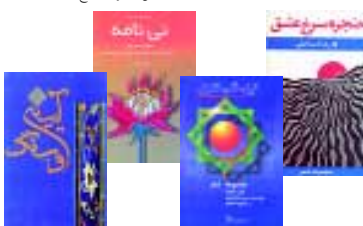
شعری که ستیز و واژه‌های ناگهان

شعر آری ازین ایفک اتفاق ساده نیست.

آیا شعر را هنری ملزم می‌شناسید؟ اگر آری، حدود این التزام را چگونه ارزیابی و تعیین می‌کنید؟

کنیم صداییه که مایه‌بیه شعر ادبیات نهمه عنوان یک دفتر، بلکه به عنوان نوعی رسالت اجتماعی نگاه کنیم. چنان‌که روایتد جلال‌آل احمد در کتاب زبیری نشانده می‌گوید:

لاکرمی خواهی باشم سخن کنی، لاکرمی خواهی



۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۷

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳

۱۱۴

۱۱۵

۱۱۶

۱۱۷

۱۱۸

۱۱۹

۱۲۰

۱۲۱

۱۲۲

۱۲۳

۱۲۴

۱۲۵

۱۲۶

۱۲۷

۱۲۸

۱۲۹

۱۳۰

۱۳۱

۱۳۲

۱۳۳

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

۱۳۸

۱۳۹

۱۴۰

۱۴۱

۱۴۲

۱۴۳

۱۴۴

۱۴۵

۱۴۶

۱۴۷

۱۴۸

۱۴۹

۱۵۰

۱۵۱

۱۵۲

۱۵۳

۱۵۴

۱۵۵

۱۵۶

۱۵۷

۱۵۸

۱۵۹

۱۶۰

۱۶۱

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

۱۶۵

۱۶۶

۱۶۷

۱۶۸

۱۶۹

۱۷۰

۱۷۱

۱۷۲

۱۷۳

۱۷۴

۱۷۵

۱۷۶

۱۷۷

۱۷۸

۱۷۹

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

۱۸۳

۱۸۴

۱۸۵

۱۸۶

۱۸۷

۱۸۸

۱۸۹

۱۹۰

۱۹۱

۱۹۲

۱۹۳

۱۹۴

۱۹۵

۱۹۶

۱۹۷

۱۹۸

۱۹۹

۲۰۰

۲۰۱

۲۰۲

۲۰۳

۲۰۴

۲۰۵

۲۰۶

۲۰۷

دکتر عبدالحسین آذرنگ در نشست علمی

دانشنامه‌نگاری در ایران و منافع و مصالح علمی- فرهنگی

عبدالحسین آذرنگ (نویسنده و پژوهشگر مسائل کتاب و نشر)

دکتر عبدالحسین آذرنگ در نشست علمی

روزانه تغییر می‌دهند و اصلاح می‌کنند و دانشنامه کارکنان در شبکه اینترنت یکی از آنها انتشار دانشنامه‌های کاغذی که به محض تکمیل شدن گاه باید از سر نوشته و ساختار داده شوند، به توجیه اقتصادی و فنی مقاعد کنده‌ای نیاز دارد، آن هم در جامعه امروز ایران که کار رایانه‌ها و شبکه‌ها در مقایسه با بسیاری از کشورهای پهلاداره‌ای در حال پیشرفت است که توجه نکردن به امکانات آن، می‌تواند از واپس ماندگی وی بی‌اطلاهی توجیه‌ناپذیری در مدیریت‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و ساختارهای دانشنامه‌های داخلی حکایت کند. در ضمن با توجه به تحولاتی که در روش‌های دستیابی، گردآوری و سازماندهی اطلاعات رخ داده است، شیوه تألیف مقاله‌های دانشنامه‌ای هم تغییر کرده و بر ساختار دانشنامه‌های همگانی و تخصصی تأثیر گذارده است.

روزگاری هر اطلاعی که به دست می‌آمد، غنیمت تلقی و در دانشنامه گنج‌نهایی می‌شد، اما حالا هر اطلاعی دیگر غنیمت قلمداد نمی‌شود و باید به اضافه سایر اطلاعاتی در بحث انتقال اطلاعات جدی‌تر از گذشته مدنظر است و امروزه دیگر اطلاع کم ارتباط و کم فایده را به مخاطب منتقل نمی‌کنند. دانشنامه‌های الکترونیکی، در مقایسه با دانشنامه‌های پستی-به‌صفت دیگر اختصار در انتقال مستودین و ضروری‌ترین اطلاعات میل کرده و شیوه‌های کوتاه‌نویسی، اما گویایی، همراه با امکان دستیابی همزمان به مطالب مرتبط، زمان، نیرو و سرمایه‌های کم برای انتشار دانشنامه در حجم‌های مختلف لازم است. پایه دانشنامه‌های قابل قبولی که در جهان منتشر شده‌است و به کارآمدی، مدیریت، صحت برنامه‌ریزی و درستی روش عملی آنها اطمینان وجود دارد، قابل محاسبه است، این واقعیت را حتماً باید در نظر داشت که دانشنامه‌ها از پرخرج‌ترین گونه‌های کتاب مرجع است، پس از اطلس مجموعه نقشه، کمتر کتاب مرجعی ممکن است به اندازه دانشنامه سرمایه‌طلبید.

میانگین زمان، نیرو و سرمایه‌های کم برای انتشار دانشنامه در حجم‌های مختلف لازم است. پایه دانشنامه‌های قابل قبولی که در جهان منتشر شده‌است و به کارآمدی، مدیریت، صحت برنامه‌ریزی و درستی روش عملی آنها اطمینان وجود دارد، قابل محاسبه است، این واقعیت را حتماً باید در نظر داشت که دانشنامه‌ها از پرخرج‌ترین گونه‌های کتاب مرجع است، پس از اطلس مجموعه نقشه، کمتر کتاب مرجعی ممکن است به اندازه دانشنامه سرمایه‌طلبید. مجموعه تخصص‌هایی که در تدوین دانشنامه‌ها به کار گرفته می‌شود، نیز بسیار متنوع و گسترده است. گاه جمع عظیمی از متخصصان واپدیدسبج گردان دانشنامه موقتی تدوین شده و منتشر شود. گاه برای تألیف مجلدی ۵۰۰ صفحه‌ای ممکن است که اکنون بیش از ۲۰۰۰ تن با تخصص‌های داخلی همگاری دارند و حدود یک سوم این رقم را استان‌های دانشگاه، پژوهشگران و متخصصان زمینه‌های مختلف تشکیل می‌دهند. اهل اقتصاد فرهنگ و اقتصاد پژوهش خوب می‌دانند که ارزش اقتصادی و علمی کار پژوهش چرسته‌ترین تخصص‌ها کشور آینده، چه قدر است. آبیانامین کردن هزینه ۱۰۰ دانشنامه کاغذی، فراهم ساختن نیروی انسانی لازم، اداره انتشار، تبلیغ، عرضه، توزیع، فروش و کاربردهای نهایی آموزش پژوهشی، فرهنگ‌ها، از دیدگاه منابع ملی و عمومی و مصالح علمی، فرهنگی و پژوهشی سخته‌است. کدام کتاب مناسبه مقاعد کنده نشان داده که در اوضاع مختلف کشور توسعه‌یافته ۱۰۰ دانشنامه ۱۰۰۰ یا حتی ۱۰۰۰۰ کتابمستنداً آبیانامینت گوناگون این مطلب - برای کشور لازم است؟ اساس تصمیمی راهبردی برای (اسرائیل، کانادا، آمریکا) و غیره تخصصی نمی‌تواند دفاؤ کند؛ آیا علمت‌های بیجان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، مابرایه‌گوشش به قطار سرتگ و به باطن کم‌فایده‌نگنکشت، آبیانامینت‌های پنهان به دانش و دستاوردهای بزرگ، که یکی از آنها انتشار دانشنامه‌های چندین مجلدی است. انگیزه اصلی حمایت‌های دولتی از دانشنامه‌فانیست؟ اگر آنگاه شود

عامل‌های مادی، نیز مدیریت علمی، سرپرستی دقیق، هدف‌های روشن و روش‌های مستجده شرط بقا و موفقیت آنهاست؛ و در همه جای جهان چنین است و منحصر به مانیست. ویرایش دوم دانشنامه اسلام، که انتشار آن از دهه ۱۹۴۰ در هلند و با همکاری شماری از چرسته‌ترین اسلام‌شناسان در کشورهای مختلف جهان آغاز شده بود، به نازکی تکمیل گردید. دانشنامه ایرانیکا که با همکاری شماری درخور توجه از ایران‌شناسان و متخصصان حوزه‌های مختلف علمی از حدود ۲۰ سال پیش در آمریکا آغاز به انتشار کرد، هنوز به نیمه راه نرسیده است. دایرةالمعارف فارسی، که بخش‌ها، نخستین دانشنامه همگانی فارسی، که بخش بیشتر آن ترجمه است، پس از حدود ۲۰ سال و از سرگذراندن ماجراهای عبرت‌آموز تاریخی، به نازکی در سه مجلد تکمیل شد، و حالا که مجموعه کامل آن در دست است، به عنوان یکی از معتبرترین منابع مرجع در زبان فارسی، که به سرعت باید روزآمد و بخش‌هایی از آن یکسره و از نو نوشته شود، وجدان علمی جامعه را به ضرورت صرف کردن سرمایه‌ای مادی و مابهای علمی در این راه فرامی‌خواند.

کتاب‌های مرجع به منزله اثر زیرساختی در عرصه علم و فرهنگ، به سان زیرساخت‌هایی چون راه‌آه، سد و نیروگاه در پهنه اقتصاد و صنعت، طرح، برنامه، راهبرد، اجرا، نظارت و مراقبت و نگهداری دقیق می‌خواهد.



●شمار دانشنامه دایرةالمعارف‌هایی که در کشور اعلام موجودیت کرده و در دست تدوین و انتشاراند، از مرز ۷۰گذشت

هیچ زیرساختی تعطیل بردار نیست؛ زیرساخت‌ها عموماً مجموعه‌های دایر و فعالی است که محصول، نتیجه و اثر آنها علم، فعالیت، سبب بقا و موجب انگیزه فعالیت‌های دیگر است. اصولاً زیرساخت‌ها، به منظور تأمین هدف‌های دیگر یا تسهیل کار آنها طراحی می‌شود. زیرساخت در مفهوم عام و فرهنگ‌گرا، اثری است که به محقق آنکه پایان پذیرد، علم و فرهنگ‌گرا، اثری است روزآمدی و نوسازی آن باید آغاز شود، آن هم بر مضرر انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، که نه تنها مستحق زیرساخت‌ها، بلکه صورت‌تاک آنها هم مستحق و دگرگونی‌ها و تحولات شناختاک است. برای مثال، دانشنامه، در عصر روابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی، صورت‌تاک مستحق و حتی کاربردهای دیگری دارد. دانشنامه‌های پیام و نیزنگ، یکی پس از دیگری اعلام می‌کنند که می‌توان صورت‌تاک‌ها را نیز توسعه داد. درحالات جغرافیایی را از پایگاههای خاص آنها گرفت و بسیاری از دستاور و چهره‌های بنام، پایگاههای مخصوص خود را دارند، برای کسانی که پیش از این به پایگاههای رایانه‌ای دسترسی می‌یابند. دانشنامه‌ها کاربردها پستی خود را از دست می‌دهند. در شرایطی که دشواری از دست‌های علمی مرجع دیگر از طریق شبکه‌ها در دسترس اند و اطلاعات خود را حتی

در ماه گذشته (مرداد ۱۳۸۱) شمار دانشنامه (دایرةالمعارف‌هایی که در کشور اعلام موجودیت کرده و در دست تدوین و انتشارند، از مرز ۷۰گذشت. کسانی که با جزئیات فنی دانشنامه‌نگاری آشنا هستند می‌دانند که دانشنامه واقعی دانشنامه‌نگاری است آشنا باشد بر بنیادهای علمی. فنی صحیح دانشنامه‌نگاری انتشار باید، چه قدر کار، نیرو، سرمایه و زمان می‌برد. گویی ایران، پس از آنکه سالیان سال از کشورهای همسای انتشار باید، به قدر کار، نیرو، سرمایه و زمان می‌برد. اوایل حتی یک عنوان دانشنامه همگانی کاملی نداشت، اما ناگهان تصمیم گرفته است این عقب‌ماندگی را با کام‌هایی شتابان و شاید هم عجولانه، آن هم بیشتر با تدوین و انتشار دانشنامه‌های تخصصی، جبران کند. به عنوان مثال بیشتر این دانشنامه‌ها، با دست کم شماری از آنها، به انگلی بودجه عمومی یا برخوردار می‌از کمک‌ها و یارانه‌های دولتی مستتر می‌شود و مردمی که مالیات می‌پردازند، از نیز تخصصیاتی که یوزده در حوزه اقتصاد فرهنگ، اقتصاد پژوهش و سیاست‌های فرهنگی و پژوهشی مسائل را پی می‌گیرند، حق دارند بدانند که آیا این تعداد دانشنامه زاده یاری طبیعی و پرورده رشد فرهنگی است و کشور باید هزینه‌های آنها را تأمین کند یا آیا میان شمار دانشنامه‌ها و شمار سایر انواع کتاب‌های مرجع و فعالیت‌های پژوهشی تناسبی برخوردار است یا نه.

اگر دانشنامه‌ها را بخش خصوصی سازمان‌یابد و هزینه‌های آنها را خود تأمین کند، شاید پرشن‌های بالا فوریت یا حتی ضرورتی نداشته باشد، چه بخش خصوصی برای فعالیت‌هایش حساب و کتاب دارد، اما وقتی نهادی دولتی که پژوهش در شمار وظیفه‌های اصلی آن است، وظیفه پژوهشی خود را در قالب دانشنامه‌نگاری تعریف می‌کند و سرمایه‌هنگفت، زمان طلایی و بخشی از نیروهای کارآمد خود را در راه تدوین کتاب مرجعی با سرمایه‌ها یا شاید هم بی‌سرمایه به کار می‌گیرد، هر صاحب‌حقی می‌تواند پرسد که آیا در مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های علمی، فرهنگی و پژوهشی کشور، منابع ملی و عمومی و مصالح علمی - فرهنگی، پژوهشی در عرصه دانشنامه‌نگاری اصولی مدنظر قرار می‌گیرد یا نه.

همین اوایل از سه دهه دانشنامه جدیدی با خیر شده که هر یک بودجه نسبتاً هنگفتی از نهاد‌های دولتی در خواست کرده‌اند. ارزیابی طرح نخستین این دانشنامه‌ها و رسیدگی به توجیه دلایل انتشار آنها از آنکار شدن خطاهای فنی فراوانی که در تعریف‌ها، نقلی‌ها، روش‌ها و برآوردهای آنها دیده شده و بی‌اطلاهی آنکار از اصول دانشنامه‌نگاری، این پرسش را به میان آورد که اگر طرح این گونه دانشنامه‌ها در مجامع پارلی صلاحت و از سوی دانش‌انسان بررسی نشود و رای علمی - فنی سنایی تصمیم‌گیری نباشد، آیا این خطر وجود ندارد که پاینده‌های قارچ‌وار به قیمت نامی که تعصیب عداوتی و نانی که در کسبه برخی می‌کند، بخشی از سرمایه و توان کشور را ببلعد، و بر فعالیت‌های کتاب‌نویزانه و از بنیبه‌گوشش‌های حقیقی تکابند؟ بیم از آنها، خود انگیزه‌ای است ناموضوع با وجدان هشیار جامعه و با کسانی که آنگاه‌ها به مسئولانه می‌اندیشند و خوب می‌دانند که در اوضاع واحوال گرفتار کمیود و نتکار و ضیق وقت، چکار نه باید امکانات محدود را در راه رسیدن به آرمان‌ها هدف‌های نامحدود و صرف کرد، صریح‌تر فر بیان گذارده شود.

دانشنامه‌ها، به سان گونه‌های دیگر کتاب‌های مرجع، زمان، سرمایه‌بر و نیروبر است و گذشته از

۱۳۸۱ **شماره ۷۹،** **ششپه ۱۶** **شهریور ۱۳۸۱** **۲۰**



که دانشنامه‌های معتبر و مشهور جهان در شرایطی تدوین و انتشار یافته‌اند که زیرساخت‌های پژوهشی و اطلاعاتی آنها ساخته شده و موجود بوده است، بازم سیاست‌گویی در زمینه دانشنامه‌نگاری به همین روال ادامه خواهد یافت؟ برای پاسخ گفتن به این پرسش‌ها، شاید بدینسان که نخست به چند اصل بیانی توجه شود.

در اقتصاد سالم پژوهش، منابع مرجع آثار زیرساختی است و هر اثر زیرساختی بر آثار دیگر تأثیر می‌گذارد. اثر زیرساختی، به سان نیروگاه برق، مراکز تولیدی دیگر را به کار می‌گذارد، ضمن اینکه به مصرف هم پاسخ می‌گوید. کتاب مرجع موقت، زیرساخت آموزش و پژوهش است و بر بنیادهای راستین پژوهشی واقع بینانه و ارتباط ضروری با فعالیت‌های دیگر شکل می‌گیرد.

طراحی زیرساخت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و راهبرددیسی‌هاست. تصمیم‌دیزره انتشار آثار راهبردی بدون شرایط و مراحل راهبردی، نتیجه‌ناپذیر خواهد بود. رانخواهد گذارد پژوهش و انتشار هم می‌تواند به مصرف نظر دانشنامه‌ها، زمانی ضروری می‌شود که ابیانشت و ترکم اطلاعات در موضوع یا حوزه‌ای با حدی می‌رسد که بازشناسی و بازیابی اطلاعات در میان ابیود اطلاعات به سادگی میسر نباشد. برای مثال، اگر کسی در ایران درباره شیوه‌های تربیت معلمان به تفصیلهنگی تدوین و منتشر کند، کار بر حاصلی نکرده است. درباره هر موضوعی نخست از همه، انتشار منابع پایه لازم است و معرفی و ترویج دانش و فن آوری آن، پس از آنکه محض منابع پایه جایفتد و آموزش، پژوهش و کاربرد آن آغاز شود، تک‌نگاشته‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌های انتشار باید، حجم اطلاعات به درجه‌ای می‌رسد که ضرورت سرعت و سهولت بازشناسی و بازیابی اطلاعات، آنگاه ایجاد می‌کند که منابع مرجع ضروری باید پایه‌ای این پرسش که کدام گونه از منابع مرجع در اولویت تدوین و انتشار قرار گیرد، به عامل‌های مختلفی بستگی دارد. اگر کسی بخواهد در حوزه‌ای که حتی یک نگاشت درباره آن منتشر نشده و یک پژوهش در خصوص آن انجام نگرفته است منبع مرجع منتشر کند؛ یا اصول و مبادی کار را نمی‌دانند، یا از فعالیت‌های روش و پژوهش علمی بی‌خبر است یا مقصد دیگری را دنبال می‌کند که چند و چون آن دست کم بر مانا شناخت نیست.

مقاله‌های دانشنامه‌ای اصولاً متکی به یافته‌های مقاله‌های پژوهش (تحقیق) بررسی (مطالعه) مدارک موت و داده‌های معتبر است. اصولاً نگارش هر گونه مطلب علمی، به تعبیلی و به هر قصدی، متکی به ایناست. اگر یافته‌های پژوهش و بررسی و اطلاعات و داده‌های متکی به سند موجود نباشد، از آن رو که اصل، بررسی و سند داری را دکت است. اثری که در پژوهش، خود باید محصول اینها باشد، نمی‌تواند محرک اینها باشد و ولو آنکه به ضرورت، تألیف دشواری مقاله بدون منبع دانشنامه‌ای پژوهش و بررسی هم صورت بگیرد، اگر شمار مقاله‌ها در موضوع‌های پژوهش بررسی‌شده، بسیار باشد، طبعاً دانشنامه‌ها نیز پژوهش بررسی است و بالطبع ساختار و کارکردهای آن هم تغییر می‌کند، اما به فرض که بخشی یا همه دانشنامه بر پایه پژوهش بررسی آماده شود، سازمان دانشنامه به سازمان پژوهشی تبدیل نمی‌شود و هیچ گونه تسهیلات دانشنامه‌ای نمی‌تواند جایز و کارهای پژوهشی را بگیرد. در واقع روند تبدیل شدن پژوهشگر به دانشنامه نگار، موافق هنجار است. اما روند تبدیل کردن دانشنامه نگار به پژوهشگر، بهنجار نیست. دانشنامه‌نگاران بزرگ در واقع پژوهشگران بزرگی هستند که دانشنامه‌نگاری



● روند تبدیل شدن پژوهشگر به دانشنامه نگار، موافق هنجار است، اما روند تبدیل کردن دانشنامه نگار به پژوهشگر، بینجام نیست

اول و مرحله آغازین پژوهش است، نه پایانه آخر سفر، جایی است که رهسپار وادی پژوهش نخستین نقشه راه، نخستین رهنمود و نخستین اطلاعات را بر می گرد تا سفر خود را آغاز کند. منزل آخر سفر پژوهشی نیست، باراندازی نیست که محموله های پژوهشی را در آن خالی کنند؛ گونه ای سمینار (بازپاشی) است نه سمپوزیوم (جشن خرمن)؛ شب بدرقه علم جوست، نه روز استقبال از عالم. محدود کردن دانشنامه ها و دانشنامه نگاران به نقش اصلی خود، که این نقش در جای خود بسیار سوزمند و با اهمیت هم هست و ارزش آن بر کسی پوشیده نیست، به جامعه کمک می کند از حلقه معانی و مقاصد پرهیزد و به تعریف های دقیق روی بیورد و مرزهای دقیق میان مفاهیم وارد دست بنشاند و درست نگاه دارد.

در این میان سیاست های پارانه ای وزارت ارشاد در تکتیک دانشنامه های بی پرپا را نباید از نظر دور داشت. گرایش این سیاست ها می توانست به سمت تقویت زیرساخت های باشد که محصول نهایی آنها به تقویت بنیه انتشار انواع کتاب ها کمک کند. سؤال اول سیاست های پارانه ای اگر به تفاوت منزل

هم می کنند. اما از راه دانشنامه نگاری نمی توان پژوهشگر بزرگ تربیت کرد و هر چه دامنه موضوعی دانشنامه گسترده تر و متنوع تر باشد، امکان این تبدیل کمتر و گستره است.

در جامعه ای که دانشگاهها و پژوهشگاهها از وظیفه اصلی حقیقی خود منحرف شوند، پژوهش از وظیفه اصلی دانشگاهیان دور گردد و بنیه پژوهشگاهها ضعیف و برنامه های منظم پژوهشی ناسنواور شود، هیچ نهاد دیگری و به هیچ طبعی و تدبیر دیگری نمی تواند وظیفه های آنها را انجام دهد. حادی آنها را بگیرد یا اهمیت واقعی آنها را کم قدر کند. اگر در اوضاع و احوال خاصی و بنا به دلایلی و مقتضایی، ساختار دانشنامه ها به سمتی سوق داده شد که امروزه جدید یا خاصی از «آکادمی» آنسینکلوپدی» (پژوهشگاه، دانشنامه) پدید آمد و گمان رفت که چنین امیزه ای می تواند خلأ پژوهشی را پر کند، یا به گونه ای به کمبود آن پاسخ بگوید، نباید این وضعیت گذرا را پایدار بنا داشت. مشکل پژوهش و کمبود گامتی یا پایه های پژوهشی فقط با پژوهش و سمیت گسترده و گسترش آن، با ساختن بدلی و تراشیدن نظیر، آن هم از گونه صوری آن، اگر پژوهشگاههای جامعه نهادهای فعال و زبایی باشند و پژوهشگران به وظیفه های اصلی خود مشغول شوند، همه گونه اطلاعات در قالب همه گونه گزارش پژوهشی منتشر خواهد شد و امکان انتشار همه گونه منابع مرجع پدید خواهد آمد و دانشنامه ها هم فعال تر و پرمایه تر می شود. زنده کردن سرچشمه هاست که جریان به راه می اندازد و زوایع نهارها را به بار می نشاند.

حلقه معنا و مقصود دیگری که پیامدهای ناخواسته و ناموشایدی در دانشنامه نگاری به بار می آورد، تلقی و توقع درست از دانشنامه ها و القای آن به جامعه است. به یاد داشته باشیم که دانشنامه، منزل

اول و آخر پژوهش با دقت عنایت می کردند، بقیته با رشد قارچ وار دانشنامه واژه ها، فرهنگ واژه ها، دانشنامه ها و فرهنگ های کاتب و مرجع نمانایی که فقط با فرندهای فنی ساخته یا متورم شده اند، دامن نمی زدند. منافع ما در حفظ کردن ثروت ها و استعداد های ملی، بهره برداری مناسب از آنها و مصالح پژوهشی ما در حفظ کردن و تقویت بنیه پژوهشی کشور است. دوشن از توهم و سوداوری آوردن به واقعیت، ایجاد زیرساخت و پرهیز از هر اقدامی که در فعالیت های دیگر تأثیر گذار نباشد، از اصل های شناخته شده سیاست گذاری ها و طراحی از تدوین راهبردهاست.

دانشنامه های افراوان و متنوع، محصول فرایند صنعت و اقتصاد نشر بیرون است و نشر بیرون، نشری است غیر وابسته، مخاطب گرا و متکی به سهمی از درآمد مردم که صرف هزینه های فرهنگی می شود. اگر نشر غیر پارانه ای بتواند در زمینه انتشار کتاب های مرجع سرمایه گذاری کند و آثار معتبری را منتشر سازد و به فروش برساند، شاخص ها بی درنگ از بهبود در فعالیت های فرهنگی خبر خواهد داد. البته پیادست که در کشورهای جهان سوم نمی توان از بخش خصوصی توقع داشت هزینه های تکنیک تولید کتاب های مرجع را تأمین کند. پارانه دولتی در عرصه نشر این کشورها برای انتشار گونه های منابع ضروری است. اما این ضرورت بدان معنا نیست که به جای آن نوع کمکی که می تواند بنیه پژوهشی، علمی، فرهنگی و انشائی کشور را تقویت کند، از طرح های جنبشایی شود که حاصل آنها انتشار آثاری به طهر حجیم و عظیم و به باطن نهد و برنامه های پارانه ای را به سادگی می توان در مسیرهای هدایت کرد که به دوباره کاری

در زمینه های مشترک مجال دهد. پژوهش از نهاد سازی بی جا و ناکید بر ایجاد و گذر نشد فعالیت هایی که زیرساخت های مشترک دارند، از ویژگی های دیگر سیاست گذاری و برنامه ریزی دوراندیشه است. اگر سیاست پارانه ای، مثلا کتابخانه یا نهاد اطلاع رسانی ایجاد می کرد، از رویش کتابخانه ها، متعده اطلاع رسانی ناگرا آمد و در عین حال پر خرج جلوگیری می شد. زیرساخت بنیادین دانشنامه نگاری، پژوهش و کاربرد پژوهش در آموزش و فرهنگ گسترشی است. منفعت ملی و مصلحت پژوهشی ما در ایجاد زیرساخت های است که در نهایت به عرصه آموزش، پژوهش و فرهنگ کشور تحول به بار آورد. در وضعیت کنونی، برای بازگرداندن دانشنامه ها به جایگاههای اصلی شان، بدون تولید، طرح زمان اقدامات دیگری لازم است. اینها را می توان تحمل کرد و باید تحمل کرد. مشروط بر آنکه روند بهنجار کردن ساز و کارهای برنامه های هدفمند و زمانمند آغاز شود. منابع و مصالح ما در تحقق احاده همه وظیفه های دانشگاه به دانشگاه و همه مسؤلیت های پژوهشگاه به پژوهشگاه بر اساس اختیارات و امکانات ضروری است و نیز ایجاد زیرساخت های آموزشی و پژوهشی به منظور نیل به هدف های اصلی رشد و توسعه علمی، فرهنگی کشور. آنچه کشور حقیقتا بدان نیاز دارد، پژوهش واقعی، اطلاعات دقیق حاصل از پژوهش و بررسی و سازمان دادن اینها برای کاربردهای مناسب است. اگر توازن و تعادل میان اینها برقرار شود، جایگاه مناسب دانشنامه نگاری هم تعیین خواهد شد.

تهران- شهریور ۱۳۸۱

<p>فنگ شویی</p> <p>کتابخانه خلاصه شرح اصول فنگ شویی</p> <p>مؤلف: دکتر علی محمد باقری</p> <p>تیراژ: ۱۰۰۰</p> <p>قیمت: ۱۰۰۰۰</p>	<p>آرماندو، آه آرماندو</p> <p>مؤلف: دکتر علی محمد باقری</p> <p>تیراژ: ۱۰۰۰</p> <p>قیمت: ۱۰۰۰۰</p>	<p>روزنامه های فکاهی ایران</p> <p>مؤلف: دکتر علی محمد باقری</p> <p>تیراژ: ۱۰۰۰</p> <p>قیمت: ۱۰۰۰۰</p>	<p>فاطمه زهرا (س)</p> <p>مؤلف: دکتر علی محمد باقری</p> <p>تیراژ: ۱۰۰۰</p> <p>قیمت: ۱۰۰۰۰</p>
<p>بیماریهای شایع</p> <p>مؤلف: دکتر علی محمد باقری</p> <p>تیراژ: ۱۰۰۰</p> <p>قیمت: ۱۰۰۰۰</p>	<p>دستنامه اجرای بتن</p> <p>مؤلف: دکتر علی محمد باقری</p> <p>تیراژ: ۱۰۰۰</p> <p>قیمت: ۱۰۰۰۰</p>	<p>شوخی در محافل جدی</p> <p>مؤلف: دکتر علی محمد باقری</p> <p>تیراژ: ۱۰۰۰</p> <p>قیمت: ۱۰۰۰۰</p>	<p>بانوی خلیج</p> <p>مؤلف: دکتر علی محمد باقری</p> <p>تیراژ: ۱۰۰۰</p> <p>قیمت: ۱۰۰۰۰</p>

ناشران، مولفان و مترجمان محترم برای معرفی کتابهای خود می توانند با تلفن ۴۸۵۹۷ * ۲ تماس حاصل فرمایند

یادداشت

مجید آل ابراهیم

بازار علم از نگاه آمار

گاهی یک فهرست شامل چند نام و چندرقم اخبار اطلاعاتی را به شما ارائه می کند که در هیچ جای دیگری تولیدیه آن دسترس نداشته باشید. به عنوان مثال با مطالعه قیق آمار نامه‌های منتشر شده توسط سازمان‌های مختلف دولتی اطلاعات با ارزشی به دست می آید که هیچ گاه به صورت مستقیم و گزارش گزیده ارائه نمی شوند. نتایج بررسی آمارها، گاه مستقیم پیامی را می‌رساند و گاه ترکیب آن با نتایج آمارهای دیگر در برگزیده پیام‌های شما هدیه‌ی که در ظاهر ربطی به ماهیت آن آمار ندارند.

یکی از این فهرست‌های آماری که هر هفته به صورت ششمیه کتاب هفته منتشر می شود، بخش گزارش نشر است که به ارائه آمار کتاب‌های منتشر شده در هفته قبل می‌پردازد.

اطلاعات زیادی را مستقیماً می‌تواند از این بخش به دست آورد. چند کتاب با چه شمار گانی در هفته پیش منتشر شده است، این کتاب‌ها بوده به عنوان مثال تعداد عناوین کتاب‌های ادبی کودکان و نوجوانان و شمارگان آنها در قیاس با تعداد عناوین و شمارگان کتاب‌های مشابهی که برای بزرگسالان منتشر می‌شود، نکات جالبی را روشن می‌کند و با دقت بیشتر بر روی عناوین و نوست چاپ آنها باز هم پیشمان ذهن شما با واقعیت‌های بیشتری آشنا می‌شود. در این میان آمار کتاب‌های علمی و فنی که حوزه مورد علاقه نویسندگان این صفحه است نیز اطلاعات و واقعیت‌های زیادی را پیش چشم می‌آورد، بیایید نگاه کنیم.

برای مقایسه و مقایسه آمار کتاب‌های مختلف با هم اطلاعات دیگری را هم به دست خواهید آورد که بسیار جالب خواهد بود. به عنوان مثال تعداد عناوین کتاب‌های ادبی کودکان و نوجوانان و شمارگان آنها در قیاس با تعداد عناوین و شمارگان کتاب‌های مشابهی که برای بزرگسالان منتشر می‌شود، نکات جالبی را روشن می‌کند و با دقت بیشتر بر روی عناوین و نوست چاپ آنها باز هم پیشمان ذهن شما با واقعیت‌های بیشتری آشنا می‌شود. در این میان آمار کتاب‌های علمی و فنی که حوزه مورد علاقه نویسندگان این صفحه است نیز اطلاعات و واقعیت‌های زیادی را پیش چشم می‌آورد، بیایید نگاه کنیم. به یوست شماره ۷۲ کتاب هفته که اطلاعات کتاب‌های منتشره کشور را از ۸۷۳۵ تا ۸۷۳۱ نشان می‌دهد. از بین ۶۶ عنوان کتاب منتشر در حوزه علوم طبیعی و ریاضیات با شمارگان ۱۹۶۰۰ نسخه، ۱۸ عنوان با ۹۴۰۰ نسخه شمارگان جزو کتاب‌های درسی با کمک‌درسی مدارس پادشاهی هستند. یعنی از نظر تعداد عناوین ۷۰ درصد از نظر شمارگان ۸۰ درصد باز از نشر کتاب‌های این حوزه در آن هفته متعلق به اینگونه از کتاب‌ها بوده است. این وضعیت کاملاً عیب در هفته‌های قبل و بعد هم تکرار شده است، با نگاهی دقیق‌تر به فهرست اشاره شده می‌بینیم که درصد قابل توجهی از این کتاب‌ها مربوط به مجموعه سولات مختلف در دوره‌های مختلف تحصیلی است.

اینکه آیا تکب درسی با کمک‌درسی را می‌توان در حوزه کتاب‌های علمی آورد در حوزه کتاب‌های آموزشی بحث دیگری می‌طلبد ولی چیزی که موضوع این بحث است مقایسه آمار کتاب‌های علمی در قیاس با دیگر حوزه‌هاست. با یک نگاه کوتاه به این فهرست و حذف کتاب‌های درسی از آن سولات زیادی پیش می‌آید که پاسخ به آنها می‌تواند حداقل ذهن پرانم، بیزان و مسؤولان آموزشی را نسبت به وضعیت نشر کتاب‌های علمی روشن‌تر کند. سؤالی از قبل:

آمار کتاب‌های علمی عمومی (نه درسی و نه تخصصی) بیشتره در یک سال نمایانگر چیست؟
-حجم سرمایه‌گذاری نشر آن در این حوزه چقدر است؟
-چه تعداد از این کتاب‌ها از چاپ اول فراتر رفته‌اند؟
-به جز این پرسش‌ها، سؤال اساسی دیگری نیز در ذهن شکل می‌گیرد:

ما در حوزه نشر و همگانی کردن علم بر روی کدام سکو ایستاده‌ایم و آیا آنچه به ترتیب سبب جامعه و نیاز انکارناپذیر کشور به توسعه علمی، سکویی را که اشغال کرده‌ایم، متناسب با نیازها و آینده کشور ومان هست یا خیر؟

شناخت ساده بیماری‌ها

شناخت ساده بیماری‌ها ما با دانشی‌های پزشکی علاوه بر بیماری دهان و دندان، دکتر صدفیته خدمت، ۹۵۰ تهران

در بیماریاتی که آگاهی کافی از جوانب مختلف بیماری خود دارید، تحمل بیماری و عوارض و درمان آسان‌تر و راحت‌تر و همگاری آنها با پزشک و داند این‌تک تشخیص و بهتر است.

همین طور مهمترین راه مبارزه با بیماری‌ها پیشگیری از بروز آنهاست و لازمه پیشگیری آشنایی و شناخت کافی از بیماری است.

در کتاب حاضر روشی شده تا یکمطلب مهم و مفید در زمینه دندانپزشکی با بیانی ساده و دقیق به اختصار توضیح داده شود.

دندانپزشکی ۹۵۰ شماره ۷۹، ششپه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱ ۲۲

کتابخانه مرکزی واحد دانشگاه علوم تحقیقات پونک درای ۲۸ هزار عنوان کتاب لاتین در قفسه‌ها و ۲۰ هزار عنوان کتاب لاتین در انبار کتابخانه پیش از ۱۵ هزار عنوان کتاب فارسی، ۳۳۱ عنوان نشریات لاتین جاری و ۶۲۵۰ جلد نشریات آرشبو، ۱۳۰ عنوان نشریات فارسی، ۲ هزار عنوان پایان‌نامه‌های دانشکده علوم انسانی و ۴ دانشکده تابعه مکانیک، فنی ، مهندسی ، مهندسی پزشکی، صنایع غذایی و صنعت آزمایشات است.

در بخش دبیداری و شنیداری بانک‌های اطلاعاتی طبع شده شامل اطلاعات کنش‌آوری، IEEE شامل اطلاعات مهندسی و الکترونیک و ASM موجود دارد.

همچنین در مرکز اطلاع‌رسانی کتابخانه مرکزی واحد دانشگاه علوم تحقیقات پونک، بانک‌های اطلاعاتی شامل مقالات علمی که در همه نشریات داخلی کشور منتشر شده‌اند، موجود است که از آنها می‌توان درجمل استفاده کرد. اطلاعات موجود در کتابخانه شامل کتاب‌های فارسی و لاتین از دانشگاه‌های دولتی کتاب تهران و نشریات داخلی و نمایانگه‌های تخصصی کتاب تهیه شده که گروهی از کتاب‌های لاتین مورد نیاز در کتابخانه توسط سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی از نشریات خارجی خریداری می‌شوند.

شورای علمی کتابخانه‌های متشکل از اعضای هرات علمی واحد علوم تحقیقات، مدیر گروه‌های آموزشی، اساتاد و معاونت پژوهشی دانشگاه علوم انسانی بر منابع علمی کتابخانه نظارت دارند. از جمله هدفاتی که کتابداران ارائه می‌دهند آن است که دانشجویان کارشناسی از شد، ۲ مقاله و دانشجویان مقطع دکتر ۲۳ مقاله در طول دوران تحصیل خود می‌توانند به کتابخانه مرکزی واحد علوم تحقیقات پونک سفارش دهند.

دورنسی

ابراهیم خندان

فیزیک چیست؟

ترافیک سنگین خیابان انقلاب در ساعات اولیه شب باعث شد عصفی سواره تا میدان انقلاب رفتن را به تعاقب و بیخشم و قدم زدن و با اطمینان از اینکه کنایفروش شب زنده‌داری وجود ندارد که وسوسه خریدی را زنده کند، به ویرین‌های زلفانی شده در پس شبکه‌های فرقی نگاهي می‌کرد.

دیدان عنوانی آشنا مانند دیدار دوستی بود که گذر از آن سوی خیابان می‌بینی و دستي به عنوان سلام برای او نگاه می‌دهی در حالی که او با تو سواره هستی و فرصتی برای تشریح دوستی با معنایه ای نیست، از کتاب هم می‌گذری و معاضطرت که پیش می‌روی مطالبات تلخ و شیرین آشنایی است و امروز می‌توانی و هنر از یاد او خارج نشده‌ای که دوستی دیگری را با همان شرایط می‌بینی، گاهی هم عنوانی با طرح جلدی کنش‌آوری‌ات را تحریک می‌کند و از اینکه نمی‌توانی در دستش بگیری و آن را ورق بزنی و با آن آشنا شوی، کمی لغت می‌گیری و برای فردایی نامعلوم برایش شرط و نشان می‌کنی، چیزیهای زیادی می‌بینی که شبیه کتابند ولی از اینکه به آنها کتاب بگیری ناراحت می‌شوی و گاهی هم از یک عنوان کتاب چندین و چند شکل می‌بینی که در بهترین حالت ترجمه‌ای از یک اثرند یا مترجمان مختلف در حالت معمولی…

معاظرت که هر از چندگاهی به ویرین کنایفروشی‌ها نگاه می‌کنم و گاهی بجزاری کنایفروشی تصادف با موتورسواری یک‌هال، خودم را به کنایف می‌کنایم، چشمم به کتابی خیره می‌شود که چهره بهترین‌های بلواژ نشر در دوران محصلم بود. کتابی که شرح زندگی جلدش تصویر بزرگترین دانشمندان فیزیکدان قرن بیستم را به رخ می‌کشد و نویسنده‌اش خود دانشمند نام آشنا بود.
تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان امروزیه نوشته دکتر مهدی گنشنه که در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات امیرکبیر به بازار آمد، یکی از کتاب‌هایی بود که همیشه درک آن را برپایم آرزو بوده است و هر گاه که احساس می‌کنم که قدرت درک آن را پیدا کرده‌ام یا خواندنش به نفعی خود بیشتر واقع می‌شوم، اگر چه زبان کتاب آچنان پیچیده نیست که خواننده را خسته یا وحشت‌زده کند ولی ریاضتی شدید آن به معنایم فیزیک نوین از طرفی و نتایج فلسفی منتج از آن از سوی دیگر و سولات بی‌پایانی که در هر فحی پس از مطالعه، هر پیشی از کتاب به تجربه می‌آورد، باعث می‌شود که به کتاب به عنوان یک اثر جادویی نگاه کنم.

گفتنی است که در این کتابخانه با مشخص بودن موضوع، نام نویسنده، یا هر کلمه واژه دیگر مطلب علمی مورد نظر را می‌توان در شبکه اطلاعاتی داخلی دانشگاه علوم انسانی دانشگاه علوم تحقیقات جست‌وجو کرد.

همین طور از کتاب و مقالات و نشریات موجود در کتابخانه با پرداخت هزینه ۱۲ تومان برای هر صفحه یکی و از مطلب علمی Search شده



مراجعه کنندگان با پرداخت هزینه ۲۰ تومان پوینت گرفته می‌شود.

مراجعه کنندگان با ارائه معرفی‌نامه معتر از سازمان‌ها، دانشگاه‌ها یا کتابخانه‌های سراسر کشور می‌توانند یک یا دو کتاب به مدت ۱۵ تا ۲۰ روز از کتابخانه مرکزی علوم تحقیقات پونک امانت بگیرند که تعداد کتاب‌های امانت داده شده برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد ۳ جلد و دانشجویان مقطع دکتر ۴ جلد است.

چهره عضویت در کتابخانه مربوطه آن است دانشجویان واحد علوم تحقیقات با ارائه ۲ مقاله عکس، فیش بانکی ۲۰۰۰ تومان درجه دانشکده آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات پونک و کپی کارت دانشجویی در مدت زمان تحصیلی خود عضو این کتابخانه می‌شوند.

کتابخانه های تخصصی

آزاده سیدین

کتابخانه مرکزی و مرکز اطلاع‌رسانی واحد دانشگاه علوم تحقیقات پونک

کتابخانه می‌شود.

کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی معرفی شده در پونک، در میدان پونک، به طرف حصارک واقع است.

با این کتابخانه بشماره تلفن ۸۸۵۸۷۲ می‌توان تماس گرفت که نشانی اینترنتی ندارد.

نکات قابل ذکر درباره کتابخانه مرکزی علوم تحقیقات پونک اینکه:

- تاریخ ثبت اختراعات و اسنادها در منابع علمی وجود ندارد.
- چون این کتابخانه در دانشگاه علوم انسانی است پس برای دسترسی به منابع علمی آن علاوه بر ارائه معرفی‌نامه به مسؤولان کتابخانه باید از حراست دانشگاه مذکور نیز مجوز ورود گرفت.

به گفته کتابداران تعداد زیادی کتاب در انبار کتابخانه موجود است و به دلیل عدم استحکام ساختمان کتابخانه این کتاب‌ها در قفسه‌های مربوطه جایگزین نمی‌شوند.

با توجه به آنکه این کتابخانه دارای یکی از منابع علمی در مقایسه با کتابخانه‌های دانشگاهی آزاد و واحدهای مختلف علمی ولی دسترسی به منابع مورد نظر با توجه به مسیر طولانی و عدم وجود سرویس برای رفت و برگشت برای دانشجویان این دانشگاه مشکل ساز است.

با توجه به نیاز ویژه دانشجویان به منابع علمی کتابخانه ازبسی دانشگاه آزاد اسلامی که کتابداران منابع علمی هستند و این نکات ضروری شده هستند می‌توانند مطالب علمی مورد نیازشان از آن که در کتابخانه‌های دانشگاهی و سازمان‌های دولتی عیب می‌کند، این کتابخانه‌های دانشگاه خودشان تقاضا کنند؟

ابراهیم خندان

کتاب نه فلسفه را شرح می‌دهد و نه به آموزش فیزیک می‌پردازد ولی برای هر دو گروه علاقه‌مند به فیزیک با فلسفه مفید است. اینک برداشت‌های نویسنده درست است با غلط، چیزی نیست که در حوزه دانش نگارنده باشد ولی همین که در یک کتاب مجموع نظرات اندیشمندان مختلف جمع شده باشد و بتوانی بنگاه آنها را مطالعه کنی، چیزی است که آسان به دست نمی‌آید. اینک بیینی غول‌هایی همانند نیایشان دنیا را چگونه می‌دیدند و این غول‌هاگه چه تأثیری بر دنیای آن روز و آینده گذاشته است. بسیار عزیزان گرامی! البته اگر بپذیریم که این فلسفه‌ها و اندیژنولوژی‌ها هستند که جهان مادیون مارا تعریف می‌کنند وقتی که می‌خواهیم پس می‌خواهیم بدانم خلدیون چگونه این جهان را خلق کرده است. من به این بپذیرم که این بپذیرم با نظمی این عصر این آن عصر علاقه‌مند نیستم. من می‌خواهم بفهمم‌ها، اولو و بادام، بقیه جزئیات است،» با جنبه بی‌طرفی از فیزیک آشنا می‌شوم که بسیار دور از چیزی است که در ذهن از آن ساخته و پرداخته‌ایم.

نمی‌دانم تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان معاصر به چه چاپ چندم رسیده است، آیا بقایای همان چاپ اول است که بخت خود را یک بار دیگر در دنیای غربی برای فروش می‌آزماید یا چاپ دهم؟ و به هیچ وجه هم مایل نیستم که بدانم کتاب آرزوایم چندمین نوبت چاپ را یا به شمارگان تیریه کرده است. فقط امیدوارم کتابی که دستم در علم فیزیک دارد، چه دانشج باشد و چه دانشمند است، نگاهم به این کتاب را در برنامه خود داشته باشد اگر چه ممکن است که خاک نشسته بر جلدش دست آلوده کند ولی دوری بر آن می‌جوینم این آموزه که همین فیزیک که در ذهن آنها به صورت طبقه فیزیکی شده با سه پاسخ غلط و فقط و فقط یک پاسخ صحیح شده، فیزیک نیست، هر نیست، فقط فقط کلمدی است برای کنش‌وری در که معلوم نیست پشت آن خبر خواهد بود. فیزیک می‌تواند سرنوشت انسان را تغییر دهد. جهان‌بینی و اندیژنولوژی می‌تواند منتج شده از معنایم فیزیکی باشد و این چیزی است که کتاب به بعضی از اساتید فیزیک یادآوری می‌کند آنها هم به تریه خود فیزیک را فقط چند واحد درسی که معادل چند ساعت آموزشی است در نظر بگیرند.

بگذریم، بیایید با هم خاک از چهره اینگونه کتاب‌ها برداریم.

کتابخانه

صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران

شورای سرمدیبه: دکتر یوسف شکرخواه سید فرید قاسمی حمیدرضا اسلامی سید ابوالحسن مختاباد

مسئول دفتر تحریریه: آمنه عریکری تلقن تحریریه: ۸۸۴-۱۹۹

هیات تحریریه: رسول بادین،فرانک آرا حمید باباوند،شکر گلن بازخانه‌ای نگار پداری،لیلی پوراسکندر مریم جباری،زهر اراج محمدی همایون خوری، ابراهیم زرم آرا

مهارت‌شیدایان:سیدعلی‌محمدرفیعی محمدصادق‌نسی،فرزین شیرزادی مریم طاهری،محمدسایر محمدی،حمید هنر جو

عکس:

سپارش حبیب‌اللهی محمدرضادشتی،رضا خندکار **مدیر هنری:** بهروز مین صفت **مدیر فنی و صفحه‌آرا:** تقی رام **حروفچین:** متیرسرگلی، فرانزه نوروزی **تصحیح نیرسازات:** حبیبی **بندبند:** محمدجودی، محمدحاجیبی **هماهنگی:** آرش آذرنگ

سیاست‌ها و تحولات نشر کتاب ایران

بررسی می شود

سیاست‌ها و تحولات نشر کتاب ایران در حوزه بین‌المللی، در چهارمین نشست توسعه بین‌المللی نشر کتاب ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این نشست که دوازدهم آبان‌ماه سال جاری با حضور دانشران، مترجمان، نویسندگان، مسئولان و نگارهای ایمی شکل‌های نشر و سایر صاحبزنان حوزه نشر برگزار می‌شود، همزمان با دهمین دوره هفته کتاب و با هدف حضور موفق و پررنگ نویسندگان و نشرانی ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی برپا می‌شود.

بالا بودن میزان تکالیف

مانعای برای مطالعه

نتیجه یک تحقیق دانشجویی که بنازگی بر روی ۲۰۰ دانش‌آموز از استان‌های تهران، اصفهان و فارس انجام گرفته، نشان می‌دهد که ۴۱ درصد آنها بالا بودن

میزان تکالیف را عددترین مانع برای مطالعه می‌دانند.در این تحقیق که رونوشی از آن در اختیار ما قرار گرفته، دگر شده است که کودکان دوره ابتدایی به طور متوسط، روزانه ۳۸ دقیقه در طول سال تحصیلی مطالعه می‌کنند که این میزان درایام تابستان به ۴۶ دقیقه در طول روز افزایش می‌یابد اما سرانه مطالعه دانش‌آموزان در هر سه مقطع تحصیلی در طول سال به طور متوسط، روزانه ۴۱ دقیقه و درایام تابستان، ۵۵دقیقه است. بر اساس همین تحقیق، علیرغم نقش بنیادین خانواده در میزان علاقه‌مندی دانش‌آموزان به مطالعه، ۵ درصد از دانش‌آموزان ابتدایی و ۱۱ درصد از دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی و دبیرستان گفته‌اند که هیچ‌کدام از اعضای خانواده آنها مطالعه نمی‌کنند!

مجموعین ۲۰ درصد از دانش‌آموزان، کتاب‌های مورد علاقه خود را از طریق خرید کتاب تهیه می‌کنند.
افتتاح کتابخانه پروین اعتصامی
کتابخانه عمومی پروین اعتصامی هفته گذشته در

شهرستان پاکدشت افتتاح و آماده بهره‌برداری شد. این کتابخانه با زیربنایی بالغ بر ۵۵۰متر مربع، با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۲۵۰میلیون ریال، دارای دو قراوت خانه جداگانه به مساحت ۱۴۰متر و محزن کتاب با گنجایش ۱۵هزار جلد کتاب و کلاس‌های آموزشی است.

ارسال کتاب های برتر سال ۲۰۰۱ به ایران

دریافت آثار برتر منتشره در سال ۲۰۰۱ در سطح جهان برای شرکت در جایزه جهانی کتاب سال ج.ا.ا آماده دارد. ترجمه شاهکارهای ادب فارسی به زبان چینی از سوی رابرتی فرهنگي چاپ‌داران در چین برای شرکت در دهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال معرفی و ارسال شده است. این مجموعه شامل شاهنامه، شترتی، دیوان حافظ، گلستان و بوستان، ریاضات خیام و لشماره‌های مرکز ترجمه این مجموعه با همکاری استاد و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های فرهنگ ایران در دانشگاه پکن صورت گرفته است.

مدیر مسؤول : احمد مسجد جامعی		
مدیر امور اجرایی : محمد رضا قدیمی	مسئول توزیع : عزیزالله امرایی	عکس: سپارش حبیب‌اللهی
مسئول مالی : محمدحاکم‌داری قادی	گروه توزیع : نظیر شامری، علی‌نصیح مهدی‌صوری، امیرفرهانی، سیامک حسینی	محمدرضادشتی، رضا خندکار
مسئول آفرین : حجت‌الله زادلو	نظارت چاپ: محمود رضا طوعی	مدیر هنری: بهروز مین صفت
امور مالی: امیرشمس	لیتوگرافی، چاپ و توزیع: ایران‌چاپ	حروفچین: متیرسرگلی، فرانزه نوروزی
تلفن آگهی‌ها: ۲۰۴۸۵۷	نگار کتاب: قادر میرزایی	تصحیح نیرسازات: حبیبی
مسئول دفتر امور اجرایی: علانصافی	خدمات: علی‌محمدی، علی رحیمی	بندبند: محمدجودی، محمدحاجیبی
تلفن امور اجرایی: ۸۳۷۵۵۸		هماهنگی: آرش آذرنگ

نشانی: خیابان قائم مقام فرهانی، اول خیابان فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم، صندوق پستی: ۱۳۱۴۵۰۳۱۳
نشانی کتاب هفته‌در اینترنت: *http://www.ketabnl.org.ir / week book*

شماره ۷۹، شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱

کتاب ماه‌کلیات

پنجاه و پنجمین شماره کتاب ماه - کلیات، ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب منتشر شد.

مباحث نظری و بنیادی کتابداری، برنامه‌ریزی استراتژیک برای خدمات کتابخانه‌ای و اطلاعاتی،

حفاظت و نگهداری از مواد کتابخانه‌ای، دانشنامه فلسطین و ضرورت دنیای اسلام، کتاب - ناآلپی - عدالت، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان از جمله مطالب این شماره کتاب ماه - کلیات است.

نقد و بررسی کتاب، معرفی کتاب، اخبار فرهنگی و فهرست آثار منتشر شده در ماه گذشته را نیز در این نشریه می‌خوانید.

کتاب ماه علوم و فنون

تازه‌ترین شماره ماهنامه علوم و فنون ویژه سفر به ماهواره منتشر شد.

یادداشت ماه این شماره، به مناسبت روز جهانی جمعیت نوشته شده، اصول و روش‌های پیشرفته آماری از امیر سمعدی‌فر، چگونه لکت زبان را درمان کنیم از عاطفه داداشی، سفر به ماهواره از بهروز فتعی، چکیده روزنامه‌شنکی باثلی، باغ‌های معلق باغی، اخبار اینترنتی و گفت‌وگو با داریایی از جگر مطالب این شماره است.

اخبار کتاب، معرفی آثار تازه منتشر شده، فهرست کتاب‌های منتشر شده در فروردین و اردیبهشت و فهرست جدیدترین کتاب‌های منتشر شده در دنیا نیز در این شماره آمده است.

کتاب در رسانه‌ها

کتاب ماه هنر

چهلینم شماره ماهنامه تخصصی، ویژه هنر عامه منتشر شده است.

در تازه‌ترین شماره این نشریه دکتر ناصر تکمیل‌همایون «فران در فرهنگ عامه ایران» نوشته است، «گستره فرهنگ و فولکلور» عنوان مقاله‌ای از

محمود روح‌الامینی است که به نقد بررسی ترانه‌های محلی فارس می‌پردازد. گفت‌وگویی با صادق همایونی پیرامون مردم و ترانه‌های ملی، تأثیر تصوف بر شعائر عزاداری از علیرضا کاظمی فراگز، گفت‌وگویی با محمد احمدپناهی سماتنی در مورد «ترانه‌ها در شعر عامیانه» بخشی از مطالب این شماره نشریه هنر را تشکیل می‌دهد.

کتاب ماتاریخ و جغرافیا

آخرین شماره کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ماهنامه اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی تخصصی کتاب و روزآین منتشر شد. در تازه‌ترین شماره این نشریه پس از سخن دبیر، مقاله‌ای به قلم دکتر هاشم رحیب‌زاده استاد دانشگاه اوساکا ژاپن، در مورد آغاز تاریخ‌نگاری در ژاپن مقاله‌ای از عبدالرسول دهمیر لعل‌نیش عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز با عنوان «دوست‌پرست‌یک رویا» که تحلیلی تطبیقی از تاریخ ایران و ژاپن از آغاز تا قرن بیستم را در بر می‌گیرد، مقاله‌ای از یوشی فوسامه کی ایشیماسا ژاپنی، مباحثات ایران و ژاپن در دوره قاجار و...

از جمله بخش‌های خواندنی این ماهنامه است. اخبار فرهنگی، اخبار کتاب، فهرست کتاب‌های منتشر شده در اردیبهشت و خرداد ۸۱ از دیگر مطالب این شماره است.

خبر

میزان تکالیف را عددترین مانع برای مطالعه می‌دانند.در این تحقیق که رونوشی از آن در اختیار ما قرار گرفته، دگر شده است که کودکان دوره ابتدایی به طور متوسط، روزانه ۳۸ دقیقه در طول سال تحصیلی مطالعه می‌کنند که این میزان درایام تابستان به ۴۶ دقیقه در طول روز افزایش می‌یابد اما سرانه مطالعه دانش‌آموزان در هر سه مقطع تحصیلی در طول سال به طور متوسط، روزانه ۴۱ دقیقه و درایام تابستان، ۵۵دقیقه است. بر اساس همین تحقیق، علیرغم نقش بنیادین خانواده در میزان علاقه‌مندی دانش‌آموزان به مطالعه، ۵ درصد از دانش‌آموزان ابتدایی و ۱۱ درصد از دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی و دبیرستان گفته‌اند که هیچ‌کدام از اعضای خانواده آنها مطالعه نمی‌کنند!

مجموعین ۲۰ درصد از دانش‌آموزان، کتاب‌های مورد علاقه خود را از طریق خرید کتاب تهیه می‌کنند.

افتتاح کتابخانه پروین اعتصامی

کتابخانه عمومی پروین اعتصامی هفته گذشته در

فصلنامه کتاب

جدیدترین شماره فصلنامه کتاب نشریه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر شد.

این شماره فصلنامه کتاب که شماره ۴۹ و تاریخ بهار ۱۳۸۱ را دارد ابر پایگاه‌های اطلاعاتی در شبکه جهانی وب از داریوش

علی‌محمدی، بررسی دیدگاه‌های تعاملی در طراحی نظام‌های بازیابی اطلاعات از علی‌گرنی متون طب شیعه در تاریخ پزشکی از دکتر فریده عصاره، بازیهای اطلاعاتی موسیقیدانان ایرانی از پروانه دادخواه، هوشنگ ابرامی و کتابداری نوین ایران از زهیر حیاتی را به چاپ سپرده است. منابع خارجی کتابخانه ملی، چگونگی نمایه‌سازی، استانداردهای فنی در حوزه کتابداری، معرفی نشریات الکترونیکی، معرفی کتاب، خیر و... از جمله تازه‌ترین مطالب این نشریه است.

مرسل

اولین نشریه معرفی انتشارات مرسل کلیات منتشر شد. در اولین شماره این نشریه گفت‌وگو با مدیر مسؤول انتشارات مرسل، آقای حبیبعلی پورمندی را پیرامون فعالیت‌های این مؤسسه انتشاراتی می‌خوانیم.

محمد زجاجی نویسنده کتاب «حماهمه کوثر» به «استاد دانشگاه و حوزه و گفت‌وگو با یادداشتی مؤلف کتاب آگاهی‌های نوین در ترک و ترجمه متون انگلیسی» از دیگر مطالب این شماره مرسل است. ۱۳ تومیه برای نویسنده شدن، اخبار کتاب و روز... می‌توانید در این نشریه بخوانید. نشریه کتاب هفته تولد این نشریه در این حوزه کتاب به دست اندرکاران آن تبریک می‌گوید.

چهاردها و نهمها

عباس زریاب خویی



عباس زریاب خویی

در ۲۲ تیرماه ۱۳۹۸ در شهر

خویی به دنیا آمد و تا سال سوم دبیرستان را در این شهر گذراند. سپس برای ادامه تحصیل به مدرسه فقیه در قم رفت و پس از آنکه همه علوم دینی را فراگرفت، در سال ۱۳۲۲ به

شهر خود بازگشت. دوسال بعد به تهران آمده و به اهتمام دکتر فقی فضلی در کتابخانه مجلس استخدام شد. در سال ۳۴ با معرفی فقی زاده، به موسسه مطالعاتی اوقاف و هموزنات آلمان غربی «ا.ا.هم‌ترین بنیادهای علمی و فرهنگی» در اختیارش قرار گرفت و پنج سال را در مایسن، آلمانگورنت «مؤرخ به تحصیل و مطالعه در رشته‌های تاریخ، علوم و معارف اسلامی، فلسفه و فرهنگ تطبیقی گذراند. در سال ۳۴ تا ۳۵ در دانشگاه برکنل کالیفرنیا به تدریس مشغول بود و پس از بازگشت، در دانشگاه تهران تاریخ تدریس می‌کرد.

زریاب عضو انجمن بین‌المللی کتب‌های آریایی در آلمان و عضو مجمع بین‌المللی کتب‌های آریایی در انگلستان بود و در ایران نیز عضویت در انجمن فلسفه فرهنگستان تاریخ و عضویت در بنیاد شاهنامه فردوسی را پذیرفت. با مرحوم مجتبی مینوی در تصحیح شاهنامه همکاری نزدیک داشت و مداخل‌های بسیاری در فرآیند‌معارف فارسی زیر نظر مصاحب، به قلم اوست. پس از انقلاب حسنگه آفری دانشگاه فخر او را دانشات اسلام و «دائرة المعارف تشیع» تأسیس شد، به همکاری با این نهادهای فرهنگی پرداخت. زریاب زبان ادبیات عرب را از حد علم می‌دانست. در هفتاد و هفتاد و یک سالگی در تهران درگذشت.
تاریخ فلسفه و تاریخ فلسفه آلمان و تاریخ دوران، مذاات فلسفه و «تاریخ ساسانیان» از جمله آثارى است که در اوساط ساسانیان منتشر گرد. تاریخ آریائیان و عرب‌ها در زمان انجمن آثار ملی منتشر شد. پس از انقلاب کتاب مجوم آورده را که شامل نخست مقاله تاریخ فرهنگ و فلسفه است توسط انتشارات علمی فرهنگی منتشر کرد.

استادزریاب در طول حیات فرهنگی و علمی خود مقالات بسیاری در مجلات سخن، هفتاد، اهدامی، کتاب و مسترترک و آذکار و ظهور تاریخ بنیادی و تحشیه او در دست انتشار است. نوشته فریبرزش مایگه، تحریر و هفتاد الصفا تصحیح ابکی فطره ابراهن «چشم‌نمانه استاد زریاب به کوشش احمد تقضلی در سال ۷۰ توسط نشر نو منتشر شد و در سال ۷۳ سرانجام جهان را واگذاشت. علام‌حسین میرزا صالح بنازکی توسط نشر فرزان روز به بازار آمد که اشاراتی عمیق به نظریه تاریخ و تاریخ‌نگاری و نیز حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها دارد.

سرمدییر : علی‌اصغر رمضانیپور

